

پژوهش در هنر و علوم انسانی

دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی، شهریور ۱۳۹۷
سال سوم، شماره سه (پیاپی: ۱۱)، جلد ۲: مطالعات علوم انسانی
شاپا: ۲۵۳۸-۶۲۹۸

مطالعه تطبیقی برنامه ریزی راهبردی بر اساس حکمروایی خوب شهری؛
مورد مطالعه: شهرهای تهران و مشهد
وحید حسنی هنزایی، رضا الهیاری

بررسی اثرات مهارت زبان انگلیسی در بین شهروندان بر میزان افزایش
گردشگری شهری؛ مورد پژوهی: شهر ساحلی چابهار
مریم ده بالائی، علی ریگی

بررسی ویژگی های فرمی و روند محتوای اجتماعی در شعر سیمین
بهبهانی
مریم دهبندی

بررسی فرآیند مشارکت استفاده کنندگان (مردم) در روند طراحی مسکن
با رویکرد معماری جمعی
حمیدرضا فرشچی، حامد ترکی باغبادرانی

روان بخشی (ادراک) فضاهای طبیعی در محیط انسان ساخت؛ آرامش
بخشی فضاهای سبز طبیعی
آزیتا بلالی اسکوئی، حدیثه زاده مهدی

فرا تحلیل مطالعات رابطه بین سرمایه فرهنگی و شادی
اسدالله بابایی فرد، محدثه محرابی زاده، محمد شمسی

امکان سنجی استقرار مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی
استان آذربایجان شرقی
فاطمه بخشایشی

پژوهش در هنر و علوم انسانی

دوماهنامه علمی تخصصی پژوهش در هنر و علوم انسانی

سال سوم، شماره سه (پیاپی: ۱۱)، شهریورماه ۱۳۹۷

شاپا: ۶۲۹۸-۲۵۳۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

میلاد فتحی

سر دبیر: امیر حسین یوسفی

مدیر داخلی: منیژه ملائی

اعضای شورای علمی نشریه:

سرکار خانم دکتر پریسا آروند، دانشگاه گیلان

جناب آقای دکتر حسنعلی آقاجانی، دانشگاه مازندران

جناب آقای دکتر سجاد اکبری، دانشگاه ارومیه

جناب آقای دکتر علیرضا اکرمی، دانشگاه گیلان

جناب آقای دکتر بهرام ایمانی، دانشگاه محقق اردبیلی

جناب آقای دکتر اعظم بابکی راد، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

جناب آقای دکتر محمد باقری، دانشگاه زنجان

سرکار خانم دکتر مرضیه تراجی، دانشگاه گیلان

سرکار خانم دکتر نغمه خرازیان، دانشگاه زنجان

جناب آقای دکتر روح الله رحیمی، دانشگاه مازندران

جناب آقای دکتر احمد جعفری صمیمی، دانشگاه مازندران

جناب آقای دکتر داود رضائی، دانشگاه زنجان

جناب آقای دکتر بهادر زمانی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

سرکار خانم دکتر مینو شغائی، دانشگاه هنر اصفهان

جناب آقای دکتر جواد شکاری نیری، دانشگاه بین المللی امام خمینی

جناب آقای دکتر ناصر صنوبر، دانشگاه تبریز

جناب آقای دکتر محمدرضا طبیبی، دانشگاه مازندران

جناب آقای دکتر مظفر عباس زاده، دانشگاه ارومیه

جناب آقای دکتر علی عمرانی پور، دانشگاه کاشان

جناب آقای دکتر افشین عموزاده، دانشگاه گیلان

سرکار خانم دکتر غزال کرامتی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

جناب آقای دکتر امیررضا کریمی آذری، دانشگاه گیلان

جناب آقای دکتر محسن کشاورز، دانشگاه شهید باهنر کرمان

جناب آقای دکتر محمد مهدی گودرزی، دانشگاه آزاد اسلامی همدان

جناب آقای دکتر مهرداد متین، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

جناب آقای دکتر بهزاد محبی، دانشگاه محقق اردبیلی

جناب آقای دکتر علیرضا محمدی، دانشگاه محقق اردبیلی

جناب آقای دکتر حسین مدی، دانشگاه بین المللی امام خمینی

جناب آقای دکتر مهدی مقیمی، دانشگاه زنجان

جناب آقای دکتر علیرضا مهدی زاده، دانشگاه شهید باهنر کرمان

جناب آقای دکتر سید محسن موسوی، دانشگاه مازندران

جناب آقای دکتر کیانوش ناصرالمعمار، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

جناب آقای دکتر امیر هوشنگ نظر پوری، دانشگاه لرستان



۰۲۱ ۳۳ ۲۰ ۲۴ ۸۷



۰۲۶ ۳۴ ۴۳ ۶۹ ۵۹



۰۲۱ ۴۳ ۸۵ ۷۱ ۲۴

نشانی: کرج، بلوار امام خمینی (باغستان)، بین
خیابان پنجم و ششم، روبروی مجموعه ورزشی
انقلاب، پلاک ۷۳۵، ساختمان پرند، واحد ۱

فراخوان پذیرش مقاله

نقش علوم انسانی و هنر با کارکرد انتقادی در خصوص طرح سوالات بنیادین در فلسفه و مبانی علمی به عنوان ابزاری برای دستیابی به تفکر نواندیش، خلاق و کارآفرین در زیرساخت‌های سایر علوم و دستاوردهای آن نیز از اهمیت بسیاری در فرآیند توسعه برخوردار است. از اینرو می‌توان گفت دستیابی به توسعه بومی، همه جانبه و پایدار، جز با بذل توجه به پژوهش و مطالعه در حوزه علوم انسانی و هنر میسر نخواهد شد.

ارتقاء کیفیت پژوهش‌ها و مطالعات علمی، از مسیر انتشار نتایج مطالعات علمی و تخصصی پژوهشگران می‌گذرد. با این نگاه نشریه پژوهش در هنر و علوم انسانی توسط موسسه تحقیقاتی مدیریت دانش شباک و با همکاری علمی اساتید برجسته دانشگاه‌های کشور به انتشار مقالات علمی در زمینه پژوهش هنر و مطالعات علوم انسانی می‌پردازد.

از اینرو از تمام اساتید، صاحب‌نظران، کارشناسان، دانشجویان، پژوهشگران و علاقمندان به مطالعات علوم انسانی و هنر دعوت می‌نماید با ارسال مقالات علمی خود به از طریق وبسایت نشریه به نشانی www.rahs.ir در پربارتر کردن این نشریه ما را یاری نمایند.

محورهای نشریه پژوهش در هنر و علوم انسانی:

- | | |
|---|--|
| مطالعات هنر: | پژوهش‌های علوم انسانی: |
| ۱- هنرهای پژوهشی و پژوهش در هنر | ۱- علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی |
| ۲- هنرهای نمایشی و سینما | ۲- زبان‌شناسی، ادبیات و آموزش |
| ۳- مرمت، احیا و بازسازی | ۳- علوم جغرافیایی |
| ۴- هنرهای تصویری و طراحی | ۴- علوم تاریخ و باستان‌شناسی |
| ۵- موسیقی | ۵- فلسفه، الهیات و معارف اسلامی |
| ۶- معماری و شهرسازی | ۶- روانشناسی و علوم تربیتی |
| ۷- هنرهای تجسمی و موضوعات دیگر در هنر | ۷- حقوق |
| ۸- دیگر موضوعات در مطالعات هنر و پژوهش‌های میان رشته‌ای | ۸- علوم سیاسی و روابط بین‌الملل |
| | ۹- حسابداری، مدیریت و علوم اقتصادی |
| | ۱۰- دیگر موضوعات در علوم انسانی و پژوهش‌های میان رشته‌ای |

فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۱	مطالعه‌ی تطبیقی برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس حکمروایی خوب شهری؛ مورد مطالعه: شهرهای تهران و مشهد وحید حسنی هنزایی، رضا الهیاری
۱۵	بررسی اثرات مهارت زبان انگلیسی در بین شهروندان بر میزان افزایش گردشگری شهری؛ مورد پژوهی: شهر ساحلی چابهار مریم ده بالائی، علی ریگی
۲۷	بررسی ویژگی‌های فرمی و روند محتوای اجتماعی در شعر سیمین بهبهانی مریم دهبندی
۳۳	بررسی فرآیند مشارکت استفاده‌کنندگان (مردم) در روند طراحی مسکن با رویکرد معماری جمعی حمیدرضا فرشچی، حامد ترکی باغبادرانی
۴۵	روان بخشی (ادراک) فضاهای طبیعی در محیط انسان ساخت؛ آرامش بخشی فضاهای سبز طبیعی آزیتا بلالی اسکوئی، حدیثه زاده مهدی
۵۹	فرا تحلیل مطالعات رابطه بین سرمایه فرهنگی و شادی اسدالله بابایی فرد، محدثه محرابی زاده، محمد شمسی
۷۳	امکان سنجی استقرار مدیریت جانشین‌پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی فاطمه بخشایشی

مطالعه‌ی تطبیقی برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس حکمروایی خوب شهری «مورد مطالعه شهرهای تهران و مشهد»

وحید حسنی هنزایی^۱، رضا الهیاری

۱- دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه یزد

vahidhosni@gmail.com

چکیده

محققان و اندیشمندان حکمروایی خوب را بهترین راه برون رفت کلان‌شهرها از مشکلات مدیریتی خود می‌دانند، لذا مدیریت شهری با لحاظ نمودن مؤلفه‌های نظریه‌ی حکمروایی خوب شهری در برنامه‌ریزی‌ها بدان دست پیدا خواهد کرد. مدیریت راهبردی ابزاری است برای حکمروایی خوب شهری، آن‌چه اهمیت دارد میزان اثربخشی این ابزار در رسیدن به هدف است. هدف این تحقیق ارزیابی مقایسه‌ای این موضوع است که در برنامه‌ریزی راهبردی، شهرها تا چه میزان مؤلفه‌های حکمروایی خوب شهری را لحاظ نموده‌اند. تحقیق یک روش ارزیابی ارائه می‌دهد که بتوان با آن برنامه‌های راهبردی را قبل از اجرا نسبت به وضعیت ایده‌آل از پیش تدوین شده ارزیابی نمود. در این تحقیق با بررسی اقتضائات مدیریت کلان‌شهرها و همچنین مدیریت راهبردی شهرهای مشهد و تهران با ایجاد چک‌لیست، اهداف کلان شهرها مورد بررسی قرار گرفته و سپس راهبردهای مربوط نیز به لحاظ نزدیکی به این مؤلفه‌ها ارزیابی شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اعمال اصول حکمروایی خوب در برنامه‌ریزی استراتژیک شهر مشهد از برنامه‌ریزی ارائه شده برای شهر تهران بیشتر بوده است. این نتیجه می‌تواند معیاری برای پیش‌بینی میزان اثربخشی بالقوه‌ی برنامه‌ریزی راهبردی شهرهای مورد مطالعه، به لحاظ دستیابی به حکمروایی خوب شهری برای متولیان امر قرار گیرد.

کلمات کلیدی: حکمروایی خوب شهری، برنامه‌ریزی راهبردی، مدیریت کلان‌شهرها.

۱- مقدمه

جهان امروز با چالش‌هایی مواجه است که ناشی از دگرگونی‌های حاصل از پیشرفت علم و صنعت و طرح نیازهای جدید سازمانی و اجتماعی است. در جهان متحول امروز، نقش دولت نیز متحول و مسئولیت آن متفاوت خواهد بود، دولت‌ها به تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای جدید نبوده و لازم است با افزایش قابلیت‌های خود از طریق بازدمیدن نیروی تازه در نهادهای عمومی توان پاسخگویی به نیازهای جدید را افزایش دهند (کاظمیان، ۱۳۸۳: ۳). امروزه شهرها با مشکلات روزافزونی از جمله افزایش جمعیت، حاشیه نشینی، آلودگی‌های زیست محیطی، فقر و ... مواجه‌اند که در این میان کلان‌شهرها وضعیت نگران‌کننده تری دارند. مدیران شهری خصوصاً در کلان‌شهرها نیز با انواع مشکلات مدیریتی مواجه می‌باشند که این امر نارضایتی مسئولان رده بالا و شهروندان را به دنبال داشته است. کنش گران شهری که شامل عناصر حکومتی، خصوصی و عمومی می‌باشند، هر کدام در صورت امکان به دنبال بیشینه ساختن میزان قدرت و نفوذ در جامعه هستند و بر حسب میزان قدرت و نفوذ این عناصر می‌توان دو رویکرد حکومت شهری و حکمروایی شهری را تشخیص داد (کاظمیان، ۱۳۸۳: ۳). در سالیان اخیر حکمرانی به موضوعی داغ در مدیریت دولتی تبدیل شده است و این به واسطه نقش مهمی است که حکمرانی در تعیین سلامت اجتماع ایفا می‌کند. بدین جهت است که دبیر کل سابق سازمان ملل؛ کوفی عنان ابراز می‌دارد:

"حکمرانی خوب احتمالاً مهم ترین عامل در ریشه کن کردن فقر و عامل رشد و توسعه است." تا قبل از دهه ۱۹۸۰ مدیریت دولتی سنتی^۱ پارادایم مطرح در حوزه مدیریت بود اما با ظاهر شدن ابعاد منفی و نقاط ضعف آن، در همین سالها در کشورهای انگلیس و آمریکا، پارادایم دیگری به نام مدیریت دولتی نوین، تولد خود را اعلام داشت و خصوصی سازی و پیمان کاری را شعار خویش قرار داد. اما وعده های این جریان فکری نیز در کشورهای مبدع آن، سرابی بیش نبود و بزودی مشخص شد این پارادایم نیز قادر نیست خیر و رفاه مناسب و عادلانه ای برای شهروندان فراهم سازد. پس بشر مجدداً در جست و جوی پارادایم های دیگری برآمد که ظهور خدمات عمومی جدید^۲ و حکمرانی خوب^۳ از جمله آنهاست.

اولین مرجع معتبری که در این زمینه مباحثی را مطرح نموده، بانک جهانی است که در گزارشی در سال ۱۹۸۹ آن را به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضائی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف نموده است. بانک جهانی، ابداع کننده واژه حکمروایی و توسعه دهنده این مفهوم است. ریشه های نظری این موضوع به کارهایی که افرادی مانند مک لالین در انگلستان انجام داده اند بر می گردد. در دهه ۶۰ موضوع مشارکت در انگلستان مطرح شد و پس از آن در دهه ۷۰ کمیسیون اسکفینگتن مأمور شد که در مورد گسترش مشارکت در جوامع شهری، فعالیت کند. در همین زمان، مک لالین جزو اولین افرادی بود که مفهوم "Governance" را مطرح کردند. از نظر او حکومت های شهری و محلی به بن بست رسیده بودند، چون رابطه آنها با سازمانهای مدنی، مردم و اقشار اجتماعی قطع شده بود. این قطع ارتباط با مردم و نا کارایی آنها، انتظارات تازه ای را از سوی مردم به دنبال داشت. در حقیقت، مردم انتظار داشتند که بتوانند در اداره جامعه، مشارکت فعال تری داشته باشند و گروه های داوطلب و بخش خصوصی، می خواستند در این امور سهیم شوند. در این زمان، مک لالین "Governance" را به عنوان شیوه ای از روش های اداره جامعه در مقابل حکومت مطرح کرد. منظور از این شیوه، این بود که اگر ما «حکومت» را به عنوان بخش رسمی دولتی بشناسیم با ورود بخش خصوصی و گروه های داوطلب به عرصه سیاست گذاری و حکومت، می توانیم شاهد شکل مطلوب تری از اداره شهر باشیم. پس از آن در دهه ۹۰ بانک جهانی به ترویج این موضوع به عنوان یک سند جهانی و بین المللی پرداخت (اطهاری، ۱۳۸۶: ۱۱).

الگوی حکمروایی شهری یک فرم جدید از حاکمیت شهری است که پاسخگوی ضرورت تعادل چند وجهی میان عناصر و نیروهای تأثیر گذار در جهت پایداری توسعه و شهروند مداری است (کاظمیان، ۱۳۸۳: ۳). از این رو توجه و تعمق در الگوی یاد شده، کمک زیادی به یافتن ترکیب جدیدی از همکاری سه بخش دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در ارائه خدمات عمومی بهتر خواهد نمود. بخش هایی که البته خود نیز نقش مهمی در تسهیل الگوی حکمرانی خوب در جامعه دارند. نقش نهادهای مدنی به عنوان مدافع حقوق شهروندی در تقویت مشارکت مردمی به منظور تاثیرگذاری بر سیاست گذاریهای عمومی، نقش بخش خصوصی به عنوان عامل تولید در تقویت سرمایه گذاری ها و رشد تولید ناخالص ملی به منظور افزایش درآمد سرانه و پویایی اقتصاد و بازار و ایجاد رفاه نسبی، و در نهایت نقش دولت به عنوان تسهیل کننده فعالیت های عمومی در فراهم سازی محیطی برای توسعه پایدار به منظور ایجاد ثبات و توسعه عدالت اجتماعی در جامعه، از نقش های مهم و اساسی هر یک از بخش ها در تسهیل حکمرانی خوب خواهند بود (United Nations Development Program, 1997).

ناکامی های اجرای برنامه های توسعه از بالا به پایین و آمرانه که نگاهی یکسویه به شهر، شهروندان و آینده داشتند نیز شکاف و جدایی که بین مردم و تصمیم گیران و مدیران شهری وجود داشت زمینه طرح ایده حکمروایی خوب با مؤلفه هایی چون مشارکت، قانون مندی، شفافیت، پاسخگویی و ... را فراهم ساخت (اسدی، ۱۳۸۸). این رویکرد به روابط بین جامعه مدنی با دولت، قانون گذاران با مخاطبان قانون، و حکومت با حکومت شوندگان معطوف است. اشترن (به نقل از اسدی، ۱۳۸۸) ضمن ارائه این تعریف، معیارهای سنجش حکمروایی خوب را به این شرح برمی شمارد: پاسخگویی یا محاسبه پذیری^۴، شفافیت،

^۱ - Public Administration

^۲ - New Public Services

^۳ - Good Governance

^۴ - Accountability

قانونمندی انتخاب عمومی رهبران سیاسی و بالأخره وجود ساختارهای نهادی و قانونی برای پشتیبانی و محافظت شهروندان در مقابل اقدامات استبدادی (scott,2001:205). در این تحقیق با بیان و تعریف حکمروایی خوب شهری و مؤلفه‌های آن به بحث مدیریت راهبردی و مدیریت شهری نیز پرداخته می‌شود. در ادامه بندهای برنامه‌های راهبردی شهرهای مورد مطالعه اعم از اهداف و راهبردها بیان شده و سپس با روش پیشنهادی به بررسی کمی میزان انعکاس ارکان حکمروایی خوب شهری در این برنامه‌های راهبردی پرداخته می‌شود.

۲- پیشینه تحقیق

در زمینه حکمروایی خوب شهری در کشورهای اروپایی و آمریکا، مطالعات و پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله گانی و دانکن با عنوان "اندازه گیری حکمروایی خوب با استفاده از داده‌های سری‌های زمانی" اشاره کرد. در تحقیق دیگری به نام "طراحی شاخص‌های حکمروایی شهری خوب: اهمیت مشارکت شهروندان و ارزیابی آن در ونکوور" که توسط کندی استوارت (۲۰۰۶) انتشار یافته است، به ذکر چالش‌های شاخص‌سازی می‌پردازد. تحقیق دیگری (Rumi, 2010) راهکار برخی از معضلات شهری را حکومت‌های محلی دانسته و سعی دارد با استفاده از برخی راهبردهای تفویض‌کننده اختیار به حکومت‌های شهری هدف ظرفیت‌سازی را در شهرها دنبال نماید.

اما در ایران از جمله مطالعاتی که حول محور حکمروایی خوب صورت گرفته عبارتند از:

مقاله سرمایه اجتماعی و حکمروایی خوب؛ نوشته اکبری که در آن به بررسی پیوندهای دو مفهوم حکمروایی خوب و سرمایه اجتماعی پرداخته و ریشه‌های نظری حکمروایی خوب را مورد شناسایی قرار می‌دهد (اکبری، ۱۳۸۵: ۱۳۵-۱۵۳). در مقاله دیگری تحت عنوان "حاکمیت شهر-منطقه تهران: چالش‌ها و روندها" آخوندی، برک پور و دیگر همکاران (۱۳۸۵) به بررسی و تحلیل ابعاد مختلف مفهوم تفرق سیاسی به عنوان بزرگترین چالش فرا روی نظام‌های اداره و حاکمیت مناطق کلان شهری می‌پردازند. پرهیزگار و کاظمیان (۱۳۸۴: ۲۹-۴۸) در مقاله خود با نام "رویکرد حکمروایی شهری و ضرورت آن در مدیریت منطقه کلان شهری تهران" پس از مروری بر مفاهیم و چارچوب‌های نظری موجود به شناخت و ارزیابی فرم و محتوای نظام اداره‌کننده منطقه کلان شهری تهران پرداخته و الزامات استقرار الگوی حکمروایی خوب را در آن تبیین می‌کنند. از دیگر پژوهش‌های صورت گرفته در مقوله حکمروایی می‌توان به رساله دکتری برک پور (۱۳۸۷: ۵۱۷-۴۹۱) با عنوان گذار از حکومت شهری به حاکمیت شهری و مقاله وی با عنوان حکمروایی شهری و نظام اداره شهرها در ایران اشاره کرد. مشارکت شهروندی، حکمروایی شهری و مدیریت شهری که با شرح مدل‌های مختلف مشارکت شهروندی و مقتدر سازی شهروندان و وظایف حکمرانی شهری مطلوب و مدیریت شهری مؤثر را مورد بررسی قرار می‌دهد (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۴۲-۵۵). بصیرت (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان "تجربیات جهانی حکمروایی مناطق کلان شهری" با استناد به تعدادی از تجربیات جهانی اداره مناطق کلان شهری، نتایج و آموزه‌های روشن و مفیدی را برای حکمروایی مناطق ایران به دست می‌دهد.

۳- مبانی نظری

در این بخش از تحقیق به بیان مبانی نظری از جمله مفاهیم حکمروایی خوب شهری و ارکان آن، مدیریت استراتژیک، مدیریت شهری از نگاه تحقیقات گذشته پرداخته می‌شود. ضرورت ارزیابی برنامه ریزی راهبردی شهر و مروری بر برنامه ریزی راهبردی شهرهای مورد مطالعه نیز در ادامه بخش آمده است.

۳-۱- حکمروایی خوب شهری

"حکمروایی شهری" فرآیندی است چند جانبه میان کنش گران رسمی اداره شهر از یک طرف و نیز فعالان عرصه مدنی به عنوان کنش گران غیر رسمی که تعاملات چند وجهی آنها می‌تواند به سازگاری منافع گوناگون در بین کنش گران منجر شود.

آنچه در این مفهوم پیداست همانا وارد شدن جامعه مدنی و نیز بخش خصوصی به فرایند برنامه ریزی و اداره امور (شهری) است. این در حالی است که حکومت، مجموعه از نهادهای رسمی و حقوقی با قدرت قانونی است (برک پور، ۱۳۸۶: ۴۹۵-۴۹۶). با این اوصاف حکمروایی شهری یعنی اثرگذاری همه ارکان اثرگذار شهری بر مدیریت شهر، با تمام ساز و کارهایی که به سوی تعالی شهر و شهروندان حرکت کنند، نه اینکه عرصه های عمومی و خصوصی کنار گذاشته شوند و فقط عرصه دولتی اختیار دار آن دو باشد و همچنین الگویی است که از طریق جلب مشارکت و همیاری تمام نیروهای عملکردی و تمام سطوح جغرافیایی و جایگزینی هم‌گرایی به جای تفرق و واگرایی، بتواند زمینه توسعه پایدار و انسان محور منطقه کلان شهری و سازمان فضایی - کالبدی کارآمد در این چارچوب را فراهم کند.

در این مجموعه بخش خصوصی و مردمی جایگاه تعریف شده ای ندارند. حکمروایی شهری، پیش شرطی برای توسعه پایدار است. چرا که عدم تمرکز، مدیریت منابع محدود، مشارکت همگانی، شراکت بین شهر، دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی، ابزارهای اصلی نبرد شهرها برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و پایداری توسعه هستند؛ و اینها همگی مستلزم استقرار مدل حکمروایی شهری است (کاظمیان، ۱۳۸۳: ۱۴).

۳-۲- ارکان یا مؤلفه‌های حکمروایی خوب

از لحاظ تاریخی مفهوم حکمرانی به اندازه تمدن بشری قدمت دارد و بسته به سطح آن (ملی، منطقه ای، محلی) مجموعه ای از بازیگران رسمی و غیر رسمی را که بر جریان تصمیم گیری تاثیر گذار هستند در بر می گیرد. آن دسته از ویژگی ها و مشخصه‌هایی که دولت به واسطه برخورداری از آنها به عملکردهای اقتصادی مطلوبی دست یافته است، بر حسب مطالعات مختلف با تغییراتی همراه بوده‌اند اما این تغییرات به هیچ وجه منافی همدیگر نیستند بلکه بعضی مطالعات نسبت به بعضی دیگر کامل تر هستند. این ویژگی‌ها در زیر بر شمرده شده‌اند و علاوه بر توضیح، تعریف عملیاتی آن در قالب برنامه‌ریزی راهبردی آمده است.

مشارکت: به معنی حضور همه مردم در تصمیم گیری های مختلف است که هم به صورت مستقیم و هم از طریق نمایندگان و نهادهای واسطه ای قانونی و مشروع تحقق می یابد. مباحث مشارکت غالباً مبتنی بر وجود آزادی بیان و حق اظهار نظر همه افراد جامعه در حوزه های مختلف سیاسی و امنیتی خواهد بود البته این امر لزوماً به معنی آن نیست که تمایلات، خواسته ها و نگرانی های تک تک افراد جامعه مورد توجه قرار گیرد بلکه منظور مشارکت حداکثری است که از طریق مکانیسم های خاص خود تحقق پیدا می کند. بنابراین ویژگی اصلی مشارکت آزادی همه مردم در ابراز نظرات و دیدگاههای خود است که این امر در مرحله اجرا نیازمند ابزارهای خاصی از جمله رسانه های آزاد و نهادهای مدنی مستقل است. در برنامه‌ریزی راهبردی هر هدف یا راهبرد که بتواند زمینه‌ی مشارکت را فراهم نماید منعکس کننده‌ی این مؤلفه‌ی حاکمیت شهری در برنامه است.

حاکمیت قانون: برقراری سیستم حکمرانی خوب نیازمند چارچوب های قانونی عادلانه و منصفی است که از ویژگی های بی‌طرفانه بودن برخوردار است. در این چارچوب باید از حقوق کلیه افراد مخصوصاً حقوق محرومان محافظت به عمل آید. اجرای اینگونه قوانین در یک فضای بی‌طرفانه و مبتنی بر انعطاف، نیازمند دستگاه قضایی مستقل و نیروی پلیس بی طرف و عاری از فساد است. در ادبیات راهبردی حاکمیت قانون در ساماندهی‌ها بروز پیدا می‌کند، چرا که لازمه‌ی ساماندهی، وجود قوانین و اهرم اجرای آن است و این حاکمیت قانون نام دارد.

شفافیت: شفافیت به معنی جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی سهل و آسان به آن برای تمامی استفاده کنندگان از مربوطه است. اطلاعات باید به اندازه کافی و به صورت قابل فهم در دسترس باشند و از طرف دیگر اتخاذ تصمیمات و اجرای آن - ها از قوانین و مقررات مشخصی پیروی کند. هر بستری (مانند ارتباطات) که بتواند زمینه‌ی شفافیت را فراهم نماید یک امتیاز برای برنامه راهبردی به حساب می‌آید.

مسئولیت پذیری: حکمرانی خوب نیازمند این است که نهادها و فرایندهای تصمیم‌گیری در یک چارچوب زمانی منطقی به همه استفاده‌کنندگان آن خدمات لازم را ارائه دهد. رسیدن به این هدف تنها زمانی امکان پذیر است که نهادهای تصمیم‌گیر نسبت به تامین خواسته‌ها و تمایلات افراد احساس مسئولیت داشته باشند. در برنامه‌ریزی راهبردی شهری، هر راهبرد یا هدفی که ناشی از نیازسنجی ناشی از مسئولیت‌پذیری و در پی رفع آن باشد منعکس‌کننده‌ی مسئولیت‌پذیری حاکمیت شهری در آن برنامه‌ریزی است.

اجماع سازی: در واقع هر اندازه که نقطه نظرات موجود در یک جامعه از تفاوت‌های زیادی برخوردار باشند، بازیگران گوناگونی نیز وجود خواهند داشت. لذا حکمروایی خوب نیازمند این است که منافع و سلايق مختلف در جامعه به سمت اجماعی گسترده که بهترین و بیش‌ترین منفعت را برای تمام اجتماع در پی دارد، هدایت کند. این امر مستلزم این است که چشم انداز بلند مدت و وسیعی نسبت به آن چه برای توسعه انسانی پایدار ضروری است و چگونگی دستیابی به اهداف این چنین توسعه‌ای وجود داشته باشد. این مهم نیز تنها از طریق فهم و درک مفاهیم تاریخی، فرهنگی و اجتماعی جامعه قابل دستیابی است. موارد برنامه‌ریزی راهبردی که ناشی از نیازسنجی سطح جامعه بوده، یا اشاره به تقویت مفاهیم یاد شده دارد را مواردی بر شمرده می‌شود که اجماع سازی را در خود منعکس می‌نمایند.

عدالت و انصاف: در حکمرانی خوب همه افراد باید از فرصتهای برابر برخوردار باشند. رفاه یک جامعه وابسته به تضمین این امر است که همه اعضای آن احساس کنند در آن جامعه استفاده کننده (از خدمات عمومی) هستند و همه اعضا حس حمایت شدن را داشته باشند نه جداماندن از جریان اجتماع (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸). برای تحقق این امر همه گروه‌های آسیب پذیر باید از حمایت‌های لازم برای افزایش توانمندی‌های خود برخوردار باشند.

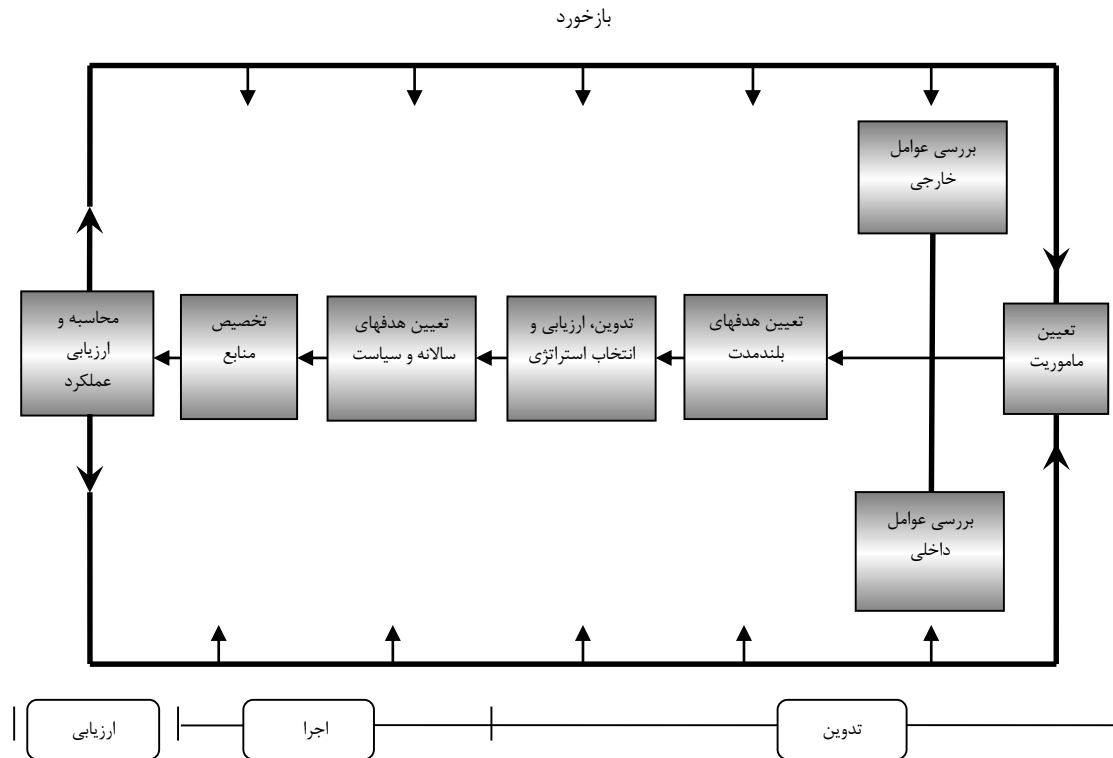
کارایی و اثربخشی: حکمروایی خوب به معنی آن است که نهادها و سازمان‌های تصمیم‌گیرنده همیشه نیازهای مردم را در نظر داشته باشند و از منابع موجود به صورت کارا استفاده کنند. مفهوم کارایی در ارتباط با حکمروایی خوب به معنی استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست نیز خواهد بود. لذا موضوع بهترین استفاده از منابع با حکمرانی ارتباط مستقیم دارد.

پاسخگویی: پاسخگویی یک امر حیاتی برای مساله حکمرانی خوب است. نه تنها نهادهای دولتی بلکه بخش خصوصی و سازمانهای جامعه مدنی باید نسبت به عموم مردم و همه افراد ذینفع پاسخگو باشند. به طور کلی یک نهاد یا سازمان نسبت به کسانی که در ارتباط مستقیم با تصمیمات آن قرار دارند، پاسخگو خواهند بود. لازم به ذکر است پاسخگویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون قابل اجرا نیست. این شاخص‌ها را می‌توان به عنوان دستورالعملی برای تعامل هر چه بهتر سه بخش دولت، بخش خصوصی (بازار) و جامعه به معنای نوین آن تلقی کرد. در این رویکرد، هدف عبارتست از بکارگیری حداکثری ظرفیت‌های موجود در هر یک از بخش‌های فوق‌الذکر به منظور نیل به اهداف گسترده تری از رفاه اقتصادی و اجتماعی (رفیعیان و حسین-پور، ۱۳۹۰: ۹۰-۹۳).

۳-۳- مدیریت استراتژیک

۳-۳-۱- الگوی جامع مدیریت استراتژیک

مدیریت استراتژیک دارای الگوهای گوناگونی است از جمله: مدل هاروارد، مدل سیستمهای برنامه ریزی استراتژیک، مدل مدیریت ذینفعان، مدل رویکردهای محتوایی، مدل مدیریت مسائل استراتژیک، مدل افزون گرایی منطقی، استراتژی‌های فرآیندی مذاکرات استراتژیک (کیاکجوری و رودگرنژاد، ۱۳۸۷: ۳-۷) و دیگر الگوهایی که در همین راستا بیان شده‌اند. در این پژوهش، منظور از الگوی مدیریت استراتژیک، الگوی جامع مدیریت استراتژیک (مدل مدیریت مسائل استراتژیک) می‌باشد (مدل ۱).



مدل ۱: الگوی جامع مدیریت استراتژیک (منبع: فرد آر، ۱۳۷۹: ۴۳)

الگوی جامع مدیریت استراتژیک الگویی که توسط فرد آر دیوید ارائه شد. این الگو گویای این است که مدیریت استراتژیک دارای سه مرحله‌ی اصلی تدوین، اجرا و ارزیابی استراتژی است. فرآیند مدیریت استراتژیک از تعیین مأموریت آغاز می‌شود و به سوی ارزیابی عملکرد حرکت می‌کند. این فرآیند، یک فرآیند پویا و مستمر است که تغییر در هر یک از ارکان الگو، موجب تغییر در دیگر ارکان آن خواهند شد و فرآیند مدیریت استراتژیک را هیچ پایانی نیست (فرد آر، ۱۳۷۹: ۴۴). مراحل الگوی جامع مدیریت استراتژیک عبارتند از:

الف) تدوین استراتژی (برنامه‌ریزی استراتژیک): تدوین استراتژی شامل تعیین مأموریت، شناسایی عوامل درونی و بیرونی، تعیین اهداف بلند مدت و انتخاب استراتژی می‌شود (مدل ۱). برنامه‌ریزی استراتژیک، خشت نخستین (بنیان) هر اجتماع مشترک - سود است (Farrah & others, 2001, p. 4). برنامه‌ریزی استراتژیک، یک فرآیند تکرار پذیر و رفت و برگشتی است با هدف تنظیم سازمان با محیط متغیر بیرونی (احمدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۶۰۶). برنامه‌ریزی استراتژیک انسان پایه است نه فرآیند پایه، اصولی است نه سطحی، برنامه‌ریزی گراست نه برنامه‌گرا، ریسک‌افزاست نه ریسک‌کاه، تصمیم‌گراست نه وظیفه‌گرا، در فضای باز انجام می‌شود نه در پشت درهای بسته، آشفته و هم ستیزگراست نه آرام و هماهنگ‌گرا، کنشی است نه واکنشی، سنجیده است نه نسنجیده، متمرکز است نه پراکنده، یک روش زندگی است نه یک کنش تنها، نقشه‌ی راه آینده است نه برنامه‌ی فعالیت سال آینده، نوآروانه است نه دستوری (Fresh Thinking Capital Pty Ltd, 2008, p.5). برنامه‌ریزی استراتژیک، مجموعه‌ای از قوانین نیست بلکه تصمیماتی گروهی است، چشم انداز فردی نیست بلکه چشم اندازی است گروهی و همچنین اینکه توسط مدیران انجام می‌شود نه توسط برنامه‌ریزان.

ب) اجرای استراتژی: اجرای استراتژی یعنی مدیریت بر نیروها به هنگام عمل (فرد آر، ۱۳۷۹: ۴۲۴). اجرای استراتژی یک فرآیند عملیاتی است که بر کارایی، هماهنگی بین عده‌ی زیادی از افراد، و مهارت رهبری تاکید دارد (فرد آر، ۱۳۷۹: ۴۲۶). "چالش‌های اساسی مدیریت استراتژیک بیش از مرحله تدوین در اجرای استراتژی‌ها نهفته است. اجرای استراتژی مرحله تبدیل حرف به عمل است" (غفاریان و کیانی، ۱۳۸۴: ۱۷).

ج) **ارزیابی استراتژی:** فردآر، ارزیابی استراتژی را شامل سه فعالیت می‌داند. ۱- بررسی مبانی اصلی استراتژی‌های شرکت ۲- مقایسه نتیجه‌های موردنظر با نتیجه‌های واقعی ۳- انجام دادن اقدامات اصلاحی (فرد آر، ۱۳۷۹: ۵۴۲). این ارزیابی در پایان اجرای راهبرد مطرح می‌شود در حالی که مبانی اصلی راهبردی سازمان قبل از اجرا موجود بوده و می‌توان راهبردها را با روش پیشنهادی در این مطالعه به لحاظ نزدیکی به این اصول ارزیابی گردد.

۴-۳- مدیریت شهری و حکومت شهری

مدیریت شهری عبارت است از سازماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان شهر (صرافی و عبدالهی، ۱۳۸۷: ۱۲۱). مدیریت شهری، یک مقصد دو جانبه دارد: برنامه ریزی برای بهبود و نگهداری زیرساخت‌ها و خدمات شهری، و مطمئن شدن از اینکه حکومت شهری در یک وضعیت مناسب قرار دارد (Wong & Others, 2006, p.648). چنانچه شهر همچون سازمانی در نظر گرفته شود که در راس آن عنصری برای اداره امور کنونی و برنامه ریزی آینده آن نیاز باشد، این عنصر را می‌توان مدیریت شهر نامید (کیاکجوری و ملک محمدی، ۱۳۸۵: ۳). مدیریت شهری پدیده‌ای است که ماهیتا نزدیکی زیادی با دموکراسی و دخالت فعال شهروندان در اداره‌ی امور مربوط به خود دارد، این مهم به جامعه‌ای پویا نیاز دارد. در چنین جامعه‌ای مدیران شهری نمایندگان شهروندان به حساب آمده و برای جلب رضایت آنان ناچار به پاسخگویی‌اند. ساختار مدیریت شهری یکی از ابعاد بسیار مهم حکمروایی خوب شهری محسوب می‌شود (آخوندی و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۳۷). از ارکان حکمروایی خوب در شهر، اعمال مدیریت شهری است که فعالیت‌های کلی آن در برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل طبقه بندی می‌شوند. مدیریت شهری برای پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان، به ویژه در مورد عملکردهای مشترک و تنظیم اثرات متداخل آن‌ها و تأمین رفاه همگانی به کار گرفته می‌شود و بدنه‌ای اجرایی است که همراه با بدنه‌ی قانون‌گذار و نظارت مردمی، حکومت شهری را تشکیل می‌دهد (صرافی، ۱۳۸۰: ۴۸).

۵-۳- ارتباط حکمروایی خوب شهری و برنامه‌ریزی راهبردی شهر

چنانکه گفته شد، از ارکان حکمروایی خوب شهری اعمال مدیریت شهری است (صرافی، ۱۳۸۰: ۴۸) و بدنه‌ی اجرایی مدیریت شهری، قانون‌گذاری و نظارت است. از طرف دیگر برنامه ریزی راهبردی ابزاری کارآمد برای مدیریت شهری بوده چرا که نتایج تحقیق پویزر و استریب (۲۰۰۵) نشان می‌دهد، تعداد بسیاری از مدیران شهرداری‌ها اعلام نموده‌اند که از پیاده‌سازی طرح‌های راهبردی و دستیابی به اهداف راهبردی راضی بوده‌اند و به طور تقریبی ۹۰ درصد آن‌ها اعلام نموده‌اند که منافع بدست آمده از برنامه‌ی راهبردی بیشتر از هزینه‌ی صرف شده‌اش می‌باشند. بنابراین برای تحقق حکمروایی خوب شهری، برنامه‌ریزی راهبردی ابزار مناسبی است. بدینصورت که برای دستیابی به حکمروایی خوب شهری لحاظ مؤلفه‌های آن در برنامه ریزی راهبردی اجتناب‌ناپذیر است.

۶-۳- ضرورت ارزیابی برنامه‌ریزی راهبردی شهر

در فرایند کامل برنامه ریزی راهبردی علاوه بر تدوین برنامه‌ها، در چند مرحله ممیزی صورت می‌گیرد. این مراحل شامل «ممیزی و تدوین سر فصل‌های مأموریت، ممیزی تفاوت میان ساختار مطلوب و ساختار کنونی سازمان، ممیزی و تدوین راهبردهای سرپرستی سازمان و اهداف راهبردی سازمان» است (امامیان و مشتري، ۱۳۸۷). در مراحل مذکور به دلیل ممیزی صورت گرفته ممکن است آن‌چه در سطوح بالای برنامه ریزی راهبردی بوده در تدوین برنامه‌های سطوح پایین منعکس نشده باشد لذا ارزیابی برنامه ریزی راهبردی برای تطابق اهداف سطوح مختلف ضرورت پیدا می‌کند. ملاکی که برای ارزیابی می‌توان یافت جایگاه حکمروایی خوب شهری در برنامه ریزی سطوح مختلف است زیرا هدف برنامه نیل به این مفهوم است. حکمروایی خوب شهری ملاکی است که به روشی که این مطالعه پیشنهاد می‌دهد می‌توان برنامه‌ریزی‌های راهبردی را بصورت طولی (برنامه‌های سطوح مختلف) و هم چنین عرضی (برنامه‌ریزی شهرهای مختلف و برنامه‌ریزی مختلف شهرها) بررسی نمود.

۴- مروری بر برنامه‌ریزی راهبردی شهرهای مورد مطالعه

برای تدوین و بررسی راهبرد، ابتدا تحولات اساسی در طول دوره‌ی عمر سازمان مورد مطالعه بررسی شده و سپس مبدا برای تحلیل شرایط انتخاب راهبرد در نظر گرفته می‌شود. در این بخش علاوه بر بررسی این تحولات در حوزه‌ی شهری، بر برنامه‌ریزی راهبردی شهرهای مشهد و تهران مروری داشته و اهداف بلندمدت و راهبردهای پیش روی شهرها مورد بررسی و بیان قرار می‌گیرد.

۴-۱- شهر تهران

شهر تهران بعنوان یک پایتخت و مرکز سیاسی و اقتصادی کشور، کانون تمرکز جمعیت، سرمایه گذاری، تخصص‌گرایی و حوزه‌ی وسیعی از سایر فعالیت‌ها محسوب می‌گردد. تمرکزگرایی دولت و گسترده‌ی بروکراسی در دوران پهلوی، اصلی‌ترین فاکتورها برای رشد سریع تهران بعد از سال ۱۹۲۵ میلادی بوده است. جمعیت تهران بین سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۴۰ دوبرابر و بین سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۵۶ سه برابر شده و به حدود یک و نیم میلیون نفر رسید. منطقه‌ی شهری تهران با جمعیت ۱۰٫۵ میلیون نفر در سال ۲۰۰۵ به‌عنوان یکی از کلان‌شهرهای جهان، با مسائل متنوع و وسیعی در حوزه‌های متفاوت از جمله اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ساختاری و زیست محیطی مواجه شده است. شهرداری تهران سازمانی بزرگی با ۷۰۰۰ پرسنل است که نزدیک به چهل سازمان یا واحد را تحت پوشش خود دارد و به طرق مختلف در نظام‌های برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی، ارزیابی و کنترل مستقیم آن‌ها اثرگذار است. تشکیل شورای شهر و قطع بودجه و کنترل مستقیم دولت بر شهرداری‌ها در سال ۱۹۹۹، در تاریخ صد ساله‌ی شهرداری تهران بزرگترین تحول محسوب می‌شود. اگرچه ایجاد شورا و انتخاب شهردار توسط اعضای آن، با هدف ارائه‌ی خدمات مناسب‌تر به شهروندان تهران انجام شده است با این حال ضعفهای موجود در نظام‌های سازمانی همچون فقدان راهبردهای خاص هریک از حوزه‌های مأموریت، فقدان راهکارهای تأمین کامل و مناسب بودجه و یا ساختار ناکارای سازمان مانع از دستیابی کامل بدان هدف گردیده است. در نتیجه شورای شهر تهران، شهرداری را ملزم نمد تا به صورت نظام مند و از طریق تدوین برنامه‌ی استراتژیک سازمان در صدد حل ریشه‌ای مشکلات مذکور برآید (امامیان و مشتری، ۱۳۸۷). برای شهر تهران چشم‌اندازی تعیین و منطبق بر آن اهداف بلند مدت، تحت عنوان اهداف کلی شهر تهران تدوین شد که عبارتند از (شهرداری تهران، ۱۳۹۰):

۱. ارتقاء نقش‌های فراملی، ملی و منطقه‌ای شهر تهران با استفاده مناسب از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های فیزیکی، اجتماعی، انسانی و مالی - اقتصادی شهر.
۲. تعیین حریم مناسب و تثبیت حدود و مرز محدوده شهر تهران، ضمن حفظ یکپارچگی و با اعمال نظام مدیریت شهری واحد در محدوده و حریم شهر.
۳. تثبیت سطوح اراضی مسکونی و هدایت میزان تراکم و استفاده مناسب از اراضی شهری به منظور گسترش فضاهای عمومی و کاربری‌های خدماتی برای حدود ۹/۱ میلیون نفر جمعیت در افق طرح.
۴. رونق فعالیت و توسعه اقتصادی تهران با حفظ و پالایش پهنه‌های کنونی فعالیت و بهره‌وری مناسب از این فضاها برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و تأمین اشتغال.
۵. حفاظت از محیط زیست (به ویژه آب، هوا، صدا و منابع طبیعی) و ایمن‌سازی شهر در مقابل سوانح طبیعی و سایر مخاطرات و آسیب‌ها.
۶. بهبود وضعیت شبکه‌های ارتباطی و نظام حمل و نقل با توسعه زیرساخت‌ها و سیستم حمل و نقل همگانی (به ویژه قطار شهری) و اعمال مدیریت تقاضای سفر.
۷. بهبود و ارتقاء کیفیت محیط شهری و ساماندهی کالبدی آن، با پهنه‌بندی و تعیین محدوده‌های اعمال ضوابط و مقررات استفاده از اراضی و محدوده‌های نیازمند مداخله به ویژه بافت‌های فرسوده به منظور بهسازی، نوسازی و بازسازی.

۸. ساماندهی سیما و منظر شهری با تأکید بر هویت معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی.
۹. ارتقاء کیفیت زیست محیطی شهر تهران و حفاظت از میراث طبیعی، تاریخی شهر و توسعه فضاهای عمومی و گردشگری با اجرای طرح های موضعی و موضوعی برای عمران و توسعه شهری تهران.

راهنماهای توسعه‌ی شهر تهران نیز این چنین بیان گردیده‌اند (شهرداری تهران، ۱۳۹۰):

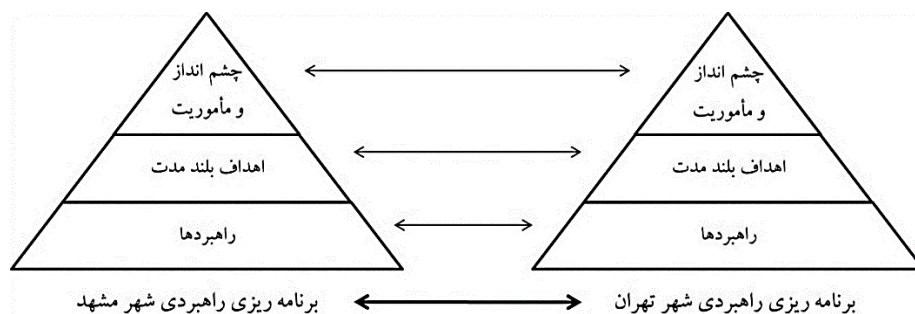
۱. ساماندهی و صیانت از محدوده و جلوگیری از هرگونه گسترش شهر.
۲. ساماندهی و صیانت از حریم پایتخت.
۳. ارتقاء نقش و جایگاه شهر تهران در سطوح فراملی، ملی و منطقه‌ای.
۴. توسعه اجتماعی و ساماندهی اسکان جمعیت.
۵. توسعه اقتصادی و رونق فعالیت شهر تهران.
۶. بهبود وضعیت شبکه های ارتباطی و نظام حمل و نقل و ترافیک.
۷. حفاظت از محیط زیست.
۸. ایمن سازی شهر تهران از سوانح طبیعی (زلزله، سیل و...).
۹. بهبود سیستم مدیریت بحران و ارتقاء کیفیت دفاع غیرعامل شهر تهران.
۱۰. تأمین آب موردنیاز و توسعه و تجهیز شبکه و تأسیسات آب و فاضلاب تهران و ساماندهی حریم و بستر رودخانه ها و مسیل‌ها.
۱۱. بهبود و ارتقاء وضعیت و ساماندهی کالبدی شهر تهران (سازمان فضایی شهر).
۱۲. ارتقاء کیفیت کارایی محیط شهری با پهنه‌بندی نحوه استفاده از اراضی و ساماندهی ساخت و ساز در انواع پهنه‌ها و کاربری‌ها.
۱۳. احیاء و حفاظت فعال از میراث طبیعی، تاریخی و فرهنگی شهر تهران.
۱۴. ساماندهی و ارتقاء هویت سیما و منظر شهری (طراحی شهری) تهران در جهت احیاء معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی.
۱۵. توسعه فضاهای سبز، عمومی، تفرجگاهی و گردشگری
۱۶. تأمین نیازها و ساماندهی خدمات شهری تهران
۱۷. بهسازی، نوسازی و بازسازی بافت های فرسوده شهر تهران

۴-۲- شهر مشهد

بعد از نابودی دو شهر نیشابور و طوس و مهاجرت مردم آن جا از قریه‌ی سناباد به شهر مشهد تبدیل شد. این شهر در طول قرون بارها مورد حمله‌ی اقوام و ملل شرق و مرکز فلات ایران بوده و جمعیت آن تغییرات زیادی داشته است. بطور مثال در زمان افشاریه جمعیت به ۲۵۰ هزار نفر هم رسید ولی زمان تیموریان به ۲۰ هزار نفر کاهش یافت. در سال ۱۳۲۰ شهر مشهد ۱۷۶۴۷۱ نفر جمعیت داشت، از دهه‌ی ۴۰ به بعد به دلیل تحولاتی که در کل کشور اتفاق افتاد از جمله اجرای اصلاحات ارضی، تزریق درآمد نفت به اقتصاد کشور و صرف آن در شهرها در قبال توسعه، فعالیت ها صنعتی، تأسیسات اداری و ... منجر به ایجاد زمینه اشتغال و هجوم مهاجران روستایی و شهری و همچنین گسستگی روابط شهری و روستایی شد. کودتای مارکسیستی در افغانستان نیز پس از انقلاب اسلامی موجب شد ۲۹۶۵۰۰ نفر از نیم میلیون مهاجر افغانی به جمعیت مشهد اضافه شود. تا اینکه جمعیت مشهد تا سال ۱۳۸۵ به ۲۴۲۷۳۱۶ نفر رسید و برآورد جمعیت شهر مشهد تا انتهای سال ۸۹ تعداد ۲,۷۶۱,۶۶۵ نفر می باشد (شهرداری مشهد، ۱۳۹۰).

برای شهر مشهد راهبردهای زیر توسط محققین تدوین و پیشنهاد شده است (رهنما، خاکپور، صادقی، ۱۳۹۰):

۱. جهت‌دهی پژوهش‌های دانشگاهی به سمت نیازمندی‌ها و نظریات نوین مدیریت شهری.
 ۲. تقویت حس "نظارت راهبردی همگانی" شهروندان و ارائه‌ی "محک‌های راهبردی" به آنها. (مانند آگاه کردن شهروندان از چشم انداز شهری)
 ۳. تزریق آگاهی و هوشیاری به ویژگی‌های مثبت شهروندان (اشتقاق شهروندان به مشارکت، تعهد بالای آنها نسبت به پیشرفت شهر، توجه زیاد آنها به محیط زیست شهری، استقبال آنها از تغییرات مثبت در شهر) به منظور استفاده حداکثری از ظرفیتهای آنها.
 ۴. ایجاد فضای رقابتی اقتصادی بین شهر مشهد و دیگر شهرهای داخلی و خارجی.
 ۵. برون سپاری وظایف شهرداری.
 ۶. تزریق تفکر استراتژیک در مغزافزارهای (تصمیم گیرندگان) مدیریت شهری.
 ۷. آشنایی و نهادینه‌سازی مفاهیم جامعه مدنی در بین شهروندان.
 ۸. برگزاری مناظرات رسانه‌ای بین شورا، شهرداری و شهروندان.
 ۹. بهبودبخشی به کیفیت اطلاعات و دسترسی آسان به اطلاعات دیگر سازمان‌های شهری.
 ۱۰. ایجاد هماهنگی کارکردی بین سازمان‌های شهری با بهره‌گیری از فن‌آوریهای پیشرفته ی هماهنگ‌ساز بین سازمانی مانند GIS، IT، GDB و... در مدیریت شهری به منظور کاهش اثرات ناشایست چندگانگی ساختاری مدیریت شهری.
 ۱۱. فعال کردن هر چه بیشتر بانک اطلاعات شهری به منظور بهبودبخشی به ناهمپوشانی و چندپارگی اطلاعات سازمانهای شهری.
 ۱۲. کاهش وابستگی درآمد شهرداری به منابع ناپایدار از طریق فعال‌سازی منابع بالقوه‌ی درآمدی.
 ۱۳. استفاده‌ی بهینه شورای شهر از اختیارات خود با بهره‌گیری از پیشنهادات یک شبکه دانشگاهی- شهروندی (اعضای این شبکه عبارت خواهند بود از: دانشگاه، شورای شهر، مرکز پژوهشهای شورای شهر، گروههای شهروندی).
 ۱۴. حل مشکلات و بحران‌های روزمره‌ی شهری مانند اشتغال، مسکن، ترافیک و ... از طریق تدوین برنامه‌ای شامل شناسایی و اولویت بندی مشکلات شهری.
 ۱۵. افزایش هم‌افزایی مدیریت شهری با هدف کاهش هزینه‌ها، بهینه‌سازی و استفاده‌ی حداکثری از منابع موجود.
 ۱۶. حفظ ثبات سیستم شهری به جای تکامل آن (ایجاد یک ثبات نسبی در سیستم شهری از نظر اقتصادی، اجتماعی و... همچنین ایجاد ثبات نسبی مالی، تصمیماتی، مدیریتی و ثبات قوانین).
- این راهبردهای ارائه شده، ناشی از آن چیزی است که باید انجام شود. برنامه‌های راهبردی که توسط سایت رسمی نهادهای مربوط ابلاغ می‌شوند جامع و منعکس‌کننده‌ی کلیه‌ی وظایف اعم از هست‌ها و باید‌ها می‌باشد. با این حال این راهبردها می‌تواند مبنای مقایسه قرار گیرد. ارزیابی می‌تواند در سطوح مختلف بطور مستقل یا در سطح کلان برنامه ریزی راهبردی صورت گیرد. در شکل زیر برنامه ریزی راهبردی دو شهر و امکان ارزیابی آنان به تصویر در آمده است.



شکل ۱- ارزیابی و مقایسه اجزای برنامه ریزی راهبردی شهرهای تهران و مشهد.

۵- روش تحقیق

قلمرو دو برنامه ریزی راهبردی برای مقایسه در این روش باید مشابهت داشته باشد. بطور نمونه دو برنامه ریزی راهبردی در یک دوره زمانی می توانند مقایسه گردند زیرا هر زمان شرایط و برنامه ریزی مرتبط با خود را نیاز دارد و این تحقیق برنامه جاری شهرهای مورد مطالعه را ملاک قرار داده است. قلمرو مکانی نیز بدین معنی که شهرهای مورد مطالعه از یک سنخ باشند چراکه مسائل شهرهای بزرگ با کوچک متفاوت است لذا در این تحقیق شهرهای بزرگ تهران و مشهد انتخاب شده اند. در قلمرو موضوعی نیز چنانکه در شکل ۱ مصور است، سطوح مختلف با هم ارزیابی می گردند و در اینجا بطور نمونه راهبردها با یکدیگر و کل برنامه ریزی راهبردی دو شهر نیز با هم مقایسه می شوند.

روش این تحقیق تحلیلی توصیفی است و تجزیه و تحلیل ها این گونه صورت می گیرد؛ ابتدا مؤلفه های حکمروایی خوب شهری هر کدام جداگانه مدنظر قرار می گیرد و بندهای مختلف برنامه ریزی راهبردی اعم از مأموریت، اهداف بلند مدت و راهبردها به لحاظ این مؤلفه ها تحلیل می گردند. اگر بند مورد نظر منعکس کننده ی این مؤلفه بود در جدولی مانند جدول ۱ در قسمت مربوط به هر بند ثبت می شود و مورد شمارش قرار می گیرد.

اگر تعداد تکرار انعکاس مؤلفه ی α حکمرانی خوب شهری را در راهبردهای شهر x را x_i^s بنامیم، متوسط حضور هر مؤلفه در هر راهبرد ($\bar{x}^s$)، اینگونه حساب می شود:

$$\bar{x}^s = \sum_{i=1}^n x_i^s / n \cdot N_x^s$$

در معادله ی فوق n تعداد مؤلفه های شمرده شده در حکمروایی خوب شهری و N_x^s نیز معرف تعداد راهبردهای موجود در برنامه ریزی راهبردی شهر x است. به همین شیوه و با استفاده از همین رابطه می توان متوسط حضور هر مؤلفه را در هر هدف ($\bar{x}^G$) محاسبه نمود. برای مواقعی که میزان انعکاس مؤلفه ها صریح و غیر صریح است، می توان برای محاسبه ی متوسط حضور مؤلفه در هر راهبرد از اهداف بلند مدت نیز استفاده نمود. بدین صورت که متوسط حضور مؤلفه ها در هر راهبرد، حاصل میانگین موزون حضور راهبردهای برنامه و اهداف است. پیشنهاد می شود وزن راهبردها یک در نظر گرفته شود، زیرا واحد نهایی متوسط حضور، راهبرد است و اهداف که کلان تر و جامع تر از راهبردها هستند به اهمیت و جامعیت آنها، وزن (α) اختصاص داده شود. میزان اهمیت و کلی بودن اهداف کلان را در مقام مقایسه، از تقسیم تعداد راهبرد به تعداد اهداف ($\alpha = N_x^s / N_x^G$) می توان سنجید تا بیان شود به طور متوسط به ازای هر هدف چند راهبرد تدوین و پیشنهاد شده است. به عبارت دیگر هرچه تعداد راهبردهایی که از هر هدف به دست می آید بیشتر باشد، اهداف کلی تر و با اهمیت تر هستند. لذا برای محاسبه ی میانگین موزون حضور مؤلفه ها در برنامه ی راهبردی به ازای هر راهبرد از رابطه ی زیر استفاده می نماییم:

$$\bar{x} = (\alpha \bar{x}^G + \bar{x}^s) / (1 + \alpha)$$

استفاده از این رابطه برای هدف های سطوح بالاتر از جمله مأموریت نیز می تواند مورد استفاده و تعمیم قرار گیرد. در ادامه برای سهولت استفاده از این روش در مورد شهر تهران از روش میانگین موزون و برای شهر مشهد صرفا بررسی در راهبردها در نظر گرفته شده است.

۶- تحلیل داده ها و ارائه یافته ها

ارزیابی هر برنامه ریزی راهبردی با ملاکهای مرتبط صورت می گیرد که می تواند ملاک های جامع ارزشی نیز محور ارزیابی باشد. با توجه به اینکه راه برون رفت شهرهای بزرگ از معضلات خود حکمروایی خوب شهری معرفی شده است برای ارزیابی برنامه ریزی راهبردی شهر از این ملاک استفاده می گردد. لذا جایگاه مؤلفه های حکمروایی خوب شهری در برنامه ریزی راهبردی روش ارزیابی این مطالعه است.

۷- بررسی جایگاه مؤلفه‌های حکمروایی در برنامه‌های راهبردی

برای بررسی جایگاه مؤلفه‌های مذکور در برنامه‌های راهبردی بندهایی که با توجه به تعاریف علمی و عملیاتی مؤلفه‌ها، منعکس کننده مفهوم، الزامات یا نتایج مؤلفه هستند بر شمرده شده و به روش زیر تحلیل و مقایسه می‌شود.

۷-۱- مؤلفه‌ها در اهداف و راهبردها

با توجه به تعاریف عملیاتی و تفسیر معنایی مؤلفه‌ها، انعکاس محتوای مؤلفه و تعداد آن در جدول زیر برای شهر تهران با نماد X و شهر مشهد با نماد Y بر شمرده شده است.

جدول ۱: انعکاس مؤلفه‌های حکمروایی خوب شهری در برنامه‌ریزی راهبردی شهر تهران و مشهد

i	مؤلفه	انعکاس در اهداف	x_i^G	انعکاس در راهبردها	x_i^S	انعکاس در راهبردها	y_i^S
۱	مشارکت	۱	۱	۴	۱	۱۳، ۵، ۳، ۲، ۱	۵
۲	حاکمیت قانون	۷، ۲	۲	۱۶، ۱۲، ۲، ۱	۴	۱۰، ۷	۲
۳	شفافیت	۶	۱	۶	۱	۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۳	۵
۴	مسئولیت پذیری	۹، ۸، ۶، ۷، ۵، ۴، ۳، ۱	۸	۱۷، ۱۳، ۱۰، ۹، ۴، ۳، ۲، ۱	۱۲	۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱	۵
۵	اجماع سازی	۹، ۸، ۱	۳	۱۶، ۱۴، ۱۳، ۴	۴	۱۵، ۱۳، ۸، ۶، ۳، ۲، ۱	۷
۶	عدالت و انصاف	۳، ۱	۲	۱۶، ۴	۲	۱۶، ۱۴، ۷، ۲	۴
۷	کارایی و اثربخشی	۹، ۵، ۴، ۳، ۱	۵	۱۳، ۱۲، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳	۷	۱۵، ۱۰، ۹، ۴، ۳	۵
۸	پاسخگویی	-	۰	-	۰	۹، ۸، ۳، ۲	۴
	مجموع تکرارها		۲۲		۳۱		۳۷

با توجه به روابط فوق میزان تکرار هر مؤلفه‌ی حکمروایی خوب شهری در هر راهبرد برای شهر مشهد ۰،۲۹ می‌باشد که از تقسیم مجموع تکرارها بر تعداد راهبردها و تعداد مؤلفه‌ها حاصل می‌شود. برای شهر تهران با توجه به شمارش مؤلفه‌ها در اهداف و راهبردها، وزن میزان تکرار هر مؤلفه‌ی حکمروایی در هر هدف ($\bar{x}^G$) و هر راهبرد $\bar{x}^S$ محاسبه می‌شود و با احتساب اوزان، عدد حاصل با عدد حاصل در مورد شهر مشهد هم واحد می‌گردد. محاسبات نتیجه می‌دهد: $\bar{x}^G = 0.31$ یعنی هر هدف بلند مدت برنامه، ۳۱ درصد منعکس کننده‌ی یکی از مؤلفه‌های حکمروایی خوب شهری است. میزان انعکاس در راهبردها نیز عبارت است از $\bar{x}^S = 0.23$ و $\alpha = \frac{17}{9} = 1.89$ ، لذا میزان انعکاس مؤلفه‌ها در واحد راهبرد برای شهر تهران عبارت است از: $\bar{x} = \frac{\alpha \bar{x}^G + \bar{x}^S}{1 + \alpha} = 0.28$ این بدان معناست که در مجموع در برنامه راهبردی تهران، هر راهبرد ۲۸ درصد یک مؤلفه را در خود منعکس نموده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با ارزیابی میزان انعکاس حکمروایی خوب شهری در برنامه‌های راهبردی شهرهای تهران و مشهد، محاسبات نشان داده است که هر راهبرد شهر مشهد ۲۹ درصد لحاظ کننده‌ی حکمروایی خوب شهری است و شهر تهران ۲۳ درصد این مؤلفه‌ها را در خود دارد. شهر مشهد در راهبردها در مقایسه با تهران مؤلفه‌های حکمروایی خوب شهری را بیشتر مدنظر قرار داده است. کل برنامه‌ریزی راهبردی شهر تهران ۲۸ درصد را نشان می‌دهد و این عدد نزدیک به عدد مشهد است. تحلیل‌ها گویای این مطلب

است که تهران در تدوین اهداف بلند مدت ۳۱ درصد مؤلفه‌های حکمروایی خوب را لحاظ نموده ولی در مرحله‌ی پیاده‌سازی و تفصیل اهدافی که این مؤلفه‌ها را تأمین می‌کند، به نسبت سایر اهداف کمتر راهبرد عملیاتی برای آن‌ها معرفی شده است. به عبارت دیگر برنامه‌ریزی شهری در مأموریت و اهداف بلند مدت بیشتر به محور حکمروایی خوب شهری متمایل است تا برنامه‌های اجرایی آن، یا در تفصیل اهداف شهر تهران گرایش به حکمروایی خوب شهری کمتر به راهبردهای اجرایی و مصادیق عملیاتی خود رسیده است.

روش پیشنهادی در این مقاله امکان ارزیابی نحوه‌ی تدوین استراتژی را با یک محور خارجی فراهم می‌نماید، این روش همچنین امکان مقایسه‌ی برنامه‌های راهبردی را نیز فراهم می‌نماید، که این امکان نیز می‌تواند ملاکی برای تدوین کیفیت برنامه‌ریزی راهبردی نسبت به مؤلفه‌های ملاک یا نظام ایده‌آل مورد نظر باشد، لذا پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزی‌های راهبردی تدوین شده، با یک ملاک یا نظام ایده‌آل مورد ارزیابی قرار گیرند. این ارزیابی بهتر است توسط خبرگان خارج از تیم تدوین راهبرد باشد.

منابع

۱. آخوندی عباس، احمد. (۱۳۸۶)، "حاکمیت شهری منطقه تهران: چالش‌ها و روندها"، هنرهای زیبا، شماره ۲۹.
۲. آخوندی عباس، احمد. برک پور، ناصر. اسدی، ایرج. بصیرت میثم. طاهر خانی، حبیب الله. (۱۳۸۷)، "آسیب شناسی مدل اداره امور شهر در ایران"، پژوهشهای جغرافیایی شماره ۶۳، ص ۱۳۵-۱۵۶.
۳. احمدی، حسین، با همکاری مهندسین مشاور تصت (۱۳۸۵)، "ضرورت مدیریت استراتژیک و شاخص‌های شهری"، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد، ۶۱۳-۶۰۱.
۴. اسدی، روح الله. (۱۳۸۸). *تحلیل جایگاه حکمروایی خوب شهری در شهر مشهد با مدل SWOT*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
۵. اطهار کیما. (۱۳۸۶)، "حکمروایی شهری و مبانی نظری و ضرورت شکل‌گیری آن در ایران"، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰، تهران.
۶. اکبری، غضنفر، (زمستان ۱۳۸۵)، "سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری"، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳، ۱۳۵-۱۵۳.
۷. امامیان، س. محمدصادق و مشتری، محمد. (۱۳۸۷). فرایند تدوین برنامه‌ی استراتژیک شهرداری تهران، فصلنامه‌ی پژوهش مدیریت شهری، تهران.
۸. برک پور، ناصر، (۱۳۸۶)، "حکمروایی خوب شهری و نظام اداره شهرها در ایران"، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، ۵۱۷-۴۹۱.
۹. بصیرت، میثم. (۱۳۸۵). *تجربیات جهانی حکمروایی مناطق کلانشهری؛ آموزه‌هایی برای ایران*، دوفصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، ۱۸ (۳۴-۴۷).
۱۰. پرهیزگار، اکبر- کاظمیان، غلامرضا، (۱۳۸۴)، "رویکرد حکمروایی شهری و ضرورت آن در مدیریت منطقه کلانشهری تهران"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱۶، ۲۹-۴۸.
۱۱. تقوایی، علی اکبر و تاجدار، رسول. (۱۳۸۸). درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکرد تحلیلی، فصلنامه‌ی مدیریت شهری، ۳۳ (۴۵-۵۸).
۱۲. رفیعیان، مجتبی و حسین‌پور، سیدعلی. (۱۳۹۰). حکمروانی خوب شهری از منظر نظریات شهرسازی، انتشارات طحان/هله، تهران.
۱۳. رهنما، محمدرحیم؛ خاکپور، براتعلی و صادقی، مجتبی. (۱۳۹۰). تحلیل مدیریت استراتژیک در کلانشهر مشهد با مدل SWOT.
۱۴. رهنما، محمدرحیم؛ مافی، عزت الله و اسدی، روح اله. (۱۳۸۹). تحلیل جایگاه حکمروایی خوب شهری در مشهد با الگوی SWOT، مجله جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای، ۱۵.

۱۵. شریفیان ثانی، مریم. (۱۳۸۰)، مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری، مدیریت و برنامه ریزی شهری، ۸ (۴۳).
۱۶. شهرداری تهران، (۱۳۹۰). سایت رسمی شهرداری تهران، واحد برنامه ریزی. www.tehran.ir.
۱۷. شهرداری مشهد، (۱۳۹۰). سایت رسمی شهرداری مشهد، واحد مدیریت آمار و تحلیل اطلاعات، <http://amar.mashhad.ir>.
۱۸. صرافی، مظفر. (۱۳۸۰). *ابر مسئله‌ی شهری ایران و نقش برنامه‌ریزان شهری*، فصلنامه‌ی معماری و شهرسازی، شماره ۶۲-۶۳، مهرماه ۱۳۸۰.
۱۹. غفاریان، وفا - کیانی، غلامرضا (۱۳۸۴)، "چگونه استراتژی رادعمل پیاده کنیم"، ماهنامه علمی - آموزشی تدبیر، سال شانزدهم، شماره ۱۵۶، ۱۶-۲۴.
۲۰. فرد آر، دیوید (۱۳۷۹)، مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی، انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران، چاپ اول.
۲۱. کاظمیان، غلامرضا، (۱۳۸۶)، "درآمدی برالگوی حکمروایی شهری"، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰، تهران.
۲۲. کیاکجوری، داود. ملک محمدی، علی اصغر. (۱۳۸۵). ارائه و توسعه مدلی به منظور ایجاد هماهنگی بین دو یا چند سازمان متولی مسائل مربوط به مدیریت شهری، *اولین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری*، مشهد.
۲۳. کیاکجوری، کریم- رودگر نژاد، فروغ (۱۳۸۷)، "مقایسه تئوریک کاربرد مدل‌های برنامه ریزی استراتژیک بخش خصوصی در سازمانهای غیر انتفاعی"، *سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت استراتژیک*، تهران، ۱-۱۲.
24. Barlow, I. M., 1991, METROPOLITAN Government, Routledge, London
25. Bindebir, Serap (2004), Intergovernmental finance and local Government System in Turkey: Experiences and lessons to be Learned from Poland.", prepared for Ecomod 2004 international conference on policy Modeling.
26. Borja, J, and castells, M. (1997) Local and Global Management of Cities in the information Age, Earths can Publications Limited.
27. Consultation of new frontriers in urban good governance, st. georges house, Windsor 28-30, june 2000.
28. Farrah, Judy, Felix, Rob, Greenstein, Jo-Ann, Esq, Ellen Hirsch de Haan, Levin, Mike, Matsumoto, Eric, Rosen, Judy Burd, Sappington, Carole, Schwarting, Robert H, Warren, Debra, (2001), "best practices, report 3, strategic planning", Foundation for Community Association Research, 1-26.
29. Fresh Thinking Capital Pty Ltd, (2008), "Defining The Strategic Planning Process: A Toolkit For Effective implementation, <http://www.scribd.com/doc/4846738/Fresh-Thinking-trategic-Planning-2008>
30. Gani, azmat& Duncan, ron (2007"measuring good governance using time series" , journeal of the Asia pacific Economy' vol' pp 367- 385.
31. Poister, T. H., & Streib, G. (2005). Elements of strategic planning and management in municipal government: Status after two decades. *Public administration review*, 65(1), 45-56.
32. Rumi, A. (2010). Capacity Building of Municipal Functionaries for Good Governance in Uttarakhand, India. *Habitat International*, 34(4), 386-391.
33. Scott, Craig M. and Fata, Daniel P., (2011). Secrecy and Good Governance.
34. Stewart, K. (2006). Designing Good Urban Governance Indicators: The Importance of Citizen Participation and Its Evaluation in Greater Vancouver. *Cities*, 23(3), 196-204.
35. UNDP (1997). *United Nations Development Program*. retrieved from <http://hdr.undp.org/en/reports/global/hdr1997/>.

بررسی اثرات مهارت زبان انگلیسی در بین شهروندان بر میزان افزایش گردشگری شهری (مورد پژوهی: شهر ساحلی چابهار)

مریم ده بالائی^۱، علی ریگی^۲

۱- کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری

Ali.reegi724@gmail.com

چکیده

صنعت گردشگری در دنیای امروز یکی از موثرترین صنایعی است که علاوه بر منفعت اقتصادی، در زمینه های دیگر نیز ایفای نقش می کند. کشور ما از لحاظ جاذبه های تاریخی بسیار غنی می باشد اما با وجود این پتانسیل سهم ایران از بازار صنعت گردشگری برآورده نشده است. توسعه مناطق آزاد یکی از اهداف گسترش صنعت گردشگری در کشورهای مختلف است. سازمان منطقه آزاد تجاری- صنعتی چابهار یکی از مناطق آزاد ایران است که با توسعه کارکردهای گردشگری می تواند تحقق بخش توسعه منطقه ای در جنوب شرق کشور باشد. مهارت زبان انگلیسی در بین شهروندان یک شهر توریستی از مهمترین عوامل جذب گردشگر می باشد. روش تحقیق حاضر، از نوع تحلیلی- توصیفی است. نتایج حاصل از ارزیابی شاخص های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با استفاده از مدل SWOT نشان از ضعف شهر چابهار در جذب گردشگر خارجی به دلیل کمبود مهارت شهروندان در زبان انگلیسی می باشد. پس از ارزیابی نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدها بهترین راهبرد جهت مطلوب شدن وضعیت، راهبرد تدافعی (WT) انتخاب شده است. در پایان راهکارهایی جهت توسعه صنعت توریسم با تاکید بر مهارت زبان انگلیسی شهروندان داده شده است.

واژگان کلیدی: گردشگری شهری، زبان انگلیسی، چابهار.

۱- مقدمه

امروزه کمتر کسی است که تاثیر زبان انگلیسی را در روابط بین المللی، علمی و تجاری نداند. کاربرد زبان در تمامی رشته ها مشهود بوده و باعث ایجاد حلقه ارتباطی برای معرفی محصولات به دنیا می شود. گردشگری از مهمترین صنایع در حال رشد است و توسعه صنعت گردشگری نیاز به برنامه های همه جانبه و مناسب دارد تا بتوان در جذب گردشگران بین المللی موفق بود. امروزه یکی از مهمترین کاربری شهرها، ارائه خدمات گردشگری نوین است، زیرا شکل گیری عصر پسا مدرنیته با گزاره اصلی آن یعنی جهانی شدن، فرآوری اطلاعات و گردشگری همراه شده و دوره جدیدی در تعاملات اجتماعی و فرهنگی انسان ها در قالب ساخت های شهری رقم زده است (Boniface & Fowler, 1993:12). صنعت گردشگری بدون مهارت زبان انگلیسی تاثیرگذار نخواهد بود. آژانس های مسافرتی موجود در کشور به طور معمول به زبان مسلط نبوده و باعث می شود جذب گردشگر کاهش یابد. راهنمای تور گردشگری می تواند با تسلط به زبان انگلیسی، موقعیت مکانی منطقه و نقاط گردشگری را در شهرهای ایران به توریسم معرفی کند و باعث جذب سرمایه برای منطقه باشد و به توسعه پایدار آن منطقه کمک کند. صنعت گردشگری در بسیاری از کشورها به عنوان منبع اصلی درآمد، اشتغال، رشد بخش خصوصی و توسعه ساختار زیربنایی شناخته می شود و همواره عامل مهمی برای توسعه اقتصادی به حساب می آید (ابراهیمی و خسروی، ۱۳۸۴). کارشناسان پیش بینی می کنند که در سال ۲۰۲۰ میلادی این صنعت به عنوان سودآورترین صنعت جهان تبدیل خواهد شد به طوری که از آن به عنوان صادرات نامرئی که مرکز اقتصادی آن شهرها هستند نام برده شده است (موحد، ۱۳۸۱:۳).

گسترش زبان انگلیسی در بین شهروندان بر تعاملات اجتماعی و فرهنگی آنان با افراد سایر نقاط جهان تاثیرگذار است. با توجه به اینکه زبان انگلیسی به عنوان زبان رسمی در جهان مطرح است، یادگیری آن در جذب گردشگران خارجی بسیار تاثیرگذار است و ابزاری جهت مبادله اطلاعات و توسعه اقتصادی می باشد. کشور ایران جزء ۵ کشور برتر جهان از نظر تنوع گردشگری می باشد (زنگی آبادی، ۱۳۸۵: ۱۳۱) و می تواند به عنوان یکی از مقاصد مهم گردشگری مطرح باشد. ضرورت شناخت این جاذبه ها و معرفی آن ها به جهانیان یکی از ارکان مهم راه اندازی موتور گردشگری است. هر کشور، شهر یا منطقه ای بیش از ایجاد زیربنای گردشگری خود و عرضه محصول و خدمات مناسب، باید بتواند مزایای مسافرت به آن منطقه را بیان کند و تصویر درستی از کشور، شهر یا منطقه خود در ذهن گردشگران ایجاد کند. دست اندر کاران حوزه گردشگری باید با تقویت و تسلط مهارت زبان انگلیسی و همچنین شهروندان نیز با یادگیری زبان، به جذب گردشگران و رونق اقتصادی شهر کمک کنند. شهروندان می توانند با مهارت زبان انگلیسی، به تبلیغات ارزش های فرهنگی و گردشگری شهر خود بپردازند و آن جا را به گردشگران خارجی به طور کامل معرفی کنند.

استراتژی توسعه گردشگری در مناطق آزاد با دو هدف تبیین شده است که عبارتند از: ۱- گسترش و توسعه گردشگری بر اساس جلب مشارکت و فعالیت سرمایه و تخصص داخلی و خارجی در زمینه های گردشگری دریایی، گردشگری طبیعی، گردشگری علمی و فرهنگی، خانوادگی و بوم گرا، از طریق ایجاد بسترهای لازم برای طرح های گردشگری مناسب، بهسازی و سالم سازی محیط و توسعه امکانات و زیرساخت ها در مناطق آزاد به منظور تحقق آن. ۲- تاکید و توصیه به منظور جذب و افزایش گردشگران علمی و فرهنگی از کشورهای توسعه یافته، گردشگران خانوادگی، ایرانیان مقیم سایر کشورها و توسعه گردشگری داخلی در مناطق آزاد (شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی ایران، ۱۳۸۶). مقاله حاضر در نظر دارد با توجه به موقعیت منطقه آزاد تجاری- صنعتی شهر چابهار در جذب گردشگران خارجی، به بررسی میزان مهارت شهروندان و راهنماهای تورهای گردشگری در حوزه زبان انگلیسی بپردازد. از آن جایی که شهر چابهار دارای پتانسیل بالایی در زمینه جذب می باشد، لذا ضروری است جهت جذب بیشتر گردشگران خارجی، مهارت زبان شهروندان مطلوب باشد زیرا این مهارت به معرفی هر چه بیشتر مکان های توریستی منجر می شود و باعث ماندگاری بیشتر گردشگران خواهد شد. در نتیجه درآمد ارزی وارد شهر شده و باعث توسعه اقتصادی می شود.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- گردشگری ساحلی و مولفه های آن

گردشگری فعالیتی چند منظوره است که در مکانی خارج از محیط عادی گردشگر انجام می گیرد و مسافرت گردشگر بیش از یک سال طول نمی کشد و هدف تفریح، تجارت و یا فعالیت های دیگر است (W.T.O, 1997). چنان چه برای انجام چنین فعالیتی نواحی ساحلی و محیط دریایی مد نظر قرار گیرد آن را توریسم ساحلی می نامند (سرابی، ۱۳۸۷: ۷۹). گردشگری ساحلی مستلزم مسافرت از یک محل اقامت و تمرکز بر محیط های دریایی است (Ormas, 1999: 72). مفهوم گردشگری ساحلی طیف کاملی از گردشگری، فراغت و فعالیت های تفریحی را که در نواحی ساحلی و آب های نزدیک ساحل روی می دهد، در برمی گیرد (خانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۱). گردشگری در سواحل، چهار منطقه موازی با ساحل را در برمی گیرد که به نواحی گردشگری ساحلی مشهورند:

- ۱- منطقه آب های ساحل: این منطقه دریایی اکولوژیکی نزدیک ساحل، از فلات قاره شروع می شود و تا ساحل ادامه دارد. این منطقه غنی ترین منطقه برای ماهی گیری است و غالباً شامل صخره ها و ستون های سنگی قابل توجه می باشد. این قسمت برای سفر به جزایر نزدیک نیز مورد استفاده قرار می گیرد.
- ۲- منطقه ساحل: هم محدوده ای از دریا و هم محدوده ای از خشکی را در برمی گیرد. به خصوص اگر گسترده و شنی باشد، بسیاری از بازی ها و ورزش های آبی گروهی را حمایت می کند.
- ۳- منطقه پهنه کرانه ای: این منطقه به ناحیه پشت منطقه ساحل اطلاق می شود و بسیاری از تفریحات دریایی را حمایت می کند، مانند چادر زدن و گردش بیرون شهر. در برخی مکان ها، این منطقه هتل ها و برخی مشاغل را نیز در برمی گیرد. چشم انداز مهم این منطقه منظره دریا است.
- ۴- منطقه پس کرانه: اراضی پشت مناطق ساحلی عموماً شامل مناطقی است که خدماتی را برای فعالیت های تفریحی

شامل می‌شود. منظره ساحلی توسط پستی و بلندی ها و پوشش گیاهی شکل گرفته است (فیروزآبادی، ۱۳۹۱).

۲-۲- کارکردهای گردشگری در مناطق آزاد

در شروع قرن بیست و یکم گردشگری به یکی از پردرآمدترین فعالیت ها در دنیا تبدیل شده است. بر اساس پیش بینی انجام شده توسط سازمان جهانگردی در سال ۲۰۲۰ حدود یک میلیارد و ششصد میلیون نفر به گردشگری خواهند پرداخت و درآمدهای ناشی از گردشگری بین المللی در این سال به یک و نیم تریلیون دلار خواهد رسید (www.unwto.org). گردشگری به عنوان فعالیتی که در دنیای امروزی توان اثرگذاری بر فرآیند توسعه متوازن و خردورانه را در تمامی دنیا به نمایش گذارده، مورد توجه طیف وسیعی از سیاست گذاران و برنامه ریزان نظام های سیاسی و مدیریت اجرایی در تمامی کشورهای دنیا قرار گرفته است. جوامع سازمانی به ویژه نظام های اجرایی دریافته اند که در فرآیند گردشگری، اثرات مثبت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زیست محیطی، تکنولوژیک و... به فراوانی مستتر است و در این فرآیند توانمندسازی نیروی انسانی، منافع سیاسی، بین المللی و ترویج فرهنگ بومی در سایر نقاط دنیا ضروری است (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۶۷).

شناخت گردشگری و آثار آن می تواند برای بهره برداری بهتر از این منبع اقتصادی عظیم جهانی به کشورها و از جمله کشور ما که دارای منابع گسترده طبیعی و تاریخی است، کمک شایانی نماید. به طور کلی می توان اهداف ایجاد مناطق آزاد را این گونه بیان کرد که؛ پس از عدم توفیق نسبی استراتژی های توسعه مبتنی بر جایگزینی واردات، بسیاری از کشورهای در حال توسعه، استراتژی مبتنی بر صادرات را تعقیب نموده اند. به دنبال آن ارزانی و مازاد نیروی کار در کشورهای در حال توسعه و بالا بودن سطح دستمزدها در کشورهای صنعتی باعث گردید تا شرکت های خارجی تصمیم گیرند که فعالیت های تولیدی کاربر خود را به کشورهای در حال توسعه انتقال دهند و این کشورها نیز جهت کاهش مشکل بیکاری از این امر استقبال نمایند. در عین حال افزایش محدودیت های تجاری نیز باعث گردیده تا شرکت های چند ملیتی جهت حفظ و گسترش بازارهای خود به سرمایه گذاری در این مناطق بپردازند (رفعتی، ۱۳۶۹: ۴).

در مورد اهداف ایجاد مناطق آزاد تجاری- صنعتی در ایران، ماده یک قانون تاسیس مناطق آزاد چنین بیان می کند: به منظور تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی، رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه گذاری و افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه خدمات عمومی، به دولت اجازه داده می شود مناطق آزاد تجاری و صنعتی را اداره نماید (سرلک، ۱۳۷۴: ۲۹).

۳-۲- سیاست گذاری زبان خارجی در ایران

سیاست های زبانی اعمال شده در تاریخ ایران را باید بخشی از فرآیند شکل گیری هویت ملی ایرانیان به حساب آورد. تصمیم های اتخاذ شده در این رابطه چه از سوی حکومت های رسمی و چه نخبگان اجتماعی ارتباطی عمیق با رویکردهای این نهادها به مسئله هویت ملی و مولفه های زبان موثر در آن دارند. زبان انگلیسی به عنوان پربسامدترین زبان غربی در ایران نقشی محوری در پیدایش و تغییر وجوه مختلف این نگرش ایفا می کند (حاجیان، ۱۳۸۸). رویکردهای سیاسی به مسئله آموزش زبان انگلیسی در ایران را می توان به دو دسته عمده تقسیم کرد؛ در یک سو سیاست مدارانی وجود دارند که نشر و گسترش زبان انگلیسی در ایران را امری طبیعی و ضروری می دانند و معتقدند که دستیابی به دانش زبان انگلیسی در حد بالا امکان رقابت با کشورهای پیشرفته در عرصه های مختلف علمی و فرهنگی را فراهم می نماید. در سوی دیگر گروهی این گونه می اندیشند که به دلیل ضربه خوردن ایران از کشورهای انگلیسی زبان، نباید زبان دشمن را فرا گرفت و همواره دیدگاهی بدبینانه به ترویج زبان انگلیسی دارند (شمس و شمسایی، ۱۳۹۲: ۶۰).

۴-۲- رابطه هویت ملی و آموزش زبان انگلیسی

یکی از ابعاد دو طرفه هویت ملی و زبان خارجی را می توان در مسئله تعیین استاندارد مشاهده کرد. امروزه زبان انگلیسی به عنوان یک زبان بین المللی مطرح است. آن چه در وهله اول به نظر می آید این است که ملت های دیگر از زبان انگلیسی به همان شکلی که توسط ملت های انگلیسی زبان شکل گرفته استفاده می کنند (جنکینز، ۲۰۰۷). در این فرآیند ناگزیر فرهنگشان تحت تاثیر فرهنگ کشورهای انگلیسی زبان قرار می گیرد (مک آرتور، ۲۰۰۳). هر چه ارتباطات بین فرهنگی میان ملت های

انگلیسی زبان و دیگر ملت ها از کیفیت بیشتری برخوردار باشد، سوء تفاهم های کمتری در مورد تاثیرات منفی آموزش زبان انگلیسی بر هویت ملی گویش وران غیربومی به وجود می آید. معلمان زبان انگلیسی نقش مهمی در این زمینه بازی می کنند زیرا نگرش آن ها به رابطه آموزش زبان با هویت ملی تاثیر قابل توجهی بر کیفیت یادگیری زبان آموزان و دیدگاه های هویتی آنان می گذارد. لیدیکویت (۲۰۰۷) معتقد است رفتارهای معلمان زبان انگلیسی در کلاس های درس تاثیر غیر قابل انکاری بر نگرش زبان آموزان به جایگاه فرهنگی زبان انگلیسی و رابطه آن با هویت ملی شان دارد.

۲-۵- تاثیر مهارت زبان انگلیسی در گردشگری

زبان انگلیسی یکی از مهمترین راه های تعامل با گردشگران است زیرا از طریق زبان می توان فرهنگ و تفکرات و تاریخ را به گردشگران خارجی انتقال داد و از این طریق اطلاع رسانی کرد. آن چه برای دنیای امروز بسیار اهمیت دارد تعامل است و زبان اولین و بهترین راه تعامل است. با توجه به شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... در دوران مختلف زبان انگلیسی به عنوان زبان بین المللی شناخته شده و هر فردی که می خواهد به صورت بین المللی با دنیا در ارتباط باشد لازمه آن یادگیری زبان انگلیسی است. گردشگران خارجی زمانی که وارد یک کشور می شوند اکثر آنان به زبان انگلیسی مسلط هستند بنابراین ضروری است راهنما و شهروندان زبان انگلیسی را جهت برقراری ارتباط و تبلیغات بیاموزند. نکته مهمی که در یادگیری زبان برای راهنمایان گردشگری وجود دارد این است که باید زبان را به صورت کامل فرا بگیرند چرا که یادگیری زبان انگلیسی به صورت ناقص نه تنها تاثیر مطلوبی ندارد بلکه تاثیر منفی هم می گذارد. ارتباط کامل با یک گردشگر خارجی از طریق زبان انگلیسی است بنابراین اشتباه در رساندن مفهوم، فرآیند جذب گردشگر را با مشکل مواجه می کند (www.isna.ir).

۲-۶- سهم ایران از بازار جهانی توریسم در مقایسه با سایر کشورها

صنعت توریسم عملاً به طور توقفناپذیری طی دهه های اخیر رشد کرده که نشان دهنده قدرت و دوام این صنعت با وجود به وقوع پیوستن شوک های مقطعی است. تعداد مسافران گردشگری جهانی از ۲۵ میلیون نفر در کل جهان در سال ۱۹۵۰ به ۲۷۸ میلیون نفر در سال ۱۹۸۰ و بعد به ۶۷۴ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ و یک میلیارد و ۲۳۵ میلیون نفر در سال ۲۰۱۶ رسید. درآمدهای جهانی صنعت توریسم از طریق مقاصد بین المللی از ۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۵۰ به ۱۰۴ میلیارد در سال ۱۹۸۰ و بعد از آن به ۴۹۵ میلیارد در سال ۲۰۰۰ و ۱۲۲۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ رسید.

با توجه به تقسیم بندی های سازمان جهانی گردشگری سازمان ملل متحد، منطقه آسیا و اقیانوس آرام بیشترین رشد را از نظر ورودی های مسافران بین المللی با ۹ درصد افزایش به ثبت رساندند که بعد از آن آفریقا با ۸ درصد و قاره آمریکا با ۳ درصد جا گرفتند. پربازدیدترین منطقه جهان که اروپاست با ۲ درصد رشد نتایج مختلفی را به ثبت رساند و داده های در دسترس برای منطقه خاورمیانه حاکی از این است که تعداد توریست های ورودی به آن با کاهشی ۴ درصدی مواجه بوده است. از نظر درآمد کسب شده از توریست ها، ایالات متحده و اسپانیا در رتبه های اول و دوم هستند و بعد از آنها تایلند قرار دارد که سال گذشته به رتبه سوم رسید. از این منظر چین چهارم است. فرانسه و ایتالیا به رتبه های پنجم و ششم ارتقاء پیدا کردند و از نظر تعداد توریست های ورودی، بریتانیا، مکزیک و تایلند به رتبه های ششم، هشتم و نهم رسیدند. آمارهای جداول سازمان جهانی گردشگری در مورد ایران که در ردیف کشورهای آسیای جنوبی جای گرفته است نشان می دهد که در سال ۲۰۱۰ چیزی نزدیک به ۳ میلیون نفر (۲ میلیون و ۹۳۸ هزار نفر) از دیگر کشورهای جهان وارد کشور شده اند که این تعداد در سال های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ به ترتیب به ۴،۹۶۷ میلیون و ۵،۲۳۷ میلیون نفر افزایش پیدا کرده است که به ترتیب رشد ۴،۲ و ۵،۴ درصدی را نسبت به سال های پیش از خود نشان می دهد. با این حال در سال ۲۰۱۶ تعداد توریست های ورودی به ایران به رقم ۴،۹۴۲ میلیون کاهش پیدا کرد که نشانگر افت ۵،۶ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۵ است. از نظر درآمدهای کشور از صنعت توریسم، آمارهای سازمان توریسم جهانی حاکی از آن است که در سال ۲۰۱۰، ایران ۲،۴۳۸ میلیون دلار درآمد داشت که این درآمد در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ با به ثبت رساندن رشدی مداوم به ترتیب به ۳،۸۴۱ میلیون دلار و ۳،۸۶۸ میلیون دلار رسیده است (سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۱۶).

۳- مواد و روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی می باشد. جهت جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از بررسی های کتابخانه ای و مطالعات میدانی استفاده شده است. پس از بررسی توانمندی ها و قابلیت های گردشگری محدوده مورد مطالعه و میزان مهارت شهروندان و راهنمایان در زبان انگلیسی، تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه راهبردهای متناسب با وضعیت و شرایط منطقه، با استفاده از روش تحلیل راهبردی SWOT انجام شده است. با بررسی های به عمل آمده در خصوص شرایط داخلی و خارجی موثر در صنعت گردشگری و مهارت زبان شهروندان، فهرستی از نقاط ضعف، نقاط قوت، فرصت ها و تهدیدها شناسایی شده و وزن هر کدام با نظر کارشناسان مورد محاسبه قرار گرفت. پس از بررسی های صورت گرفته و تنظیم عوامل راهبردی داخلی و خارجی، مهمترین راهبرد جهت ارتقای وضعیت موجود انتخاب شده است. جامعه آماری در تعیین اولویت راهبردهای پژوهش، شامل کارشناسان حوزه گردشگری، برنامه ریزی شهری و زبان انگلیسی می باشند.

۴- مدل راهبردی SWOT

برنامه ریزی راهبردی از جمله مباحثی است که از به کارگیری آن در علم جغرافیا به طور اعم و برنامه ریزی شهری و ناحیه ای به طور اخص مدت زمان زیادی نمی گذرد. برنامه ریزان راهبردی سعی می کنند با سنجش تمام جوانب برنامه ها و پروژه ها، به اتخاذ بهترین و راهبردی ترین تصمیم بپردازند. برنامه ریزی راهبردی، گونه ای از برنامه ریزی است که در واقع شیوه نظام یافته ای برای اخذ تصمیم ها و اجرای فعالیت ها در خصوص شکل دهی و رهنمود هر سیستم، کارکرد و شناخت علل آن است. عواملی همچون شیوه گردآوری اطلاعات به صورت گزینشی، تحلیل هدف مند و تعیین اهداف، اقدام های کنونی و اجرای موفقیت آمیز برنامه، این برنامه ریزی را از اشکال دیگر برنامه ریزی متمایز ساخته است (مرادی مسیحی، ۱۳۸۱).

سوات یک واژه اختصاری برای قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدها است (خورشید و رنجبر، ۱۳۸۹). این مدل، یک مرحله اولیه از تحلیلی با هدف نهایی ارائه و اتخاذ سیاست های لازم برای تناسب میان عوامل داخلی و خارجی است (Kajanus, 2004). تکنیک یا ماتریس SWOT که گاهی TOWS نیز نامیده می شود، ابزاری برای شناخت تهدیدها و فرصت های موجود در محیط خارجی هر سیستم و بازشناسی ضعف ها و قوت های داخلی آن به منظور سنجش وضعیت و تدوین راهبرد برای هدایت و کنترل آن سیستم است. در واقع نقطه کلیدی این مدل، تجزیه و تحلیل دامنه ای از همه جنبه های موقعیتی سیستم و در نتیجه فراهم کننده چارچوب مفیدی برای انتخاب راهبرد است (مبارکی، ۱۳۸۶). این تحلیل دارای دو مولفه اصلی است.

الف- شاخص های شرایط درونی: که توسط نقاط قوت و ضعف در وضعیت موجود توصیف می شوند.

ب- شاخص های بیرونی: که از طریق تهدید موجود و فرصت های ناشناخته توصیف می شوند.

به طور کلی راهبردهای تعیین شده در این پژوهش پنج نوع می باشند که عبارتند از (Gasparini, 2005):

الف- راهبرد قوت دهی: این راهبرد زمانی به کار می رود که نقاط قوت و فرصت ها بی شمار، استوار و امن هستند.

ب- راهبرد غلبه کردن: این راهبرد منطق خود را برای عوامل مثبت داخلی و خارجی به کار می گیرد تا از این طریق عوامل منفی داخلی را کوچک و غیرفعال سازد.

پ- راهبرد کنترل محیط: این راهبرد زمانی به کار گرفته می شود که تهدیدهای خارجی فراگیر و محدودکننده باشد، به طوری که مدیریت شهری مجبور باشد تمامی قوت ها و فرصت های خود را به کارگیرد تا اثرات این تهدیدها را به حداقل ممکن برساند.

ت- راهبرد کنترل عوامل منفی: این شیوه زمانی به کار گرفته می شود که ضعف ها و تهدیدها قوی هستند.

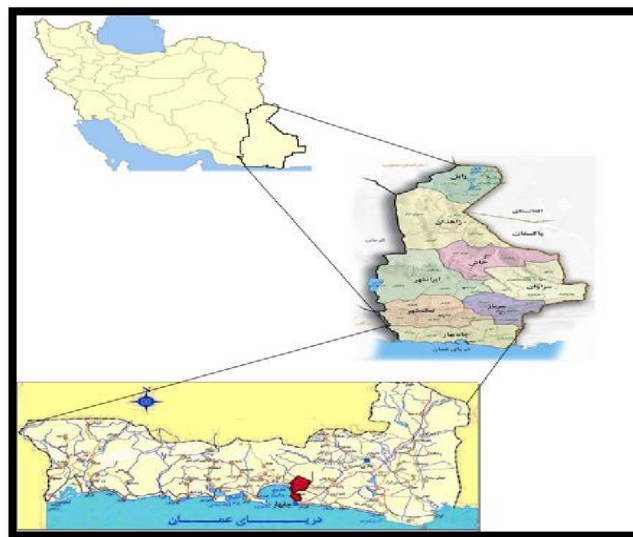
ث- راهبرد عوامل داخلی و خارجی برای کنترل محیط: این راهبرد زمانی به کار می رود که شرایط مثبت قوت ها و فرصت ها فراوان و یا ضعف ها شامل عناصر بی ربط هستند. در این صورت این راهبرد بر کاهش تهدیدها متمرکز می شود تا زمینه مدیریت مطلوب شهری را فراهم نماید.



شکل ۱- نمودار تجزیه و تحلیل سوات (Wright, 1998)

۵- معرفی محدوده مورد مطالعه

چابهار شرقی ترین شهرستان جنوبی کشور و اولین بندر ایرانی واقع در دریای عمان است که در استان سیستان و بلوچستان قرار دارد. جمعیت این شهرستان در سال ۱۳۹۵ از سوی مرکز آمار ایران، ۲۸۳۲۰۴ نفر بوده است که از این میزان، ۱۱۲۴۰۹ نفر آن مربوط به شهر چابهار می باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این شهرستان با وسعتی بالغ بر ۱۳۱۶۲ کیلومتر مربع حدود ۷ درصد از مساحت کل استان سیستان و بلوچستان را به خود اختصاص داده است (سلطان زاده، ۱۳۸۶: ۳).



شکل ۲- نقشه موقعیت جغرافیایی چابهار در سیستان و بلوچستان

شاید بتوان شهرستان چابهار را در زمینه گردشگری محل تجمع تضادها دانست و شاید هم بتوان بهشت گردشگری نامید. مکانی که در آن مناطق باستانی و فرهنگ بکر مردم محلی بلوچ در کنار فرهنگ های جدید و مختلفی که به علت حضور منطقه آزاد به وجود آمده و وجود دریا و مناطق ساحلی زیبای آن از یک سو و وجود مناطق کوهستانی آن با کوه های مریخی، جنگل های مانگرو و چنندل و حرا، بازارهای سنتی در کنار بازارهای بزرگ و امروزی، صنایع دستی همراه با محصولات صنعتی و تجاری منطقه آزاد، زیستگاه گونه های کمیاب جانوری و پدیده منحصر به فرد زمین ساختی گل فشان از سوی دیگر باعث جذب گردشگران داخلی و خارجی به این نقطه از کشور شده است (آقاسی زاده، ۱۳۸۷: ۱۳۰).

با وجود این همه گوناگونی در جاذبه ها و محصولات گردشگری این شهرستان به عنوان یک مقصد توریستی، عملاً در صحنه گردشگری داخل و خارج کشور کمتر شناخته شده است. یکی از مهمترین عوامل در کمبود استقبال گردشگران خارجی از این شهرستان ضعف مهارت زبان خارجی در بین شهروندان و راهنمایان می باشد. ضعف در مهارت زبان باعث ضعف در تبلیغات و بازاریابی گردشگری در این شهر شده است.

در شرایط موجود منطقه آزاد تجاری- صنعتی چابهار با ۱۴۰ کیلومتر مربع مساحت در جنوب شرق کشورمان در عرض جغرافیایی ۲۵ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۶۰ درجه و ۲۷ دقیقه طول شرقی در کنار آب های نیلگون دریای عمان قرار دارد. اصولاً مناطق آزاد بنابر خصوصیات طبیعی خود (مانند قرار داشتن در شاهراه های تجاری، حوزه های ارتباطی- اقتصادی متراکم) از قابلیت های بالقوه و بااهمیتی برخوردارند. در این مناطق، دخالت پاره ای از نهادهای رسمی سرزمین اصلی به حداقل می رسد تا بتوان جذب سرمایه، اعم از سرمایه های تجاری، توریستی یا صنعتی را به حداکثر ممکن رساند (ابراهیمی، ۱۳۷۶: ۲). با توجه به این که یکی از مهمترین اهداف مناطق آزاد که بهره گیری از مزایا، پتانسیل ها و برتری های منطقه ای برای توسعه مناطق کمتر توسعه یافته و پیشبرد توسعه اقتصاد ملی است، مهمترین محوری که این گونه مناطق با امکانات و قابلیت های منطقه ای و سازمانی خود می توانند از آن طریق تحقق بخش اهداف مورد نظر باشند، توسعه گردشگری است. زیرا مناطق آزاد با استفاده از توان های بالقوه خود که ناشی از قدرت تجاری، صنعتی، ترانزیتی و تفریحی می باشد و همین طور استفاده از قدرت اداری و توان تبلیغاتی، می توانند در جهت جذب گردشگر موفقیت های چشمگیری به دست آورند (ابراهیم زاده و آقاسی زاده، ۱۳۸۸: ۱۳).

شهرستان چابهار با ۲۲۸ جاذبه گردشگری شامل ۷۷ جاذبه طبیعی، ۴۴ مورد جاذبه فرهنگی- تاریخی و ۱۱۰ مورد جاذبه انسان ساخت و نزدیکی به کشورهای حوزه خلیج فارس، هند، افغانستان و پاکستان و همین طور برخورداری از منطقه آزاد تجاری- صنعتی، می تواند با مدیریت و برنامه ریزی علمی به قطب توریستی مهمی در سطح منطقه تبدیل گردد و یکی از محور های مهم گردشگری کشور باشد.



شکل ۳- نمونه هایی از جاذبه های گردشگری چابهار

۶- تحلیل تاثیرات مهارت زبان انگلیسی در گردشگری با استفاده از مدل SWOT

۶-۱- عوامل داخلی موثر بر توسعه گردشگری از طریق مهارت زبان

در این مرحله به بررسی عوامل داخلی محدوده برای شناسایی نقاط قوت و ضعف پرداخته شده است (جدول ۱). در این پژوهش به هر کدام از نقاط قوت و ضعف عوامل داخلی، در ردیف اول، وزنی از صفر تا یک داده شده است به گونه ای که حاصل مجموع اوزان نباید بیشتر از یک باشد. در ردیف درجه بندی با توجه به اهمیت هر کدام، امتیازی از یک تا پنج داده شده و در ردیف آخر جدول، حاصل ضرب وزن و درجه بندی به دست آمده است.

جدول ۱- ماتریس سوات نقاط ضعف و قوت

شاخص ها	عوامل	وزن	درجه	امتیاز وزنی
نقاط قوت	اقتصادی	S۱=وجود مهارت زبان انگلیسی در بین برخی از فروشندگان برای توضیح بهتر محصولات و فروش بیشتر به گردشگران خارجی S۲=ترجمه دقیق و درست موارد استفاده از کالاهای ایرانی در عرضه به گردشگران خارجی	۲	۰,۲۰
			۲	۰,۱۴
	اجتماعی-فرهنگی	S۳=وجود تابلوهای راهنما به زبان انگلیسی برای گردشگران خارجی به منظور معرفی مکان ها S۴=فراهم آمدن اشتغال برای شهروندان دارای مهارت زبان انگلیسی در آژانس های گردشگری S۵=وجود تورهای گردشگری با راهنمایی متخصصین زبان انگلیسی	۳	۰,۲۱
			۲	۰,۱۸
			۳	۰,۳۳
نقاط ضعف	اقتصادی	W۱=ضعف در تبلیغات محصولات تجاری به دلیل کمبود مترجم متخصص زبان انگلیسی W۲=وابستگی شدید آژانس های تورگردان به سایر آژانس های بزرگ جهت انجام امور بازاریابی	۳	۰,۳۳
			۲	۰,۱۴
	اجتماعی-فرهنگی	W۳=ناآشنایی کامل برخی راهنمایان و کارکنان بخش های پذیرایی با زبان انگلیسی W۴=مهارت پایین اکثریت شهروندان در زبان انگلیسی و راهنمایی گردشگران خارجی W۵=کمبود افراد متخصص زبان انگلیسی در آژانس های مسافرتی جهت معرفی کامل مناطق گردشگری شهر به گردشگران خارجی	۴	۰,۵۲
			۳	۰,۳۳
			۵	۰,۷۰
مجموع				
		۱	-	۳,۰۸

۶-۲- عوامل خارجی موثر بر توسعه گردشگری از طریق مهارت زبان

در این مرحله به بررسی آثار محیط خارجی منطقه مورد مطالعه برای شناسایی فرصت ها و تهدیدهایی که صنعت گردشگری در صورت مهارت یا عدم مهارت شهروندان با زبان انگلیسی، با آن مواجه است پرداخته شده است (جدول ۲). در این پژوهش به هر کدام از فرصت ها و تهدیدهای عوامل خارجی، در ردیف اول، وزنی از صفر تا یک داده شده است به گونه ای که حاصل مجموع اوزان نباید بیشتر از یک باشد. در ردیف درجه بندی با توجه به اهمیت هر کدام، امتیازی از یک تا پنج داده شده و در ردیف آخر جدول، حاصل ضرب وزن و درجه بندی به دست آمده است.

جدول ۲- ماتریس سوات فرصت ها و تهدیدها

شاخص ها		عوامل		وزن	درجه	امتیاز وزنی	
فرصت ها	اقتصادی	01=ارتقای مهارت زبان انگلیسی در راهنمایان و شهروندان با ایجاد کلاس های تخصصی جهت ارتباط قوی تر با گردشگران خارجی برای تبلیغات اقتصادی	02=تعامل و مشارکت با گردشگران خارجی جهت سرمایه گذاری و برنامه ریزی در جهت استفاده از منابع طبیعی و انسانی	03=آموزش شهروندان مورد علاقه در زمینه زبان انگلیسی جهت استفاده در آژانس های تبلیغاتی و گردشگری	۰,۰۸	۴	۰,۳۲
					۰,۰۷	۲	۰,۱۴
					۰,۰۹	۳	۰,۲۷
اجتماعی-فرهنگی	04=افزودن دفاتر گردشگری جهت استفاده بیشتر از افراد متخصص زبان انگلیسی در راهنمایی گردشگران خارجی و معرفی هر چه بهتر مکان های گردشگری	05=استفاده از پتانسیل های گردشگری منطقه و ارائه			۰,۰۹	۴	۰,۳۶
					۰,۰۷	۲	۰,۱۴

			توضیحات فرهنگی و تاریخی در مکان های توریستی به زبان انگلیسی همراه با جزئیات		
۰,۲۱	۳	۰,۰۷	۰۶=ایجاد مراکز مشاوره و راهنمایی توریست های خارجی در سراسر شهر و نقاط توریستی		
۰,۱۲	۲	۰,۰۶	T۱=عدم ترجمه صحیح توضیحات محصولات ایرانی و اعتماد نکردن گردشگران خارجی در خرید محصولات	اقتصادی	تهدیدها
۰,۲۴	۳	۰,۰۸	T۲=نبود سیستم اطلاع رسانی مناسب و فقدان نظارت بر فعالیت های بازاریابی مستقیم در گردشگری شهر		
۰,۵۰	۵	۰,۱۰	T۳=ضعف مشتری مداری در مقابل گردشگران خارجی و عدم تسلط اکثر فروشندگان به زبان انگلیسی		
۰,۳۶	۴	۰,۰۹	T۴=کمبود تورهای تفریحی برای گردشگران خارجی با وجود پتانسیل بالای منطقه از نظر گردشگری	اجتماعی- فرهنگی	
۰,۵۰	۵	۰,۱۰	T۵=عدم معرفی دقیق مناطق گردشگری به گردشگران خارجی توسط راهنماها و مردم به دلیل ضعف در مهارت زبان انگلیسی		
۰,۴۰	۴	۰,۱۰	T۶=عدم معرفی این مکان توسط گردشگران خارجی به سایر افراد جهان، به دلیل عدم شناخت کامل از مکان های توریستی منطقه با توجه به عدم ارتباط صحیح شهروندان از نظر زبانی		
۳,۵۶	-	۱	مجموع		

۳-۶- تحلیل نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت ها و تهدیدها با استفاده از ماتریس سوات

همان گونه که در جداول ۱ و ۲ نشان داده شده بر اساس ارزیابی انجام شده، ۵ قوت داخلی در برابر ۵ ضعف داخلی و همچنین ۶ فرصت خارجی در برابر ۶ تهدید خارجی شناسایی و بررسی شده است. بنابراین تعداد ۱۱ قوت و فرصت به عنوان مزیت ها و تعداد ۱۱ ضعف و تهدید به عنوان محدودیت ها و تنگناها، پیش روی موضوع حاضر است. پس از بررسی عوامل داخلی و خارجی مجموع امتیاز وزنی چهار عامل مشخص شده است (جدول ۳).

جدول ۳- محاسبه مجموع امتیاز وزنی قوت ها، ضعف ها، فرصت ها و تهدیدها

تهدیدها T		فرصت ها O		ضعف ها W		قوت ها S		شاخص ها
مجموع امتیاز وزنی	متغیرها	مجموع امتیاز وزنی	متغیرها	مجموع امتیاز وزنی	متغیرها	مجموع امتیاز وزنی	متغیرها	
۰,۸۶	T1-T2-T3	۰,۷۳	O1-O2-O3	۰,۴۷	W1-W2	۰,۳۴	S1-S2	اقتصادی
۱,۲۶	T4-T5-T6	۰,۷۱	O4-O5-O6	۱,۵۵	W3-W4-W5	۰,۷۲	S3-S4-S5	اجتماعی- فرهنگی
۲,۱۲		۱,۴۴		۲,۰۲		۱,۰۷		مجموع امتیاز وزنی

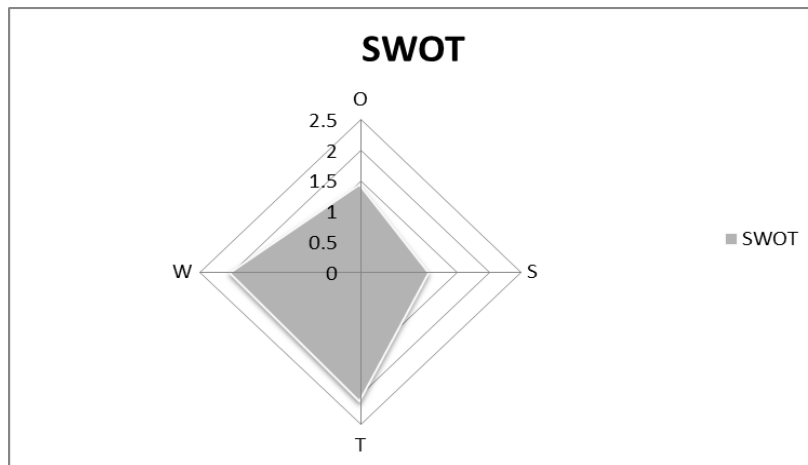
با توجه به امتیازات به دست آمده در مدل سوات، مشاهده می شود که مناسب ترین راهبرد برای پژوهش حاضر، راهبرد تدافعی (WT) می باشد. هدف کلی این راهبرد، که می توان آن را راهبرد بقا نیز نامید، کاهش ضعف های سیستم به منظور کااستن و خنثی سازی تهدیدات است. در این حالت وضعیت شهر چابهار در وضعیت نامناسبی قرار دارد و مدیران شهری باید با استفاده از راهکارهای گوناگون به دنبال خنثی کردن تهدیدات باشند. ضعف مهارت زبان انگلیسی در بین شهروندان شهر توریستی چابهار، بزرگترین تهدید برای کاهش جذب گردشگران خارجی می باشد. گردشگران خارجی که اکثرا به زبان انگلیسی

مسلط می باشند، باید به درستی راهنمایی شوند و به طور کامل از مناطق توریستی بازدید کنند تا بتوانند با مشاهده پتانسیل های منطقه، علاوه بر سود اقتصادی باعث تبلیغات برای این منطقه باشند.

تقویت مهارت زبان انگلیسی در بین شهروندان، مهمترین عامل در پویایی شهرهای توریستی مانند چابهار می باشد زیرا گردشگران خارجی سود اقتصادی به مراتب بالاتری نسبت به گردشگران داخلی دارند. متغیرهای متفاوتی برای فرهنگ سازی یادگیری زبان در بین مردم و دانشجویان وجود دارد که باعث ایجاد اشتغال زایی بیشتر در رشته هایی مانند گردشگری می شود. مدرس، زبان آموز، امکانات آموزشی، انگیزه مدرس و زبان آموز، هدف و خروجی آموزش، زمان کافی، منابع مالی و تاکید بر یادگیری از جمله متغیرهایی بوده که باید برای یادگیری زبان روی آن سرمایه گذاری کرد.

نداشتن توانمندی و تسلط به زبان انگلیسی در بین مسئولان آژانس های مسافرتی و گردشگری باعث می شود تا گردشگر به شهر جذب نشود. راهنمای تور و یا شهروندان، می توانند با تسلط به زبان انگلیسی، موقعیت مکانی منطقه و نقاط گردشگری را به گردشگران خارجی معرفی کنند و باعث جذب سرمایه برای توسعه شهر شوند.

شهر چابهار با توجه به پتانسیل بالای گردشگری و دارا بودن نقاط گردشگری فراوان، نیاز به افراد بیشتری که مسلط به زبان انگلیسی باشند، دارد تا جذب گردشگر با سرعت بیشتری انجام شود و این شهر و قابلیت های آن به جهان معرفی شود. با توجه به ارزیابی انجام شده و انتخاب راهبرد مناسب، ضروری است با برنامه ریزی مدیران و برنامه ریزان شهری، کارشناسان رشته های گردشگری و زبان انگلیسی، نقاط ضعف را برطرف کرده تا تهدیدات اشاره شده، خنثی گردد.



شکل ۴- نمودار ارزیابی عوامل داخلی و خارجی و مشخص شدن راهبرد مناسب در SWOT

۷- نتیجه گیری

گردشگری شهری در ایران می تواند شکلی جدی از فعالیت های اقتصادی و اجتماعی را نشان دهد اما این صنعت پرسود در کشور ما به صورت جدی دنبال نمی شود. همان گونه که از نتایج بررسی ها مشاهده شد در شهر چابهار با وجود پتانسیل های فراوان گردشگری، میزان جذب گردشگر خارجی پایین می باشد. صنعت توریسم در مناطق آزاد جهان از نظر اقتصادی بسیار سود آور است اما در کشور ما به دلایل مختلف این صنعت آن طور که باید، رونق پیدا نکرده است. گردشگری با ویژگی های خاص خود، می تواند به عنوان یکی از اصلی ترین گزینه های مناطق آزاد در جهت ایجاد اشتغال، کسب درآمد ارزی و توسعه منطقه ای باشد. صنعت گردشگری می تواند درآمد قابل توجهی برای کشور به همراه آورد و سود سالانه آن می تواند با درآمد نفتی رقابت کند. فراهم آوردن شرایطی برای ترغیب دانشجویان، شهروندان و راهنمایان گردشگری برای یادگیری زبان انگلیسی در شهرهای توریستی، از جمله مواردی است که باید مورد توجه قرار گیرد و این سرمایه گذاری بر روی این افراد در آینده بازگشت هزینه و سود اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. جذب گردشگر خارجی می تواند باعث پویا شدن اقتصاد شهرهای توریستی شود. در بررسی های انجام شده مشخص شد که شهر چابهار دارای مکان های گردشگری فراوانی است که به دلیل کمبود مهارت زبان انگلیسی در بین شهروندان، در جهان کمتر شناخته شده است. تقویت زبان انگلیسی و تبلیغات مناسب و ارائه خدمات مختلف به گردشگران خارجی موجب جذب بیشتر آنان می شود. طبق تحلیل های انجام شده در مدل SWOT،

مشخص شد که در موضوع مهارت زبان انگلیسی جهت جذب گردشگر میزان ضعف ها بیشتر از قوت ها و تهدیدها بیشتر از فرصت ها می باشند در نتیجه بهترین راهبردی که می شد انتخاب کرد، راهبرد تدافعی است. در این راهبرد نیاز است با برنامه ریزی صحیح جلوی نقاط ضعف را گرفت تا تهدیدهای پیش رو خنثی شود. با توجه به راهبرد معرفی شده، راهکارهایی جهت بهبود وضعیت موجود پیشنهاد شده است که عبارتند از:

- استفاده از افراد متخصص و مسلط به زبان انگلیسی در سازمان ها، نهادها و بخش های ذی نفع در گردشگری شهری.
- شناسایی افراد علاقه مند به زبان انگلیسی و آموزش آنان جهت کار در مراکز گردشگری و راهنمایی گردشگران خارجی.
- استخدام راهنمایان آموزش دیده و مسلط به زبان های رایج در اماکن دیدنی و تاریخی توسط سازمان میراث فرهنگی.
- دعوت از سرمایه گذاران خارجی و ایجاد تسهیلات و امتیازات ویژه.
- آموزش و اطلاع رسانی مردم در نحوه برخورد با گردشگران خارجی و آموختن علائم راهنمایی به منظور جلوگیری از تعارض بین گردشگران و شهروندان.
- مدیریت آموزشگاه های زبان و تدریس اصولی به زبان آموزان و تشویق مردم شهرهای توریستی به فراگیری زبان انگلیسی.

مراجع

۱. آقاسی زاده، عبدالله (۱۳۸۷)، بررسی نقش منطقه آزاد تجاری- صنعتی چابهار در توسعه توریسم منطقه ای، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۲. ابراهیم زاده، عیسی و همکاران (۱۳۸۶)، فهرست نقشه های منابع، پتانسیل ها و خدمات موجود گردشگری شهرستان چابهار، طرح جامع گردشگری استان سیستان و بلوچستان، زاهدان.
۳. ابراهیم زاده، عیسی و عبدالله آقاسی زاده (۱۳۸۸)، تحلیل عوامل موثر بر گسترش گردشگری در ناحیه ساحلی چابهار با استفاده از مدل راهبردی SWOT، مطالعات و پژوهش های شهری منطقه ای، دانشگاه اصفهان، شماره اول، تابستان ۱۳۸۸.
۴. ابراهیمی، سید ابراهیم (۱۳۷۶)، نقش منطقه آزاد در توسعه اقتصاد ملی و توریسم، مجموعه مقالات نخستین همایش جهانگردی، جلد اول، کیش.
۵. ابراهیمی، علیرضا و محمدرضا خسروی (۱۳۸۴)، عوامل موثر بر رشد و توسعه صنعت توریسم در استان مازندران، مجموعه مقالات اولین همایش نقش صنعت گردشگری در توسعه استان مازندران، تهران، انتشارات رسانش.
۶. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸)، جامعه شناسی هویت ایرانی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۷. خانی، فضیله، قاسمی وسمه جانی، ابوطالب و علی قنبری نسب (۱۳۸۸)، بررسی اثرات گردشگری ساحلی با تکیه بر نظرسنجی از خانوارهای روستایی، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال اول، شماره چهارم.
۸. خورشید، صدیقه و رضا رنجبر (۱۳۸۹)، تحلیل استراتژیک و انتخاب استراتژی مبتنی بر تحلیل سوات و تکنیک های تصمیم گیری چندشاخصه فازی، فصلنامه مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، سال پنجم، شماره ۱۲.
۹. رفعتی، محمدرضا (۱۳۶۹)، مناطق آزاد تجاری- صنعتی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
۱۰. زنگی آبادی و همکاران (۱۳۸۵)، تحلیل بازار گردشگری داخلی اصفهان، مجله جغرافیا و توسعه، شماره پیاپی ۸، انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۱۱. سازمان جهانی گردشگری (۲۰۱۶).
۱۲. سرابی، فریبا (۱۳۸۷)، پیامدهای زیست محیطی توسعه توریسم، محیط زیست، شماره ۲۹.
۱۳. سرلک، محمدعلی (۱۳۷۴)، ارزیابی صحت مکان یابی مناطق آزاد تجاری- صنعتی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشگاه تهران.

۱۴. سلطان زاده، احمد (۱۳۸۶)، بانک اطلاعات پایه استان و شهرستان های تابعه در بخش های مختلف (شهرستان چابهار)، معاونت برنامه ریزی استانداری سیستان و بلوچستان، زاهدان.
۱۵. شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی ایران (۱۳۸۶)، گزارش تحقیق و تفحص از مناطق آزاد، تهران.
۱۶. فیروزآبادی، علی، عسکری پور، حسین و قاسم بخشنده (۱۳۹۱)، بررسی و تعیین رتبه سواحل چابهار در مقایسه با سواحل کیش و قشم به منظور گردشگری ساحلی با استفاده از روش AHP، اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران.
۱۷. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، تهران.
۱۸. مبارکی، امید (۱۳۸۶)، برنامه ریزی فضایی شهرستان ملکان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
۱۹. مرادی مسیحی، وراز (۱۳۸۱)، برنامه ریزی راهبردی در کلانشهرها، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
۲۰. موحد، علی (۱۳۸۱)، بررسی و تحلیل الگوی فضای توریسم شهریریا ل مطالعه موردی: اصفهان، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
21. Boniface, P. and Fowler, P.J. (1993), Heritage and Tourism, six editions, Financial Time.
22. Gasparini, Alberto & Enrico Ferluga. (2005), SWOT Analysis in three Cross-Border Areas Strategies and actions to plan cross-border cooperation, Institute of International Sociology of Gorizia.
23. Kajanus, M. (2004), The use of value focused thinking and the A SWOT hybrid.
24. Orams, Mark. (1999), Marine Tourism London.
25. Wright, Peter. (1998), Strategic Management, Text and cases, Mark J Kroll, Memphis state University James Madison University, Texas of Tyler.
26. www.isna.ir
27. www.unwto.org
28. www.worldtourismorganization.com, 1997.

بررسی ویژگی‌های فرمی و روند محتوای اجتماعی در شعر سیمین بهبهانی

مریم دهبندی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان
maryam_dehbandi@yahoo.com

چکیده

جستار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی ویژگی‌های فرمی و روند محتوای اجتماعی در شعر سیمین بهبهانی پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن است که در نخستین سروده‌های سیمین بهبهانی، جلوه‌ها و پدیده‌های زندگی امروز، حضور کمتر دارند و بیشتر به گونه‌ای سطحی، خام و سنتی بیان شده‌اند، اما در مجموعه‌های آخر او اشعاری پخته با ساختاری استوار، جلوه‌های گوناگون دنیای امروز را می‌تابند. دو عامل مهم فقر و سرخوردگی عاطفی که ریشه بسیاری از معضلات اجتماعی است، از مفاهیم اصلی نخستین سروده‌های سیمین بهبهانی بود. البته در اوایل دوره شاعری، او نیز هم‌چون بیشتر شاعران رمانتیک، بیشتر آه و ناله سر می‌دهد و به مرحله تحلیل و ارائه راه حل نمی‌رسد. در مجموعه‌های بعد، در بیشتر سروده‌ها عاطفه شعر عمق و گسترش یافته و شعر در دایره لحظه‌ای خاص محدود نمانده است و برداشت از کل شعر منحصر به زمان و مکان خاصی نمی‌شود. از این رو شاعر، ضمن فاصله گرفتن تدریجی از غزل گذشته، سعی کرده تا به نوآوری‌هایی دست یابد. از دهه شصت به بعد است که بسیاری از ضوابط مرسوم غزل در شعر سیمین شکسته می‌شود و حیاتی تازه می‌یابد. او در این دوره، جهان معاصر خود را با همه ویژگی‌هایش، با زبانی امروزی به شعر می‌کشد و با مخاطبان خود به سادگی پیوند می‌خورد. به طور کلی سیمین بهبهانی هم به لحاظ «چه گفتن» و هم به لحاظ «چگونه گفتن» شاعر موفقی است. در نخستین مواجهه با اشعارش، کاربرد اوزان تازه و بی‌سابقه و تنوع و تعداد اوزان عروضی چشم‌گیر است. او با نوآوری در اوزان شعری خود حال و هوا و طراوتی خاص به اشعارش بخشیده و با پرداختن به مفاهیم و مضامین روز در قالب اوزان تازه شیوه‌ای جدید و ناآزموده را در شعر پارسی پدید آورده است.

واژگان کلیدی: سیمین بهبهانی، ویژگی‌های فرمی، محتوای اجتماعی، شعر، غزل.

۱- مقدمه

سیمین خلیلی معروف به سیمین بهبهانی (۱۳۹۳-۱۳۰۶)، نویسنده و غزل‌سرای معاصر ایرانی و از اعضای کانون نویسندگان ایران بود. او در طول زندگی‌اش بیش از ۶۰۰ غزل سرود که در ۲۰ کتاب منتشر شده‌اند. شعرهای سیمین بهبهانی موضوعاتی هم‌چون عشق به وطن، زلزله، انقلاب، جنگ، فقر، تن‌فروشی، آزادی بیان و حقوق برابر برای زنان را در بر می‌گیرند. او به خاطر سرودن غزل فارسی در وزن‌های بی‌سابقه به «نیمای غزل» معروف است. بهبهانی از جمله غزل‌سرایان نوگرایی است که ضمن تأثیرپذیری از جریان‌های شعر معاصر، ادبیات سنتی را مایه‌بخش ادبیات مدرن می‌داند و معتقد است «شعر سنتی درختی کهن است و شعر نو، نهالی جوان که از هسته درخت کهن می‌روید، همان است و همان نیست، قطع رابطه با زبان دیروز، ناممکن است، اما تغییر و هنجارآفرینی و بدعت‌گذاری در آن ناگزیر» (بهبهانی، ۱۳۷۸). سیمین بهبهانی را هم‌چنین «بانوی غزل معاصر» نامیده‌اند. از این رو در مقاله حاضر، ویژگی‌های فرمی و روند محتوای اجتماعی در شعر سیمین بهبهانی، مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- روش تحقیق

این پژوهش به روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با ابزار فیش‌برداری تنظیم شده است که بر اساس منابع و کتب مبسوط، معتبر، مرتبط و پژوهش‌هایی که در خصوص و مربوط به سیمین بهبهانی و نوآوری در شعر فارسی و حوزه‌های مرتبط انجام گرفته استخراج شده است. حوزه پژوهش نیز شامل کلیه کتب و منابع نوشته شده در حوزه مربوط به پیرامون موضوع است و جهت نمونه‌گیری به علت وجود منابع مختلف در این زمینه از کلیه مکتوبات چاپی و دیجیتالی در دسترس استفاده شده است. نگارنده با شیوه کتابخانه‌ای تمامی اطلاعات مربوط به موضوع پژوهش را گردآوری کرده و پس از ارتباط موضوعی آن‌ها، به شیوه توصیفی - تحلیلی، ویژگی‌ها و روند سرایش شعر سیمین بهبهانی را مورد بررسی قرار داده است.

۳- پیوند اشعار سیمین بهبهانی با زندگی معاصر

سیمین بهبهانی، زمانی اولین چهارپاره‌های خود را (مجموعه «جای پا») می‌سرود که اوضاع کشور در سال‌های دهه بیست و بعد از آن بسیار نابسامان و از هم گسیخته بود، بسیار طبیعی است که شاعری مفهوم‌گرا چون سیمین بهبهانی شعرش را آینه‌ای برای انعکاس مشکلات و معضلات مردمی قرار دهد که پیرامونش زندگی می‌کنند. او نمی‌تواند بی‌تفاوت و بی‌اعتنا از چنین مسائلی بگذرد و شعرش را به شعور اجتماعی تبدیل نکند. شاعر، زاده شعر است و آشنا با مسائل شهرنشینی، بنابراین مخاطبان اصلی او، همین طبقات محروم و فقیر هستند. دو عامل مهم فقر و سرخوردگی عاطفی که ریشه بسیاری از معضلات اجتماعی است، از مفاهیم اصلی نخستین سروده‌های سیمین بهبهانی بود. البته در اوایل دوره شاعری، او نیز هم‌چون بیشتر شاعران رمانتیک، بیشتر آه و ناله سر می‌دهد و به مرحله تحلیل و ارائه راه‌حل نمی‌رسد. ویژگی مهم سروده‌های دوره اول او، فقدان تصاویر و فضاهای تازه و امروزی‌ست، گرچه به مضامین متنوع و جدید چون زندگی کارمندی، خودفروشی، روسپی‌گری، مهاجرت روستایی، دوره‌گردی، ولگردی، طلاق، جیب‌بری، کارگری و... اشاره شده است (فوران، ۱۳۸۰).

برای نمونه در شعر زیر، شاعر خبر یک روزنامه را (زنی جگرگوشه خود را بر سر راه می‌گذارد) دست‌مایه سرودن چهارپاره‌ای کرده، اما این خبر در یک فضای سنتی بیان شده است و نشان می‌دهد که تأثر او لحظه‌ای، موقتی و سطحی است (حسن لی و حیدری، ۱۳۸۵).

نقش یاران را کشیدم در خیال	تا مگر یابم یکی مانای او
از صدای پای سنگینی فتاد	لرزه بر اندام من سیماب‌وار

(سیمین بهبهانی، ۱۳۸۲)

شعر این‌گونه تمام می‌شود:

داد می‌زد آید فوق‌العاده، آید	خوردن سگ کودک نوزاد را
-------------------------------	------------------------

(همان، ۱۳۸۲)

درحالی‌که در مجموعه‌های بعد، در بیشتر سروده‌ها عاطفه شعر عمق و گسترش یافته و شعر در دایره‌ی لحظه‌ای خاص محدود نمانده است و برداشت از کل شعر منحصر به زمان و مکان خاصی نمی‌شود. (حسن لی و حیدری، ۱۳۸۵)

شلوار تاخورده دارد، مردی که یک پا ندارد	خشم است و آتش نگاهش، یعنی تماشا ندارد
رخساره می‌تابم از او، اما به چشمم نشسته	بس نوجوان است و شاید، از بیست بالا ندارد
رو می‌نهم سوی او باز، تا گفت‌وگویی کنم ساز	رفته‌ست و خالی‌ست جایش، مردی که یک پا ندارد

(همان، ۱۳۸۲)

در مجموعه رستاخیز، مسائل اجتماعی - سیاسی جامعه به تدریج رنگ تازگی و امروزی به خود گرفته است. شاعر، ضمن فاصله گرفتن تدریجی از غزل گذشته، سعی کرده تا به نوآوری‌هایی دست یابد: (حسن لی و حیدری، ۱۳۸۵)

بچه‌ها صحبتان بخیر، سلام
فعل مجهول چیست می‌دانید؟
ژاله از درس من چه فهمیدی؟
ده جوابم بده کجا بودی
خشمگین انتقام جو گفتم
دختری طعنه زد که نه خانم

درس امروز فعل مجهول است
نسبت فعل ما به مفعول است
پاسخ من سکوت بود، سکوت
رفته بودی به عالم هیپروت
بچه‌ها گوش لاله سنگین است؟
درس در گوش لاله یاسین است؟
(بهبهانی، ۱۳۸۲)

بهبهانی، در سروده‌های نخستین خود با طرح ساده و سطحی مسائل زودگذر اجتماعی، زمینه‌های تحول و تکامل خود را فراهم می‌کند. از دهه شصت به بعد است که بسیاری از ضوابط مرسوم غزل در شعر سیمین شکسته می‌شود و غزل در آسمانی گسترده‌تر بال باز می‌کند و حیاتی تازه می‌یابد. او در این دوره، جهان معاصر خود را با همه ویژگی‌هایش، با زبانی امروزی به شعر می‌کشد و با مخاطبان خود به سادگی پیوند می‌خورد. مضامین این دوره از اشعار سیمین بهبهانی همان مضامینی است که هر روزه به چشم خویش می‌بیند و با آن‌ها زندگی می‌کند (حسن لی و حیدری، ۱۳۸۵).

در چشمه روشن، در پیوند با غزل «مردی که یک پا ندارد» آمده است: «وقتی شعری از من شاعر و حدیث نفس فراتر می‌رود و جنبه دیگر دوستی به خود می‌گیرد، بی‌گمان گروهی بیشتر را تحت تأثیر قرار می‌دهد زیرا عوالم انسانی، شمول و وسعتی فراخ‌دامن و فراگیر دارد، آن‌چه موجب وسعت تأثیر شعر می‌شود و به خصوص در دوام و بقای آن مؤثر می‌افتد کلیت و اشتغال معنی و جوهر سخن است (یوسفی، ۱۳۵۶)». به‌طور کلی در شناخت پیوند اشعار سیمین بهبهانی با زندگی معاصر، می‌توان گفت که جلوه‌های زندگی امروز و پدیده‌های مربوط به آن، در نخستین سروده‌های سیمین بهبهانی حضور کمتر دارند و بیشتر به گونه‌های سطحی، خام و سنتی بیان شده‌اند، اما در مجموعه‌های آخر او اشعاری پخته با ساختاری استوار، جلوه‌های گوناگون دنیای امروز را به شایستگی و شیرینی باز می‌تابند. در برخی از این سروده‌ها، هیچ عنصر سنتی از شعر گذشته - به جز وزن و قافیه - بر جای نمانده است (حسن لی و حیدری، ۱۳۵۸). از دیدگاه بهبهانی «نباید کتاب‌های کهن، ملاک شیوه اندیشه و احساس و بینش قرار گیرد. منبع الهام شاعران باید طبیعت امروزی، جامعه امروزی، نیازهای جهان امروزی و طرز سخن گفتن امروزی باشد» (بهبهانی، ۱۳۷۸).

۴- نقش زبان در اشعار بهبهانی

در میان شاعران معاصر فارسی، سیمین بهبهانی هم به لحاظ «چه‌گفتن» و هم به لحاظ «چگونه گفتن» شاعر موفقی است. او به تمامی نماینده «غزل نو» امروز است. غزل نو از تأثیر شعر نو بر غزل شکل گرفت. این نوع غزل در قلمرو زبان و تعبیرات، تفاوت‌های آشکاری با غزل گذشته دارد. غزل‌سرایان معاصر در غزل به جای سودجویی از مضامین تکراری و زبانی سرشار از ترکیبات ملال‌آور اندیشه‌های شاعرانه خویش را، با زبان و ترکیبات دل‌پذیر و سحرآفرین صورت بسته‌اند (شریفیان، ۱۳۸۴). دایره لغوی زبان شعر سیمین، به دلیل آشنایی او با ادبیات پر بار کلاسیک و نیز استفاده او از زبان و کلمات عامیانه بسیار وسیع است (همان، ۱۳۸۴). سیمین در سخنان خود بارها از ارزش ادبیات کلاسیک و نقش آن در زبان شعر، سخن گفته است: «ادبیات کلاسیک، پدر و مادر شعر مدرن هستند. هیچ مولودی از زیر بته بیرون نمی‌آید. علت همه شکست‌ها، بی‌خبری از گذشته ادبی عظیم ماست، آن‌ها که ابعاد وسیع ادبیات گذشته را درک نکرده‌اند، بر چه مبنا می‌خواهند شعر بنویسند، با کدام زبان؟ با همین پانصد، هزار واژه که هر اندک مایه‌ای با آن سخن می‌گوید؟ واژه‌های مترادف درست است که مفهوم تقریبی‌شان یکی است اما بار معنایی‌شان، تأثیر صوتی‌شان، ارزش دیداری‌شان، برای شنونده و خواننده تصاویر مختلف ایجاد می‌کند (بهبهانی، ۱۳۸۲)». زبان سیمین، زبان کتاب است که پا به کوچه می‌گذارد و در برخورد با زبان کوچه سوده می‌شود، بی‌آن‌که فرسوده شود. بی‌گمان زبان او، زبانی مشخص است طوری که می‌توان آن را از میان زبان‌های مختلف شاعران معاصر، به راحتی تشخیص داد (کریم‌خانی، ۱۳۸۳).

۵- اوزان تازه در اشعار سیمین بهبهانی

در نخستین مواجهه با اشعار سیمین بهبهانی، کاربرد اوزان تازه و بی‌سابقه و تنوع و تعداد اوزان عروضی در اشعار او چشم‌گیر است. او با نوآوری در اوزان شعری خود حال و هوا و طراوتی خاص به اشعارش بخشیده و با پرداختن به مفاهیم و مضامین روز در قالب اوزان تازه شیوه‌ای جدید و نآزموده را در شعر پارسی پدید آورده است. اگرچه در نگاه نخست به‌دلیل مأنوس نبودن خواننده با اوزان ابداعی سیمین اشعار او چندان خوش‌آهنگ به‌نظر نمی‌رسد اما به‌تدریج بر اثر کاربرد زیاد و انس و عادت زیبایی و دل‌نشینی آن احساس می‌شود (محمدی، ۱۳۹۰). به هر روی سیمین خود را به اوزان تکراری و سنتی گذشته محدود نساخته و با بهره‌گیری از اوزان متعدد و متنوع به اشعار خود تازگی و طراوتی خاص بخشیده است. او از راه ابداع یا احیای وزن‌های تازه یا ناشناخته، به آشناندایی از قالب کهن غزل ره برده و در پی این بدعت، توانسته است قالب غزل را پذیرای فضاهای معنایی تازه کند (حق‌شناس، ۱۳۷۰). سیمین وزن‌های ابداعی خود را نتیجه پاره‌های کلامی می‌داند که به ذهنش رسیده است و اقرار می‌کند که پیش از اندیشیدن به وزن به آن چه می‌خواهد بگوید می‌اندیشد (همان، ۱۳۷۰). البته ناگفته نماند که وی معتقد است به‌کارگیری اوزان بی‌سابقه و تازه نوعی کشف است و نه آفرینش و ابداع، یعنی چیزی وجود دارد اما ناشناخته مانده است، شاعر آن را می‌یابد و می‌شناساند (بهبهانی، ۱۳۷۶). او درباره علت سرودن اشعارش در اوزان تازه می‌گوید: «برای من که می‌خواستم در شکل هندسی غزل مفاهیم روز را به‌کار گیرم مشکل بود که همان بیست و چند وزن آشنا را به‌کار گیرم. لازم بود که گستره بکر و نآزموده‌ای پیش روی داشته باشم که دست‌آموز هیچ قانون و قاعده لغوی نباشد. من در اوزان قدیم هرگز نمی‌توانستم غزلی جدی بسرایم که در آن واژه شلوار آمده باشد اما در یک وزن ناآشنا به‌آسانی این کار را می‌کنم (الهی، ۱۳۷۶)». با نگاهی به اشعار سیمین در می‌یابیم که وی در دوره‌های مختلف شاعرانه خود رویکردهای مختلف داشته است گاه چهره‌های واقعی اجتماع را درون مایه شعرش کرده و گاه این شیوه را کنار گذاشته و در غزل دست به تجربه زده است. او با آوردن مفاهیم و معانی نو در قالب غزل دست به نوآوری در شیوه بیان و معنی زده و اوزان کم‌سابقه را در اشعار خود اساس قرار داده است. به‌عبارتی دیگر سیمین در وزن شعر کلاسیک دست به نوآوری می‌زند و از لحاظ فرم گرچه اشعار وی ریشه در شعر کلاسیک فارسی دارد، اما در آن اشعار محدود نمی‌شود و با دریافته‌ها، تجربه‌ها، تصاویر خلاق و با زبان و گستره واژگان غنی دست به نوآوری می‌زند از این رو، در شعر سیمین تصاویر کهنه گذشته در کنار تصاویر نوظهور و بی‌نظیری قرار دارند. بدین طریق ترکیب روش درونی و نرم محاوره و مجادله با خود همه سبب شده است که وی با شعر و ادب گذشته به خوبی آشناست و از پرتو این آگاهی می‌تواند در شعر صاحب سبک باشد (بناپور، ۱۳۸۳).

دنایای معاصر با پدیده‌های صنعتی و تازه، ویژگی‌هایی به‌کلی متفاوت از گذشته پیدا کرده است، بر همین اساس شاعرانی که معاصرند و در جهان امروز زندگی می‌کنند به‌جای آن‌که از زاویه نگاه شاعران گذشته به زندگی و مسائل آن نگاه کنند و تصویرهای کهنه را تقلید نمایند، با چشمان خود می‌نگرند و عناصر و ابزار بیانی خود را از جهان امروز برمی‌گیرند تا فرزند زمان خویش باشند. روش سیمین نیز این‌گونه بود که با تحولاتی که در زندگی معاصر روی داده، آرام‌آرام از غزل‌های سنتی فاصله گرفته و جویای تجربه‌های تازه در غزل شده است. او همچنین کوشیده است تا زخم‌ها و دردهای مردم جامعه خود را فریاد بکشد و فرزند زمان خویش باشد. بدون شک بهبهانی، «بانوی غزل معاصر» است و هر چه را که با عواطف و دریافت و درک بستگی داشته، با اساس قرار دادن ساختار به سهولت در شعرش طرح می‌کند و با نوآوری در شیوه بیان و معنی و کاربرد اوزان نو و کم‌سابقه دست به نوآوری می‌زند و زبان شعرش را مخصوص به خود می‌کند.

نتیجه

در این جستار، به بررسی ویژگی‌های فرمی و روند محتوای اجتماعی در شعر سیمین بهبهانی پرداخته شد. یافته‌ها حاکی از آن است که جلوه‌های زندگی امروز و پدیده‌های مربوط به آن، در نخستین سروده‌های سیمین بهبهانی حضور کمتر دارند و بیشتر به‌گونه‌ای سطحی، خام و سنتی بیان شده‌اند، اما در مجموعه‌های آخر او اشعاری پخته با ساختاری استوار، جلوه‌های گوناگون دنیای امروز را به شایستگی و شیرینی باز می‌تابند، به‌طوری که در برخی از این سروده‌ها، هیچ عنصر سنتی از شعر

گذشته- به جز وزن و قافیه- بر جای نمانده است. دو عامل مهم فقر و سرخوردگی عاطفی که ریشه بسیاری از معضلات اجتماعی است، از مفاهیم اصلی نخستین سروده‌های سیمین بهبهانی بود. البته در اوایل دوره شاعری، او نیز هم‌چون بیشتر شاعران رمانتیک، بیشتر آه و ناله سر می‌دهد و به مرحله تحلیل و ارائه راه حل نمی‌رسد. ویژگی مهم سروده‌های دوره اول او، فقدان تصاویر و فضاهای تازه و امروزی‌ست، گرچه به مضامین متنوع و جدید چون زندگی کارمندی، خودفروشی، روسپی‌گری، مهاجرت روستایی، دوره‌گردی، ولگردی، طلاق، جیب‌بری، کارگری و... اشاره شده است. درحالی‌که در مجموعه‌های بعد، در بیشتر سروده‌ها عاطفه شعر عمق و گسترش یافته و شعر در دایره‌ی لحظه‌ای خاص محدود نمانده است و برداشت از کل شعر منحصر به زمان و مکان خاصی نمی‌شود. در مجموعه رستاخیز، مسائل اجتماعی - سیاسی جامعه به تدریج رنگ تازگی و امروزی به خود گرفته است. شاعر، ضمن فاصله گرفتن تدریجی از غزل گذشته، سعی کرده تا به نوآوری‌هایی دست یابد. از دهه شصت به بعد است که بسیاری از ضوابط مرسوم غزل در شعر سیمین شکسته می‌شود و غزل در آسمانی گسترده‌تر بال باز می‌کند و حیاتی تازه می‌یابد. او در این دوره، جهان معاصر خود را با همه ویژگی‌هایش، با زبانی امروزی به شعر می‌کشد و با مخاطبان خود به سادگی پیوند می‌خورد. به طور کلی در میان شاعران معاصر فارسی، سیمین بهبهانی هم به لحاظ «چه گفتن» و هم به لحاظ «چگونه گفتن» شاعر موفقی است. او به تمامی نماینده «غزل نو» امروز است. در نخستین مواجهه با اشعار سیمین بهبهانی، کاربرد اوزان تازه و بی‌سابقه و تنوع و تعداد اوزان عروضی در اشعار او چشم‌گیر است. او با نوآوری در اوزان شعری خود حال و هوا و طراوتی خاص به اشعارش بخشیده و با پرداختن به مفاهیم و مضامین روز در قالب اوزان تازه شیوه‌ای جدید و ناآزموده را در شعر پارسی پدید آورده است. با نگاهی به اشعار سیمین در می‌یابیم که وی در دوره‌های مختلف شاعرانه خود رویکردهای مختلف داشته است گاه چهره‌های واقعی اجتماع را درون مایه شعرش کرده و گاه این شیوه را کنار گذاشته و در غزل دست به تجربه زده است. او با آوردن مفاهیم و معانی نو در قالب غزل دست به نوآوری در شیوه بیان و معنی زده و اوزان کم‌سابقه را در اشعار خود اساس قرار داده است.

منابع

- ۱- الهی، صدرالدین (۱۳۷۶). ابداع اوزان تازه در شعر فارسی، مجله ایران‌شناسی، دوره دوم، شماره اول، بهار، ۱۳۴-۱۱۷.
- ۲- بناپور، هاشم (۱۳۸۳). زنی با دامنی شهر، مجله بخارا، دوره اول، شماره اول، پاییز، ۹۰-۸۰.
- ۳- بهبهانی، سیمین (۱۳۷۸). یاد بعضی نفرات، چاپ دوم، تهران، نشر البرز.
- ۴- بهبهانی، سیمین (۱۳۸۲). مجموعه اشعار، چاپ سوم، تهران، انتشارات نگاه.
- ۵- بهبهانی، سیمین (۱۳۷۶). تازه‌ها، چاپ اول، تهران، انتشارات زوار.
- ۶- بهبهانی، سیمین، غزل زنده می‌ماند، روزنامه همشهری، شماره ۳۲۰۷.
- ۷- حسن‌لی، کاووس و حیدری، مریم (۱۳۸۵). بررسی عناصر زندگی معاصر در شعر سیمین بهبهانی، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و پنجم، شماره سوم، پاییز، ۱۰۰-۸۵.
- ۸- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۷۰). مقالات ادبی و زبان‌شناختی، چاپ اول، تهران، انتشارات نیلوفر.
- ۹- شریفیان، مهدی (۱۳۸۴). نقش زبان در شعر سیمین بهبهانی، مجله پژوهش‌نامه ادب غنایی، دوفصل‌نامه، شماره چهارم، ۷۵-۹۵.
- ۱۰- فوران، جان (۱۳۸۰). مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات رسا.
- ۱۱- کریم‌خانی، مسعود (۱۳۸۳). شعر نیمایی از نیما یوشیج تا سیمین بهبهانی، مجله واژه، دوره دوم، شماره سوم، ۹۸-۸۷.
- ۱۲- محمدی، داود (۱۳۸۰). معرفی اوزان تازه و نادر در اشعار سیمین بهبهانی، مجله مطالعات زبانی بلاغی، فصل‌نامه، شماره سوم، بهار و تابستان، ۱۱۱-۱۳۶.
- ۱۳- یوسفی، غلامحسین (۱۳۵۶). چشمه روشن، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی.

بررسی فرآیند مشارکت استفاده‌کنندگان (مردم) در روند طراحی مسکن با رویکرد معماری جمعی^۱

حمیدرضا فرشچی^{۱*}، حامد ترکی باغبادرانی^۲

۱- استادیار گروه معماری دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه کاشان

Farshchi46@kashanu.ac.ir

چکیده

مشارکت استفاده‌کنندگان در طراحی مسکن، یعنی طراحی مبتنی بر خواسته‌ها و نیازهای استفاده‌کنندگان و دخالت آنها در روند طراحی. مطالعات فراوانی در زمینه ضرورت و اهمیت این مشارکت صورت گرفته است، اما کمتر پژوهشی به ارائه راهکارهایی برای مشارکت استفاده‌کنندگان در روند طراحی و رابطه بین طراح (معمار) و استفاده‌کننده (مردم) در این فرآیند پرداخته است. هدف از این پژوهش علاوه بر تبیین جنبه‌های حیات جمعی انسانها در طراحی مسکن و تاثیر آن بر ارتقاء کیفیت مسکن و رضایتمندی ساکنین، ارائه راهکارهایی جهت مشارکت بهینه استفاده‌کنندگان و ارتباط بین طراح و استفاده‌کننده در این فرآیند است. روش تحقیق در پژوهش حاضر به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایشی است به صورتی که ۵۶٫۵ درصد از مشارکت‌کنندگان در پرسشنامه مطرح شده، خیلی زیاد، ۳۲ درصد زیاد، ۱۰ درصد دیگر متوسط و تنها ۱٫۵ درصد از آنها تمایل به مشارکت در فرآیند طراحی و ساخت نداشته‌اند و ضریب همبستگی ۰٫۷۶ حاکی از همبستگی مستقیم بین دو متغیر میزان رضایت از محل سکونت و علاقه‌مندی به مشارکت در طراحی و ساخت آن داشته است. نتایج این بررسی‌ها حاکی از آن است که اگر سکونتگاه مبتنی بر خواسته‌ها و نیازهای استفاده‌کنندگان از آن طراحی و اجرا گردد، می‌تواند باعث رضایتمندی ساکنین و ارتقاء کیفیت آن شود. همچنین ارتباط بین طراح و استفاده‌کننده در این فرآیند را حالت معمار فعال-کارفرما فعال که معرف همان معماری جمعی است، بیان میکند. و در انتها استفاده یکسان از همه روشهای مشارکت برای همه جامعه آماری نمیتواند مفید واقع شود و مشخصا استفاده ابزارها و روشهای متفاوت در افراد مختلف میتواند نتایج بهتر و قابل قبول داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: معماری جمعی، مشارکت، مسکن، استفاده‌کننده (مردم)، طراح (معمار)

۱- مقدمه

مسکن از ریشه سکنه و به معنای مکان آرامش یافتن است. یعنی مکانی که انسان در آن به آرامش و تسکین می‌رسد؛ بدیهی است یکی از مهمترین عواملی که به آرامش و تسکین انسان در سکونتگاه خود می‌انجامد، آن است که مراحل مختلف احداث یک مسکن متناسب با خواسته‌ها و تمایلات آنها از طراحی تا اجرا به انجام رسیده باشد. به بیان دیگر انسانی که در سکونتگاه خود در پی آرامش است باید از تمامی ویژگی‌های یک مسکن، از مکان استقرار و جانمایی تا طراحی و اجرا رضایت

۱- این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «طراحی مسکن در شهر باغبادران مبتنی بر روش های معماری جمعی» نگارش حامد ترکی باغبادرانی در دانشگاه کاشان می باشد.

کامل داشته باشد؛ در غیر این صورت هرچند در این سکونت‌گاه به سر ببرد ولی به علت عدم تعلق خاطر به آن ناشی از نادیده گرفتن تمایلاتش حظ وافری که از آن باید ببرد را نبرده و در آن به معنای واقعی به آرامش نمی‌رسد.

برای آن‌که بتوان این خواست‌ها را در مراحل مختلف احداث یک بنا لحاظ نمود باید بیش و پیش از هر چیز مردم آن سامان را شناخت و برای شناخت بهتر آن‌ها، زندگی همراه با آن‌ها در صورت امکان و گام به گام در تعاملات اجتماعی آن‌ها و تعمیم دادن آن بهترین راهکار می‌باشد، هرچند اگر انجام آن مقدور نباشد، می‌توان با به کارگیری ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات همانند مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه این نقصان را جبران نمود و به شناخت نسبی از ویژگی‌های جسمی، روانی، فرهنگی و اقتصادی آن‌ها دست یافت آن‌گاه بر مبنای همین شناخت نسبت به طراحی و اجرای سکونت‌گاه متناسب با آن‌ها اقدام نمود. با این تعریف چنین طراحی‌هایی محصول تعامل و مشارکت جمعی ذینفعان است و اطلاق طراحی مسکن جمعی یا مشارکتی و یا تعاملی بدین سبب بر آن‌ها انجام می‌شود.

۲- پرسش‌های پژوهش

- استفاده از نظرات استفاده کنندگان (مردم) و مشارکت آن‌ها در فرآیند طراحی مسکن چه تاثیری در ارتقاء کیفیت مسکن و رضایمندی ساکنین دارد؟
- از چه راه‌هایی می‌توان استفاده کنندگان از مسکن را وارد فرآیند طراحی کرد؟
- ارتباط بین طراح (معمار) و استفاده کننده (مردم) در این رویکرد چگونه است؟

۳- اهداف تحقیق

از آن‌جایی که مسکن باید پاسخگوی نیازهای اجتماعی و روانی استفاده کنندگان از آن باشد، در این پژوهش برآنیم اهمیت تبلور جنبه‌های حیات جمعی انسان‌ها در طراحی مسکن و تاثیر آن بر ارتقاء کیفیت مسکن و رضایتمندی ساکنین را بازگو کنیم. در گام بعد به دنبال ارتباط بین طراح (معمار) و استفاده کننده (مردم) در این فرآیند بوده و در انتها به دنبال راهکارهایی برای مشارکت استفاده کنندگان از مسکن در روند طراحی و مقایسه این روش‌ها می‌باشد. از آن‌جایی که در اکثر پژوهش‌ها و تحقیقاتی که توسط دیگر پژوهشگران صورت گرفته است، بیشتر به ضرورت و اهمیت استفاده از نظر، خواست‌ها و نیازهای استفاده‌کنندگان در روند طراحی مسکن اشاره شده و کمتر پژوهشی به ارتباط بین طراح و استفاده کننده در این فرآیند و راهکارهای مشارکت استفاده‌کنندگان پرداخته است.

۴- پیشینه موضوع

۴-۱- مشارکت

واژه‌ی مشارکت (بر وزن مفاعله) به معنای شرکت دو جانبه و متقابل افراد برای انجام امری است. در فرهنگ آکسفورد آن را کنش یا واقعیت شرکت داشتن و سهم داشتن معنی کرده‌اند. از نظر لغوی مشارکت به معنی شرکت کردن و انبازی کردن است (فرهنگ فارسی عمید، جلد ۳). یعنی شریک شدن یک فرد در سرمایه یا امور مربوط به یک فرد دیگر. مشارکت معادل اصطلاح انگلیسی "Participation" بوده و این واژه از ریشه "Part" به معنی قسمت، جزء و بخش گرفته شده و به معنی "سهم شدن در چیزی و یا گرفتن قسمتی از آن است." (ویسی و طلیسچی، ۱۳۹۴: ۶). مشارکت در ابعاد فرهنگی و اجتماعی تعاریف گوناگونی دارد که برای نمونه به مواردی اشاره می‌گردد.

الف) مشارکت ایجاد نوعی احساس همبستگی و تعلق و تلاش دسته جمعی میان افراد یک جامعه به منظور نیل به یک نظام عادلانه اجتماعی است. ب) مشارکت یعنی درگیر شدن ذهنی و عاطفی فرد در گروهی که او را برمی‌انگیزاند تا برای دستیابی به مقصود گروه و پذیرش مسئولیت حرکت کند. ج) مقصود از مشارکت دست در دست هم گذاشتن برای انجام کاری است. د) مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد برای دستیابی به

اهداف گروهی و همدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. (قاسمی برمی، علی؛ صادقی لواسانی، نادر، ۱۳۹۶: ۱) براساس این تعریف، درگیر شدن در طرح، یاری دادن و مسئولیت پذیری سه ویژگی مهم مشارکت می‌باشد. از دیدگاه اسلام مشارکت در سرنوشت فردی و جمعی نه تنها یک حق، بلکه یک وظیفه است. در این باب از دیدگاه قرآن و ائمه سفارشات زیادی شده است. مشورت و شورا از لغت (شارالعل) گرفته شده و به معنای بیرون آوردن عسل از کندو و به دست آوردن عسل ناب است. این لغت در اصطلاح به معنای به دست آوردن راه درست و متقن از طریق نظرخواهی با عقلا و خردمندان است. و آنجایی که حضرت علی(ع) می‌فرماید «کسی که با انسان‌های دیگر مشورت می‌کند، در عقل‌های آن‌ها شریک است.» و در جایی دیگر فرمودند «انسان همین که خود را در سطح مشورت قرار داد، از استبداد دور شده است.» (نهج البلاغه، قصص ۱۶۱) اهمیت و ارزش این مشارکت و مشورت در امر طراحی مسکن زمانی بالا می‌رود که طرف مقابل برای مشورت و مشارکت در طراحی، استفاده کننده‌ی از آن مسکن است که قرار است عمر خود را در این مسکن سپری کند و این که آیا در این مکان آرامشی به وی هدیه می‌شود یا خیر جای سوال است از آنجا که پس از طراحی و اتمام ساخت، طراح و مجری از صحنه غایب می‌شوند.

طراحی کوششی برای ابداع راه حل‌ها قبل از اجرای آن‌هاست. در بیشتر موارد طراحی فرآیندی تحلیلی به حساب می‌آید، در حالی که به تجزیه تحلیل، ارزیابی و گزینش نیاز دارد. (لنگ، ۱۳۹۰: ۶۴) از وظایف طراحان مبتکر تشخیص تمایلات مردم - یا شکل دادن به تمایلات - و به وجود آوردن محیط‌هایی است که رفتارهای حاصل از آن تمایلات را تأمین کنند. (همان: ۱۱۹) برای مثال پله‌های جلوی ورودی یک پاساژ پاسخگوی نشستن هستند در صورتی که برای چنین عملکردی ساخته نشده‌اند بلکه پس از ساخته شدن چنین زمینه‌ای را فراهم آورده است. مشارکت به عنوان یک نظریه طراحی شامل دیدگاه‌هایی است که معتقدند متخصصان در حوزه‌ی طراحی، باید کاربران و دیگر افراد را نیز دخیل کنند. از این منظر متخصصان باید افراد را کمک کنند تا به خواست‌های اصلی و واقعی خود دست یابند. استفاده از خواست‌ها و نیازهای ساکنان در طراحی مسکن باعث رضایتمندی ساکنان می‌شود از آنجا که استفاده کنندگان از مسکن از متخصصانی که از بیرون به ماجرا می‌نگرند بیشتر واقف به نیازها و خواست‌های محیط خود هستند. اصطلاح مشارکت در طراحی عبارت است از دخالت موثر اعضای یک گروه یا جامعه (یا نمایندگان آن‌ها) در تمامی فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی که به کل گروه و جامعه مربوط می‌شود (اسلامی و کامل‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۲). از آنجا که استیل^۱ مشارکت را یک واژه کلیدی در دستور زبان برنامه ریزان میدانند. در مورد ارزش و اهمیت مشارکت استفاده کنندگان در طراحی مسکن تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است؛ از جمله اشاره حسن فتحی در کتاب «ساختمان سازی با مردم» که برای طراحی مسکن در دهکده گورنا^۲ مطابق با خواست‌ها و نیازهای ساکنانش مثال کفاش را به کار برده است. «کفاش، کفش را با پای مشتری خود تطبیق می‌دهد و افزون بر آن می‌تواند به سان چکمه‌دوز ارتش، کفش‌هایی را به اندازه‌های استاندارد بدوزد و مشتری را آزاد بگذارد تا پای خود را با آن‌ها تطبیق دهد. من هم در گورنا جامعه‌ای زنده با تمام پیچیدگی‌هایش داشتم و می‌توانستم آن را در چند اقامتگاه استاندارد انباشته کنم و همانند جوانی که می‌بایست خود را با چکمه‌اش تطبیق دهد، وادار به تحمل فشارها و تاول‌ها نمایم، یا اینکه اندازه‌اش را بگیرم و روستایی بسازم که خود را با تمام ناهماهنگی‌ها و خصوصیت‌های جزئی سازگار نماید، انگار که حلزونی را از صدفش خارج کنند تا آن را در صدف دیگری جای دهند.» (فتحی، ۱۳۸۲: ۱۰۰)

۴-۲- تاریخچه مشارکت در روند طراحی

در دهه ۱۹۵۰م، شروع تلاش‌های متخصصان برنامه‌ریزی و معماری برای بهبود کیفی محیط‌های زندگی افراد فقیر و طرح‌های خویش‌فرما در کشورهای در حال توسعه یا ناحیه‌های کم درآمد شهرهای توسعه یافته صورت پذیرفته، در همین دوره حسن فتحی در طرح دهکده گورنا، سعی کرد تا با استفاده از گروه‌های خویش‌فرما بر اساس نظرات ساکنان، محیط زندگی آن‌ها را طراحی و به وجود آورد. در دهه ۱۹۶۰م جنبش‌های حقوق شهروندی، زمینه ساز توجه به نقش کاربران در فرآیند طراحی پروژه‌های طراحی و برنامه‌ریزی شد. در همین دهه دیویدوف^۳ با انتقاد از وضعیت طراحی مناطق شهری، از برنامه‌ریزان و

طراحان خواست تا به عنوان یک وکیل مدافع از حقوق ساکنان دفاع کنند. در دهه ۱۹۷۰م بلک‌رود^۴ به عنوان اولین پروژه‌ی معماری جمعی با استفاده از روش خویش‌فرما و دخیل کردن ساکنان در پروژه به اتمام رسید.

در دهه ۱۹۸۰م کتاب «حوزه‌ی معماری اجتماعی» توسط ریچارد هچ^۵ منتشر شد که در آن نمونه‌های کاربردی گوناگونی را در رویکردهای مختلف معماری جمعی معرفی کرد. همچنین کتاب «معماری جمعی: چگونه مردم محیط خود را به وجود می‌آورند» توسط نیک واتز^۶ و چالز نویت^۷ منتشر شد و برای اولین بار به نمونه‌های این معماری اشاره کردند. در همین دهه رالف ارسکین^۸ اولین معمار جمعی بود که در سال ۱۹۸۷م توانست مدال طلای معماری را به خود اختصاص دهد. در سال ۱۹۹۵م کتاب «ساختن دموکراسی: معماری جمعی در مراکز شهرها» که توجه به مسئله طراحی جمعی در تجدید حیات جمعی را عنوان می‌کند توسط گراهام تاووز^۹ منتشر شد. در سال ۲۰۰۰م کتاب «روش‌های مشارکت جمعی در برنامه‌ریزی و طراحی» که یکی از مهم‌ترین منابع در حوزه‌ی روش‌های مشارکتی در تجارب مشارکتی است توسط هنری سانوف^{۱۰} منتشر شد. در سال ۲۰۰۴م پروژه شهر دوستدار کودک (بم-ایران) پس از زلزله، تعریف و با استفاده از گروه‌های کاری کودکان، به صورت جمعی پیگیری شد. این طرح به دلیل عدم تداوم در تمامی مراحل، نتوانست به خواست‌های مورد نظر دست پیدا کند؛ اما به عنوان یکی از نظام‌مندترین نمونه‌های رویکرد جمعی طراحی در ایران، از اهمیت خاصی برخوردار است. کرافتون^{۱۱} در کتاب «برنامه‌ریزی اجتماعی پایدار و توسعه ابزار و روش مشارکت» که در سال ۲۰۰۱م برای بخش تحقیقاتی مسکن کانادا به رشته‌ی تحریر درآورده، کتاب را با جمله‌ی "None of us is as smart as of us" (هیچ کدام از ما، به اندازه‌ی ما هوشمند نیستند) که در آن به ارزش مشارکت اشاره کرده، شروع کرده است. او برای همه‌ی پروژه‌های مشارکتی چند فاکتور زیر را ضروری دانسته است. ارتباطات موثر، تجسم، ملاحظات خاص، ابزارهای مبتنی بر کامپیوتر، اینترنت، اهمیت برنامه‌ریزی پایدار جامعه، چشم انداز، تصدیق ساختن، مشاوران و تهسلیل‌کنندگان و جلسات و رویدادهای زیست محیطی. همچنین برای ارتباطات موثر در پروژه‌های مشارکتی عوامل زیر را (که از دستورالعمل‌های برنامه ۲۰۰۰ مشارکت عمومی شهر ونکوور شمالی اقتباس شده) پیشنهاد می‌کند. (Crofton, 2001: 32) ارتباطات را بیشتر در اوایل کار برقرار کنید، ارتباط و آموزش را در مشارکت عمومی ادغام کنید، مردم را در مورد عموم آگاه سازید، خودتان در برنامه درگیر شوید، اجازه دهید مردم بدانند که دیگران چه می‌گویند و

در ۲۸ و ۲۹ نوامبر ۲۰۱۲م در کنفرانس بین‌المللی «چالش‌های توسعه مشارکتی در تمرین توسعه معاصر» که در دانشگاه ملی استرالیا برگزار شد، مقالاتی با موضوعات مشارکت در طراحی ارائه شده که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. رابرت چمبرز^{۱۲} در مقاله‌ی «مشارکت برای توسعه: زمان خوبی برای زنده بودن است»، مشارکت را اینگونه بیان می‌کند، من مشارکت را تعریف نمی‌کنم بلکه فقط می‌گویم مشارکت پیامدهایی برای قدرت ارتباطات، تعاملات شخصی، نگرش‌ها و رفتارها دارد و این مشارکت می‌تواند تقریباً در تمام زمینه‌ها و فرآیندهای اجتماعی در سازمان‌ها، جوامع، آموزش و پرورش و خانواده تأثیرگذار باشد. (Robert chambers, 2012:1) یوت سلیم^{۱۳} در مقاله‌ی «فرصت‌ها و چالش‌های مشارکت»، اعتقاد دارد رویکردهای مشارکتی بر مردم محلی در مراحل مختلف سیاست‌گذاری و برنامه‌پایه سازی تأکید دارد. مردم محلی وقتی شرکت می‌کنند، آن‌ها به عنوان عواملی برای تغییر با توانایی برای تبدیل قدرت و روابط اجتماعی از طریق عادت خودشان در نظر گرفته شده‌اند. (Yvette selim, 2012: 1)

دیویس^{۱۴} و همکارانش در «کتاب ابزار مشارکت برای برنامه‌ریزی بهتر جامعه» که در نوامبر ۲۰۱۳ (که برای کمیسیون دولتی محلی کالیفرنیا آماده شده بود) اعتقاد دارد به خوبی درک می‌شود که مشارکت عمومی، سنگ بنایی است از جامعه‌ی دموکراتیک و این برای آوردن اعضای جامعه در روند برنامه‌ریزی محلی بسیار مهم و ارزشمند است؛ زیرا تصمیمات حاصل شده اغلب مستقیم و قابل لمس است و تأثیر بر زندگی روزمره‌ی آن‌ها می‌گذارد. (Dave Davis, 2013:2) هفمن^{۱۵} در کتاب «معماری برای مشارکت» که در سال ۲۰۱۴م در برلین منتشر شده، اعتقاد دارد معماران می‌توانند از طریق شناسایی محیط در فرآیند طراحی، با تعریف شرایط موجود در مکان‌ها و فضاهایی که برای آن‌ها طراحی می‌کنند و با در نظر داشتن تغییرات شرایط حاکم که آن‌ها در برنامه‌هایشان برنامه‌ریزی می‌کنند آگاه باشند. شرایط محیط می‌تواند فرموله شده و بر اساس آن

طراحی شود. ما توانستیم روش های مختلفی را در فرآیندهای طراحی مشارکتی مختلف، در سطوح گوناگون ارتباطات، از متن و تصاویر خالص و محیط های ملموس محیطی استفاده و تجدید نظر کنیم. تجربه فضایی فقط در فضاهای فیزیکی یا معماری رخ نمی دهد؛ آن را نیز می توان در تخیل ما با کمک کلمات، تصاویر، موسیقی، مدل ها، و امان های فضایی ایجاد کرد. این برای کار معماران ضروری است، که می تواند از توانایی طراحی و شرایط محیطی استفاده کند. اما آن ها تنها کسانی نیستند که دارای این نوع تخیل هستند یا قادر به توسعه آن هستند. در این راستا، آن ها به جلو فکر می کنند؛ آنها برای استفاده از فضاها "پیشگیرنده ها"^{۱۴} هستند. در عوض کاربر، که نه تنها باید مالکیت محصول را داشته باشد، بلکه همپوشانی و شناسایی با آن ها است. به گفته والتر بنیامین، "ساختمان ها به صورت دوگانه به کار گرفته می شوند: استفاده و درک - یا به وسیله لمس و چشم انداز". (Hofmann, 2014: 40)

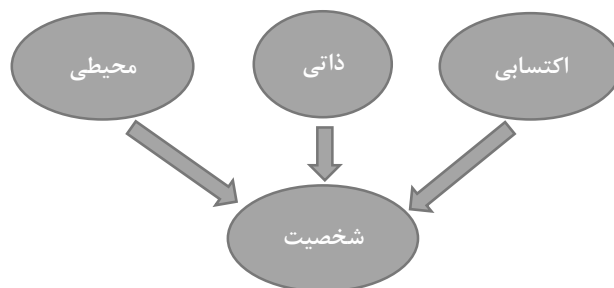
جدول ۱ - نمونه ای از مراجع در مورد رویکرد معماری جمعی (منبع: نگارندگان)

تاریخ	نام کتاب	نویسنده (گان)	نتایج و یافته ها
۱۹۸۴م	حوزه معماری اجتماعی	ریچارد هچ	نمونه های کاربردی گوناگونی را در رویکردهای مختلف معماری جمعی معرفی کرده است.
۱۹۸۷م	معماری جمعی: چگونه مردم محیط خودشان را به وجود می آورند.	نیک واتر و چالز نویت	برای اولین بار و به طور دقیق و مستند به نمونه های معماری جمعی اشاره کرده است.
۱۹۹۵م	ساختن دموکراسی: معماری جمعی در مراکز شهرها	گراهام تاورز	توجه به مسئله طراحی جمعی در تجدید حیات جمعی را عنوان می کند.
۲۰۰۰م	روش های مشارکت جمعی در برنامه ریزی و طراحی	هنری سانوف	به روش های جدید مشارکتی در ساخت محیط با استفاده از کاربران پرداخت.
۲۰۰۱م	مدرنیته و اجتماع: معماری در جهان اسلام	فرامپتون ^{۱۷} ، چالز کوره ^{۱۸} و رابسون ^{۱۹}	اشاره به نمونه هایی از معماری جمعی با توجه به ویژگی احساس جمعی
۲۰۰۱م	ابزار و روش های مشارکت در برنامه ریزی توسعه پایدار جامعه	کرافتون	بر مشارکت در زمینه برنامه ریزی پایدار جامعه تمرکز دارد و شامل توجه ویژه به اصول مشارکت کلیدی، سطح مشارکت و مسائل و مزایای مشارکت چند مشارکت کننده در برنامه ریزی پایدار جامعه می باشد.
۲۰۰۵م	معماری و مشارکت	پیتر بلوندل جونز ^{۲۰}	این کتاب مجموعه ای از مقالات ارائه شده در سمیناری است در دانشگاه شفیلد با موضوع مشارکت در سال ۲۰۰۲م.
۲۰۱۳م	ابزار مشارکت برای برنامه ریزی جامعه بهتر	دیویس و همکاران	ابزار مشارکت برای برنامه ریزی جامعه بهتر ارائه یک مرور کلی از ابزارهای مشارکت عمومی است که می تواند به برنامه های جوامع برای استفاده از زمین جهت ارتقای سلامت کمک کند.

۴-۳- مشارکت در طراحی و شناخت نیازهای استفاده کنندگان

مشارکت در جامعه و همکاری، نقش مهمی در ایجاد و توسعه جوامع ما ایفا می کند. به گفته وینستون چرچیل «ما ساختمان هایمان را شکل می دهیم، سپس آن ها ما را شکل می دهند.» (Dave Davis, 2013: 1) از این جمله می توان دریافت که ساختمان ها بر روی استفاده کننده ای از آن ها تاثیرگذار است و اگر ساختمان ها بر اساس خواست ها و نیازهای آن ها طراحی و اجرا گردد می تواند تاثیرات مثبت بر روی رفتار آن ها داشته باشد. هدف در این جا تبدیل این جمله (که اکثر طراحان و برنامه ریزان آن را به زبان می آورند) «ما آن را تشخیص می دهیم و برای شما انجام می دهیم.» به جمله ای «ما با هم کار می کنیم و با هم یاد می گیریم.» (Crofton, 2001: 1) برای یافتن راه حل های خلاقانه و دستیابی به نتایج سودمند و دوجانبه می باشد.

سبک زندگی انسان‌ها که متأثر از عوامل شخصیتی آن‌ها می‌باشد به نوبه خود از عوامل سه‌گانه ذاتی (ژنتیک)، محیطی (اقلیم) و اکتسابی تأثیر می‌پذیرد. عوامل ذاتی کلاً به آن دسته از فاکتورهایی اطلاق می‌گردد که با تولد انسان با وی همراه می‌باشد و به صورت ویژگی‌های ژنتیکی در انسان‌ها رخ می‌نماید. عوامل محیطی هم اشاره به فاکتورهایی دارد که به زیست بوم انسان‌ها و به طور خاص شرایط اقلیمی ناظر است و شاید مهمترین آن عوامل اکتسابی است که مجموعه‌ای گسترده از عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و را شامل می‌شود. این عوامل طی فرآیند آموزش غیر رسمی توسط خانواده و گروه دوستان و آموزش رسمی توسط نهادهای آموزشی به انسان‌ها آموزش داده می‌شود که می‌توان فرآیند اجتماعی شدن یا جامعه پذیر بودن را به آن اطلاق نمود. این مجموعه عوامل به عنوان شکل دهنده شخصیت انسان‌ها در نظر گرفته می‌شود که خود پایه‌گذار سبک زندگی می‌باشد.



نمودار ۱- عوامل اصلی تأثیرگذار بر شخصیت (منبع: نگارندگان)

ویژگی‌های بومی از عوامل اساسی تأثیرگذار بر فرهنگ مردم است. ساختار شخصیت و فرهنگ متأثر از ویژگی‌های وراثتی و آموزه‌های اکتسابی است که در فرآیند جامعه‌پذیری انتقال می‌یابد؛ این آموزه‌ها فرهنگی است و همانطور که گفته شد ویژگی‌های بوم شناختی رابطه مستقیم با فرهنگ دارد. (عطایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴) در مورد طراحی مسکن در مناطق مختلف به طور مثال طراحی در مناطق حاشیه کویر و یا طراحی در شهرهای حاشیه دریا، مسائل اقلیمی مورد اهمیت هستند و به طور قطع در طراحی تأثیرگذار می‌باشد، اما آن چیزی که بیشتر مدنظر می‌باشد تفاوت در فرهنگ، رفتار، کردار و به تبع آن خواست‌ها و نیازهای مردم آن مناطق است که باعث تفاوت در معماری این مناطق می‌شود.

تأثیر اقلیم و شرایط آب و هوایی بر طراحی مسکن بر کسی پوشیده نیست و انسان‌ها از ابتدا در خلقت آموخته‌اند با بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی که طبیعت در اختیار آن‌ها قرار داده است و با مدنظر قرار دادن فرصت‌ها و تهدیداتی که شرایط طبیعی و اقلیمی برای آن‌ها فراهم آورده است مسکن مناسب جهت زیست در این محیط‌ها را طراحی نمایند. اما آن‌چه شاید بیشتر از عامل فوق در طراحی‌ها می‌تواند موثر واقع شود، ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، روانی و حتی سیاسی و اقتصادی انسان هاست. این ویژگی‌ها هرچند هم می‌تواند به طور مستقل بر الگو آفرینی در طراحی مسکن نقش آفرینی نماید و هم به عنوان متغیر وابسته باشد، هرچند در ابتدا طراحان از شرایط اقلیمی به عنوان متغیر مستقل استفاده می‌کنند و بر اساس آن ویژگی‌های طراحی مسکن را رقم می‌زنند. برای تشریح و توضیح این مطلب می‌توان ویژگی فرهنگی-روانی افراد ساکن در اقلیم کویری و خشک را با ساکنان مناطق جلگه‌ای و مجاورت دریا مقایسه نمود. ساکنین مناطق خشک و کویری به علت این‌که شرایط ادامه حیات خود از جمله آب و غذا را با تقبل مشکلات عدیده‌ای گرد می‌آورند. مثلاً با حفر چاه و قنات آب را از ده‌ها و در مواردی از صدها متر زیر زمین تأمین می‌نمایند و یا این‌که با توجه به کم‌آبی و بستر نامناسب خاک، به دست آوردن مواد غذایی برای آن‌ها بسیار مشکل و طاقت‌فرسا است و این مشکلات را طی سنت با گوشت و پوست خود درک نموده‌اند، لذا در حفظ و حراست دستاوردهای خود نهایت کوشش و تلاش را به کار می‌گیرند و همچنین آن‌ها بی‌نهایت صرفه‌جو و اصطلاحاً مصرف‌خوب و به قاعده را مدنظر قرار می‌دهند. از این‌رو اهالی این اقلیم ویژگی مقتصد و صرفه‌جو بودن را به عنوان یک ویژگی فرهنگی-اخلاقی خود از نحوه زندگی در این گونه اقلیم‌ها نشأت می‌گیرد را دارند. در نقطه مقابل ساکنین مناطق جلگه‌ای و ساحلی که به وفور از

نعمت‌های گوناگون از جمله آب و مواد غذایی برخوردارند و اصطلاحاً جهت به دست آوردن آن‌ها تلاش و کوشش چندانی نمی‌نمایند، به عنوان یک ویژگی فرهنگی-اخلاقی هم سخت کوشی کویرنشینان را ندارند و هم در مصرف نعمت‌ها دقت نظر و دیدگاه اقتصادی و صرفه‌جویانه آن‌ها را به کار نخواهند بست. از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت علی‌رغم تاثیر اقلیم و شرایط اقلیمی در طراحی مسکن، آن‌چه بیشتر در این عرصه نمود خواهد داشت ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و روانشناسی انسان‌ها و به طریقی دیگر ویژگی‌هایی که علاوه بر جنبه‌های غریزی و ژنتیکی ریشه در زندگی اجتماعی آن‌ها دارد. چه این ویژگی‌ها مستقل از شرایط اقلیمی در وجود آن‌ها شکل گرفته باشند، چه این‌که تحت تاثیر شرایط اقلیمی به عنوان متغیر وابسته در این عرصه نقش آفرینی نمایند.



نمودار ۲- تاثیر شرایط اقلیمی بر فرهنگ و تفاوت در خواست‌ها و نیازهای مردم (منبع: نگارندگان)

۵- طراح و ارتباط آن با طرح و جامعه

وضعیت‌های سه‌گانه‌ای که در جریان ارتباط معمار و کارفرما می‌توان تصور کرد، عبارت‌اند از:

الف) معمار فعال - کارفرما منفعل، در این حالت معمار بدون لحاظ کردن دیدگاه و نقطه نظرات کارفرما راساً نسبت به طراحی واحدهای مسکونی بر اساس محتوای ذهنی و تخصصی خود اقدام می‌نماید و اساساً دیدگاه کارفرما را در آن دخیل نمی‌نماید و از این‌رو در مقابل فعال بودن معمار، کارفرما منفعل است و تمامی اختیار به دست معمار سپرده می‌شود. برآیند چنین طراحی به ندرت مورد رضایت کارفرما قرار می‌گیرد ولی با توجه به انجام کار بالاجبار به آنچه پیش آمده رضایت خواهد داد هرچند در مواردی بعدها اصلاحات و تغییراتی اعمال خواهند نمود.

ب) کارفرما فعال - معمار منفعل، این وضعیت دقیقاً عکس وضعیت الف می‌باشد؛ توضیح این‌که در این وضعیت معمار تنها به جهت داشتن تخصص طراحی و آشنایی با نرم‌افزارهای مربوطه و در مواردی به جهت الزامات قانونی توسط کارفرما جهت طراحی به خدمت گرفته می‌شود؛ اما موظف است در چهارچوب تعیین شده و براساس پیش طرح‌های کارفرما کار طراحی را به انجام برساند. در این روش آن‌چه مدنظر است خواست و اراده‌ی کارفرما است و معمار منفعلانه ایده‌های وی را در قالب طراحی می‌ریزد و معمار تنها در این وضعیت مغایرت‌های احتمالی پیش طرح کارفرما یا مقررات و ضوابط شهرسازی را گوش‌زد کرده و ایده‌های اصلاحی به منظور رفع آن ارائه می‌دهد. ولی این مهم آن است که ایده‌های اصلاحی معمار نیز به شرطی جنبه‌ی اجرایی خواهند یافت که توافق کارفرما را کسب نماید. در این وضعیت معمار منفعل و کارفرما کاملاً فعال است.

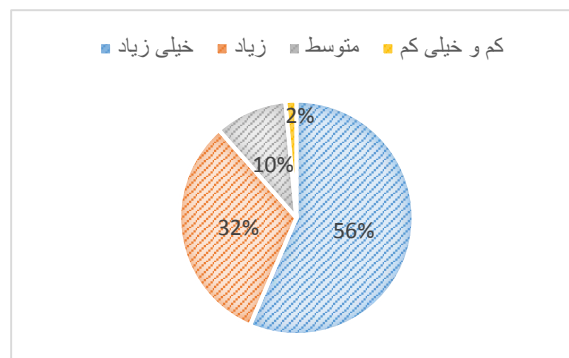
ج) معمار فعال - کارفرما فعال، این وضعیت، وضعیت ایده‌آل و مطلوبی است که برآیند و خروجی آن هم حاوی نقطه نظرات کارفرما و هم دربرگیرنده الزامات قانونی و ضوابط طراحی است. درواقع این وضعیت یک فرآیند تعامل گونه است که دو طرف آن فعال‌اند، به نوعی بازی برد-برد. درواقع کارفرما نقطه نظرات و خواست خود را در طراحی مکان اعم از جانمایی، طراحی بیرونی و درونی با معمار درمیان می‌گذارد، آن‌گاه معمار این خواست‌ها را با ضوابط و مقررات قانونی و طراحی مورد ارزیابی قرار داده و چنان‌چه مغایرت‌هایی مشخص گردد با دعوت از کارفرما و طرح موضوع، مغایرت‌ها به ارائه راه‌حل و مکانیزم‌های اصلاحی می‌پردازد. آن‌گاه از کارفرما می‌خواهد با این راهکارها و مکانیزم‌های ارائه شده تا حدودی خواست خود را تعدیل تا مغایرت‌ها رفع گردد. بدیهی است طراحی آن‌گاه نهایی خواهد شد که در یک فرآیند تعاملی اشکالات و مغایرت‌ها با همکاری طرفین مرتفع و طرح با نیازهای کارفرما از یک طرف و الزامات فنی تخصصی از طرف دیگر منطبق گردد. در این روش هیچ کدام از طرفین منفعل نیستند، بلکه هر دو فعالانه در فرآیند طراحی ایفای نقش نموده تا برآیند با علایق و خواست طرفین و الزامات قانونی سازگار گردد. از این‌رو کارفرما از چگونگی انجام کار و خروجی آن رضایت دارد، چون مبتنی بر خواست خودش بوده، همچنین معمار نیز از آن جهت که کلیه ظرایف و الزامات تخصصی - قانونی در فرآیند طراحی لحاظ شده است خوشنود می‌باشد. به همین دلیل این وضعیت که همان معماری جمعی یا تعاملی است را فرآیندی برد-برد می‌نامیم.

۶- روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر شامل مراحل جمع‌آوری اطلاعات، تهیه ابزار تحقیق، دسته‌بندی داده‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس شیوه پیمایشی است. در این تحقیق به منظور بررسی جایگاه مشارکت استفاده‌کنندگان در فرآیند طراحی مسکن و رابطه بین طراح و استفاده‌کننده در این فرآیند و شناخت راهکارهایی به منظور مشارکت استفاده‌کنندگان در فرآیند طراحی، پس از مطالعات نظری منابع و بررسی و تحلیل نتایج صورت گرفته، به وسیله پرسشنامه‌ای متشکل از ده سوال بسته و یک سوال باز که از پاسخگویان خواسته شده مقدار مشارکت در طراحی خانه خود و میزان رضایت خود را ابراز کنند. سپس از طریق نتایج سوالات و ضریب همبستگی بین سوالات (که عددی است بین ۱- تا ۱+ که هرچه به ۱+ نزدیکتر شود میزان بالای همبستگی مستقیم بین سوالات را نشان می‌دهد) مقدار همبستگی بین سوال میزان مشارکت و رضایت در طراحی مسکن را بازگو می‌کند. و در انتها از طریق یک سوال باز از پاسخگویان خواسته شده نظر خود را در مورد روش‌های مشارکت استفاده‌کنندگان از مسکن در طراحی آن ارائه کنند. جامعه آماری در این تحقیق به تعداد ۱۵۰ نفر که به صورت رندوم از افراد مختلف در شهرهای اصفهان، باغبادران، شهرکرد، یاسوج و یزد انتخاب شده است.

۷- تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش به منظور پاسخگویی به سوالات مطرح شده در خصوص تاثیر مشارکت و راهکارهای آن در روند طراحی مسکن از پاسخگویان خواسته شد نظرات خود را در مورد مشارکت طراح و استفاده‌کننده از مسکن در فرآیند طراحی و ساخت آن مطرح کنند. بر اساس استخراج نتیجه کار اکثریت قابل ملاحظه‌ای از پاسخگویان صرف نظر از این که محل سکونت خود را ساخته خریده‌اند و یا خود در فرآیند ساخت آن دخالت داشته‌اند، موافق مشارکت و دخالت نظر استفاده‌کنندگان از محل سکونت در فرآیند طراحی و ساخت آن می‌باشند. به گونه‌ای که ۵۶٫۵ درصد آن‌ها بر این مسئله خیلی زیاد علاقه‌مندند و ۳۲ درصد دیگر گزینه زیاد و ۱۰ درصد دیگر متوسط و تنها ۱٫۵ درصد تمایل به مشارکت در فرآیند طراحی و ساخت از محل سکونت خود نداشته‌اند.



نمودار ۳- دیدگاه مردم نسبت به مشارکت در فرآیند طراحی و ساخت مسکن (منبع: نگارندگان)

نکته جالب توجه دیگر اینکه رابطه مستقیم بین میزان رضایت از محل سکونت و علاقه‌مندی بر مشارکت در طراحی و ساخت آن وجود دارد. به بیان دیگر کسانی که علاقه‌مند به مشارکت بوده و مخصوصاً آن‌ها که در جریان ساخت منزل خود راسا مشارکت نموده‌اند، از رضایتمندی بیشتری از محل سکونت خود نسبت به کسانی که به این مشارکت علاقه‌مندی جدی نشان نداده‌اند، محاسبه ضریب همبستگی بین دو متغیر میزان مشارکت در طراحی و ساخت محل سکونت و میزان رضایت از آن عدد ۰٫۷۶ می‌باشد که حاکی از رابطه مستقیم قابل ملاحظه بین این دو متغیر می‌باشد.

نتایج به دست آمده از تنها سوال باز پرسشنامه که اشاره به نحوه مشارکت صاحبان مساکن در فرآیند طراحی و ساخت منازل آن‌ها دارد نیز دلالت بر این امر دارد که اکثریت قریب به اتفاق پاسخگویان به ضرورت این مشارکت و تعامل بین معمار و

کارفرما عمیقاً باور دارند؛ اما در خصوص نحوه مشارکت آن‌ها نیز اعتقاد آن‌ها بر این است که باید متناسب با ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی و شاخص‌های جمعیت شناختی آن‌ها مدل مشارکت تعریف گردد.

امروزه با توجه به این‌که بر خلاف روش‌های سنتی در فرآیندهای تصمیم‌گیری تنها مردان خانواده تصمیم نمی‌گیرند، بلکه تصمیم برآیند حاصل نظرات اعضای خانواده است و حتی کودکان و نوجوانان نیز به نوبه خود در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت فعال دارند، لذا در بهره‌گیری از نظرات آن‌ها جهت تعامل در امر طراحی و اجرا مسکن باید متناسب با عواملی همچون میزان سواد، سن، جنسیت و خاستگاه فرهنگی اجتماعی آن‌ها از مناسب‌ترین و کارآمدترین ابزارها جهت مشارکت بهره‌جست. به طور مثال ابزار پرسشنامه جهت جمعیت آماری باسواد، مصاحبه و مشاهده جهت جمعیت آماری بی‌سواد یا کم سواد و یا ابزار نقاشی و تمام کردن تصاویر ناتمام در کنار مصاحبه جهت بهره‌گیری از نظرات کودکان توصیه می‌گردد.

۸- جمع‌بندی

استفاده از نظرات و پیشنهادات استفاده‌کنندگان در روند طراحی مسکن و مشارکت آن‌ها در فرآیند طراحی با استفاده از ابزارهای متفاوتی ممکن است تا از طریق آن اطلاعات مورد نیاز آن‌ها کسب گردد و رابطه‌ی بین متخصص و کاربر را تبیین کرده. از مهمترین ویژگی‌های پروژه‌های مشارکتی توجه به ابزارهای مشارکتی به عنوان واسطه‌ای میان کاربران و متخصصان است که برای ارتباط ایده‌ها و عقاید کاربران از ابزارهای مختلف مشارکتی استفاده می‌کنند. شناخت این ابزارها و استفاده درست از آن‌ها از عوامل تاثیرگذار در موفقیت یک فرآیند مشارکتی است. ابزارهای مشارکتی عمومی شامل جلسات چهره به چهره، کارگاه‌ها، کارهای محله‌ای و سیستم‌های مشارکتی مجازی مبتنی بر وب است. آن‌ها را می‌توان در تعدادی از تنظیمات، ترکیب‌ها و فرمت‌ها اعمال کرد. چگونگی انتخاب ابزارها به چندین عامل از جمله اندازه و پیچیدگی منطقه جغرافیایی بستگی دارد. (Dave Davis, 2013: 12) همچنین ممکن است با ارائه بازخورد، شرکت در کارگاه‌های تخصصی و برنامه‌ریزی رویدادها و کمیته‌های مشورتی به فعالیت‌هایی که شامل مشارکت است. (Crofton, 2001: 15).

ابزارها و روش‌های گوناگون و مختلفی برای مشارکت وجود دارد ابزارهایی همچون مصاحبه، مشاهده، تورهای بازدید، نمودارها، عکس و فیلم‌برداری، دیاگرام، نقاشی و طراحی، تحلیل پلان رفتاری، ماکت و شبیه‌سازی، نقش بازی کردن و نمایش، تصور کردن، قصه‌گویی، سناریو، بازی و بسیاری دیگر از روش‌ها مثل ابزارهای نوین در گرفتن اطلاعات از محیط (اسلامی و کامل‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۲۲)، اما نکته حائز اهمیت در این‌جا این است که استفاده یکسان از همه این روش‌ها برای همه جامعه‌ی آماری نمی‌تواند مناسب باشد. به طور مثال زمانی که از روش مصاحبه تخصصی و پرسشنامه‌ها برای مشارکت استفاده‌کنندگان و شناخت نیازها و خواست‌های آن‌ها سخن به میان می‌آوریم، به طور قطع این روش برای جامعه‌ی باسوادان و بزرگسالان که توانایی درک و فهم سوالات را دارند می‌تواند مفید واقع شود. اما برای جامعه آماری خردسالان و کودکان که احساسات در تصمیم‌گیری و انتخاب آن‌ها تاثیر گذار است، می‌توان از روش‌هایی همچون نقاشی آن‌ها حالتی که دوست دارند و یا قرار دادن آن‌ها در یک موقعیت توسط یک داستان و قصه، به خواست‌ها و نیازهای آن‌ها دست یافت. تمامی این روش‌ها ابزارهایی هستند که استفاده‌کنندگان از مسکن را وارد فرآیند طراحی می‌کند و باعث شناخت نیازها و خواست‌های آن‌ها و متعاقباً منجر به طراحی مبتنی بر خواست‌ها و نیازهای آن‌ها می‌شود و مشخصاً استفاده ابزارها و روش‌های متفاوت در افراد مختلف می‌تواند نتایج بهتر و قابل قبول داشته باشد. اما آن چیزی که در این‌جا مدنظر است آن است که تمامی این اتفاق‌ها زمانی رخ می‌دهد که طراح، آن جامعه‌ای که می‌خواهد در آن‌جا طراحی کند را بشناسد و بر رفتارها و کردارهای مردم آن محیط واقف باشد مبتنی بر حالات و روحیات آحاد آن جامعه، بهترین ابزار و روش‌ها را انتخاب کرده و به کار گیرد. مانند طراحی حسن فتحی در دهکده گورنا که این‌گونه بیان می‌کند. هر فرد در حرکات، افکار و واکنش‌های خود عاداتی دارد که آن را خصوصیات فردی می‌نامیم و به وسیله ی آن او را از دیگران متمایز می‌سازیم. هنگامی که جامعه‌ای را مورد توجه قرار می‌دهیم، مجموعه‌ای از خصوصیات فردی را می‌بینیم و مهم‌تر این‌که هر خصوصیت فردی را نتیجه خصوصیات افراد دیگر می‌یابیم. هر خصیصه‌ای تحت تاثیر بسیاری از خصایص محیط خود قرار دارد و طبق ضرورت‌های اقلیمی، شغلی و معیشتی توسعه می‌یابد. خصوصیت هر فرد اسرارآمیز و

ذهنی نیست، بلکه از مجموعه‌ای از جزئیات قابل لمس است. ساعتی که یک مرد از خواب برمی‌خیزد، صورت خود را می‌شوید، سلیقه‌اش در لباس پوشیدن، عادات گفتارش، افرادی که تحت فرمانش هستند و افرادی که بر او فرمان می‌رانند و از همه مهم‌تر خانه‌اش. خانه‌اش تجلیل از خویش و پایدارترین یادمانش در اندازه، شکل و شکوه با دیگر عناصر خصوصی‌اش مطابقت خواهد کرد. به یقین خانه با امکانات او سازگار خواهد شد و افزون بر آن همه خصایص اکتسابی و طبیعی‌اش را نیز دربر خواهد گرفت.

۹- نتیجه‌گیری

این تحقیق با سوال تاثیر مشارکت استفاده‌کنندگان در روند طراحی بر ارتقاء کیفیت مسکن و میزان رضایتمندی ساکنین آغاز و به دنبال یافتن پاسخی مناسب، با مطالعه و بررسی منابع و نتایج پژوهش‌های پیشین و همچنین از طریق نتایج به دست آمده از پرسشنامه مطرح شده که ۵۶٫۵ درصد از آن‌ها خیلی زیاد، ۳۲ درصد زیاد و ۱۰ درصد دیگر متوسط و تنها ۱٫۵ درصد آن‌ها تمایل به مشارکت در فرآیند طراحی و ساخت از خود نشان نداده‌اند و ضریب همبستگی ۰٫۷۶ حاکی از همبستگی مستقیم بین دو متغیر میزان رضایت از محل سکونت و علاقه‌مندی به مشارکت در طراحی و ساخت آن نشان از آن دارد که مسکن به عنوان محل سکونت و تسکین انسان‌های سرگشته و خسته‌ای که در فشارهای روزانه به غایت فرسوده شده‌اند، می‌تواند نقش حیاتی در بازیافت و شادابی آن‌ها داشته باشد و به طور قطع اگر این سکونت‌گاه با تاکید بر حالت جمعی انسان‌ها و خواست‌ها و نیازهای آن‌ها طراحی و اجرا گردد، در نیل به این مهم می‌تواند موثر واقع گردد. در پاسخ به سوال دوم و ارتباط میان طراح (معمار) و استفاده‌کننده (مردم) سه وضعیت را بیان می‌کند، الف) وضعیت کارفرما فعال-معمار منفعل، که در این وضعیت معمار تماماً مطیع دیدگاه‌ها و نقطه نظرات کارفرما است، ب) معمار فعال-کارفرما منفعل، در این وضعیت معمار بدون لحاظ کردن دیدگاه و نقطه نظرات کارفرما راساً نسبت به طراحی اقدام می‌کند، ج) معمار فعال-کارفرما فعال، این حالت که معرف وضعیت معماری جمعی و مشارکت استفاده‌کنندگان در فرآیند طراحی می‌باشد، درواقع این وضعیت یک فرآیند تعامل گونه است که دو طرف آن فعال‌اند و برآیند و خروجی آن هم حاوی نقطه نظرات کارفرما و هم دربرگیرنده الزامات قانونی و ضوابط طراحی است. در انتها در پاسخ به سوال راه‌های مشارکت استفاده‌کنندگان در این فرآیند باید اذعان داشت با توجه به نتایج به دست آمده از سوال مطرح شده در پرسشنامه در این خصوص که روش‌های فراوانی ازجمله مصاحبه، مشاهده، پرسشنامه، شبیه‌سازی و ماکت‌سازی، سناریو، نقاشی، قصه‌گویی و بسیاری دیگر از روش‌ها وجود دارد، اما نکته حائز اهمیت این است که استفاده یکسان از همه این روش‌ها برای همه جامعه آماری نمی‌تواند مفید واقع شود و مشخصاً استفاده ابزارها و روش‌های متفاوت در افراد مختلف می‌تواند نتایج بهتر و قابل قبول داشته باشد. اما آن چیزی که در این‌جا مدنظر است آن است که تمامی این اتفاق‌ها زمانی رخ می‌دهد که طراح، آن جامعه‌ای که می‌خواهد در آن‌جا طراحی کند را بشناسد و بر رفتارها و کردارهای مردم آن جامعه واقف باشد که مبتنی بر حالات و روحیات آن‌ها بهترین ابزار و روش‌ها را انتخاب کرده و به کار گیرد.

پی‌نوشت:

- | | |
|-------------------|--------------------------|
| 1. Brett Steele | 11. Fiona S. Crofton |
| 2. Gourna | 12. Robert Chambers |
| 3. Paul D. Davids | 13. Yvette Selim |
| 4. Black Road | 14. Dave Davis |
| 5. Hatch R | 15. Susanne Hofmann |
| 6. Wates N | 16. Pre-Sensors |
| 7. Knevit Ch | 17. Kenneth Frampton |
| 8. Ralph Erskine | 18. Charles Correa |
| 9. Towers G | 19. David Robson |
| 10. Sanoff H | 20. Peter Blundell Jones |

منابع

۱. نهج البلاغه، ترجمه استاد حسین انصاریان.
۲. فرهنگ فارسی عمید، چاپ ۱۳۹۳، تالیف حسن عمید، نشر موسسه انتشارات امیرکبیر.
۳. اسلامی، غلامرضا؛ کامل‌نیا، حامد (۱۳۹۳)، «معماری جمعی از نظریه تا عمل»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. اسلامی، سید غلامرضا؛ حناچی، پیروز؛ کامل‌نیا، حامد، (۱۳۸۸)، «رویکرد طراحی جمعی در معماری، تحلیل و بررسی تطبیقی معماری جمعی با معماری اجتماعی و معماری مشارکتی»، هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۳۹، صفحه ۴۷-۶۰.
۵. طوسی، محمدعلی (۱۳۸۰)، «مشارکت در مدیریت و مالکیت»، سازمان مدیریت در برنامه‌ریزی کشور، تهران.
۶. عطایی همدانی، محمدرضا؛ شالی امینی، وحید؛ حمزه‌نژاد، مهدی؛ نوروز برازجانی، ویدا، (۱۳۹۶)، «مصلح‌گزینی بر اساس سازگاری بومی-شخصیتی (درس آموخته‌هایی از معماری بومی ایران)»، مدیریت شهری، شماره ۵۰، صفحه ۳۵۱-۳۷۹.
۷. علی‌الحسابی، مهران؛ یوسف زمانی، مهرداد، (۱۳۸۹)، «فرآیند طراحی معماری، تعامل میان طراح و بهره‌بردار»، هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۴۳، صفحه ۳۱-۴۲.
۸. فتحی، حسن (۱۳۸۲)، ساختمان سازی با مردم، ترجمه: علی اشرفی (۱۳۸۲)، تهران، انتشارات دانشگاه هنر.
۹. قاسمی برمی، علی؛ صادقی لواسانی، نادر (۱۳۹۶)، «بررسی نقش روابط عمومی شهرداری تهران در افزایش مشارکت شهروندان، مورد مطالعه مناطق ۱۶ و ۱۷ شهرداری تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق.
۱۰. کامل‌نیا، حامد، (۱۳۹۲)، «چهارچوبی نوین برای تعامل معماری جمعی در طراحی مجموعه‌های مسکونی معاصر»، نقش جهان، سال سوم، شماره ۲، صفحه ۶۳-۷۳.
۱۱. کامل‌نیا، حامد؛ اسلامی، سید غلامرضا؛ حناچی، پیروز، (۱۳۸۹)، «تحلیل و ارزیابی معماری جمعی بر مبنای شاخصه‌های احساس جمعی»، هویت شهر، سال پنجم، شماره ۷، صفحه ۱۳۱-۱۴۰.
۱۲. لاوسون، برایان، (۱۹۸۰)، «طراحان چگونه می‌اندیشند»، ترجمه: حمید ندیمی (۱۳۸۴)، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. لنگ، جان (۱۹۳۸)، «آفرینش نظریه معماری نقش علوم رفتاری در طراحی محیط»، ترجمه: علیرضا عینی‌فر (۱۳۹۰)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
14. Dave Davis, Josh Meyer, Aatisha Singh, Molly Wright and Paul Zykovsky, (2013) **Participation Tools for Better Community Planning**. local government commission the california endowment.
15. Fiona S. Crofton, (2001) **Sustainable Community Planning and Development Participation Tools and Practices**. Canada, ORCAD Consulting Group Inc.
16. Hatch R., (1984) **The Scope of Social Architecture**. USA, VNR, Inc.
17. Susanne Hofmann, (2014) **Architecture is Participation**. DIE BAUPILOTEN—METHODS AND PROJECTS.
18. Sanoff H., (2000) **Community Participation Methods in Design and Planning**. New York, John Wiley & Sons, Inc.
19. Robert Chambers, (2013) **Participation for development: A good time to be alive**. Australian, International Conference Challenges for participatory development in contemporary development practice.
20. Towers G., (1995) **Building Democracy: Community Architecture in the Cities**. London, University College London Press.
21. Wates N., Knevit Ch., (1987) **Community Architecture: How people are creating own Environment**, UK, Penguin books Ltd.
22. Yvette Selim, (2013) **Opportunities and challenges of participation in transitional justice in Nepal**. Australian, International Conference Challenges for participatory development in contemporary development practice.

پیوست: نمونه پرسشنامه

پاسخگوی محترم ضمن تشکر از همکاری شما و تاکید بر اینکه پاسخ‌های شما محرمانه تلقی خواهد شد، خواهشمند است به سوالات زیر به دقت پاسخ دهید.

- محل سکونت شما استیجاری است یا در مالکیت شماست؟

استیجاری خود، مالک

- در صورتی که مالک منزل خود هستید، آیا این مسکن را خودتان ساخته‌اید یا ساخته خریدیده‌اید؟

خودم ساخته‌ام ساخته خریدم

- در صورتی که ساخته خریده‌اید، به چه میزان از کیفیت طراحی و ساخت آن رضایت دارید؟

خیلی زیاد زیاد متوسط کم خیلی کم

- در صورتی که منزل را خودتان ساخته‌اید، میزان مشارکت شما در طراحی و ساخت آن به چه میزان بوده است؟

خیلی زیاد زیاد متوسط کم خیلی کم

- آیا اساساً طراح ساختمان به هنگام طراحی، نقطه نظرات شما و خانواده را در طراحی آن دخالت داده است؟

خیلی زیاد زیاد متوسط کم خیلی کم

- در حال حاضر به چه میزان از طراحی و ساخت محل سکونت خود رضایت دارید؟

خیلی زیاد زیاد متوسط کم خیلی کم

- به نظر شما آیا ضرورتی دارد مالکین به هنگام طراحی و ساخت منزل در فرآیند آن با طراحان و مجریان همکاری نمایند؟

حتما باید مشارکت نمایند تا حدودی مشارکت نمایند ضرورتی ندارد

- در صورتی که پاسخ شما مثبت است، همکاری با طراحان و مجریان چگونه و به چه طریق باید باشد؟

قبل از طراحی، در حین طراحی و در حین اجرا فقط در اجرا فقط در طراحی و اجرا

- آیا ضرورت دارد مالکین علاوه بر مشارکت در ابتدای روند طراحی، در کل فرآیند ساخت نیز مشارکت فعال داشته باشد؟

حتما باید مشارکت نمایند تا حدودی مشارکت نمایند ضرورتی ندارد

- در صورتی که نظرات مالکین با ضوابط شهرسازی و طراحی مغایرت داشته باشد، طراحان چگونه باید با این مشکل برخورد نمایند؟

مالکین را نسبت به مقررات متوجه و در حد مقدور دخالت دهند

بی توجہ بہ مقررات، فقط بہ نظر مالکین توجہ کنند

- به طور کلی نظر شما در مورد مشارکت استفاده کنندگان (مردم) در فرآیند طراحی مسکن چیست؟ و از چه طریقی می‌توانند در این فرآیند مشارکت داشته باشند؟

روان بخشی (ادراک) فضاهای طبیعی در محیط انسان ساخت (آرامش بخشی فضاهای سبز طبیعی)^۱

آزیتا بلالی اسکویی^{۱*}، حدیثه زاده مهدی^۲

۱- استادیار دانشکده معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۲- دانشجوی ارشد معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز

Azita.oskui@gmail.com

چکیده

انسان موجودی طبیعی با نیازهای متنوع و اشتراکات بسیار با طبیعت است. ارتباط با طبیعت سبب آرامش روحی و جسمی فرد می‌شود. ولی قرارگیری در فضای مدرن، افزایش جمعیت و رشد شهرنشینی، سبب دوری محل زندگی فرد از طبیعت شده و شهرها را با کمبود فضای سبز روبرو نموده است که عواقب ناگواری را برای انسان مدرن بوجود آورده است. محیط طبیعی سبب بهبود کیفیت زندگی و آرامش بخشی روانی فرد می‌شود. از این رو در این مقاله که بر اساس روش توصیفی-تحلیلی تهیه گشته سعی بر آن شده است که ضمن بررسی نظریه‌ها در حوزه تعامل انسان و طبیعت و ادراکات روان شناسانه محیط‌های طبیعی، به شناخت و بررسی متغیرهای محیطی طبیعی که برای پاسخگویی به نیازهای روانی انسان تبیین گشته پرداخته شود. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که مؤلفه‌های محیط طبیعی همچون خوانایی، تناسبات و مقیاس، سلسله مراتب و ابعاد و اندازه فضاها، تداوم، عبور و مکث، توجه به عوامل فیزیکی همچون حذف آلودگی‌های صوتی، استفاده از نور روز در فضاهای داخلی، شکل و طراحی فضاهای داخلی و خارجی (ارتباط با فضای سبز بیرون)، رنگ دیوارها و اشیاء و... در خاصیت آرامش بخشی محیط مؤثر است. با توجه به جنبه‌های روان شناختی منظر و نظریه‌های ادراک محیط، عواملی واکنش فرد را به محیط تعیین می‌کند و سبب ترجیح محیط طبیعی توسط فرد می‌شوند. این معیارها عبارتند از: خوانایی، انسجام، پیچیدگی، رازگونی، شگفتی، همگونی، سازگاری با محیط، تنوع، جاودانگی و... که از لحاظ عینی و ذهنی مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژگان: طبیعت، فضای آرامش بخش، روان بخشی طبیعت، فضای سبز انسان ساخت

۱- مقدمه

اهمیت «کیفیت زندگی» در محیط‌های انسان ساخت از سوی بسیاری از نظریه پردازان معماری مورد توجه قرار گرفته است. گیدنز در رابطه با این موضوع بر اهمیت پرداختن به محیط‌های انسان ساخت و مذاقه در چگونگی رابطه آن با طبیعت تاکید می‌ورزد. وی نه تنها از این بابت که محیط‌های انسان ساخت، محیط «زندگی» روزمره را تشکیل می‌دهند، بلکه به این دلیل که این محیط‌ها بر چگونگی تشکیل فعالیت‌ها در محیط طبیعی، ادراک آن و نیز عمل در برابر آن موثرند نیز آنها را مورد بررسی قرار داده است و بر لزوم بازنگری چگونگی زندگی در این محیط‌ها مبادرت می‌ورزد. وی تاکید می‌نماید که یکی از پیامدهای نوسازی شهری از دست رفتن «حس زندگی» در میان «نظم طبیعی» است. وی شیوه زندگی امروزین را مورد انتقاد قرار داده و آن را مایه جدایی انسان و طبیعت دانسته است. (بری، ۱۳۸۰، ۱۲۴) این نkohش‌ها از جانب نظریه پردازان

۱- این مقاله برگرفته از بخشی از رساله کارشناسی ارشد نویسنده دوم «حدیثه زاده مهدی» با عنوان «طراحی فضای آرامش بخش در خانه با نگاهی به پارامترهای روان بخشی طبیعت» به راهنمایی خانم دکتر «آزیتا بلالی اسکویی» در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام گرفته است.

دیگری نیز مطرح گشته است. در این رابطه از آنجا که نمی توان محیط های انسان ساخت امروزی در مقیاس و شیوه غالب آن همچون شهرها را دگرگون نمود می توان بر اساس بازنگری در جنبه های مختلف تعامل انسان و طبیعت در محیط انسان ساخت چگونگی این رابطه را تبیین کرد. (دانشگرمقدم، ۱۳۹۰: ۲۶)

ارتباط با طبیعت، ضروری ترین نیاز فطری آدمی میباشد. انسان ذاتاً به طبیعت تمایل دارد و در کنار آن آرامش خاطر می یابد. (نیکبخت، ۱۳۸۳: ۷۹) محصول معماری بایستی جزئی از طبیعت باشد. نیاز به فضای دنج و آرام جهت ایجاد قابلیت بازیابی روح و روان انسان در فضاهای معماری به شدت احساس می شود. مناظر شهری و فضاهای داخلی آشفته و متراکم و فاقد عناصر طبیعی، افزایش اضطراب، کاهش تمرکز در ادراک و ایجاد اختلال در کارایی ذهنی انسان را سبب شده اند. تحقیقات نشان می دهد که طبیعت و فضای سبز می تواند بر کاهش فشار روانی و ارتقای سلامت روان موثر باشد. مهم ترین و ساده ترین راه برای تعدیل اثرات مخرب زیست محیطی، توسعه فضای سبز است. فضای سبز به دلیل داشتن عملکردهای مختلف، نقش موثری در منظر و زیبایی، پاکیزگی و تلطیف هوا، تخفیف اثرات آلودگی ها، جلوگیری در توسعه بی رویه ساخت وسازها و تفرج، استراحت و آرامش ذهنی ایفا میکند. آمارهای متعددی در سطح جهان ارائه میشوند که نشانگر این واقعیت هستند که وجود فضای سبز به ویژه در جوامع متراکم شهری افزون بر سلامت جسمانی موجب آرامش روح، بازده کاری و کیفیت بیشتر می شود.

طراحی محیط مصنوع باید به گونه ای باشد که به نحو مطلوب در روان انسان تأثیر بگذارد، به دلیل ارتباط مستقیم فضای زیستی با روح و روان انسان، طراحی درست و مطلوب می تواند تأثیرات مثبت و طراحی نامناسب اثرات مخرب داشته و حتی بی تفاوتی و بی معیاری در طراحی باعث دلمردگی انسان شود. (داعی پور، ۱۳۹۳: ۵۰) به همین دلیل بررسی چرایی و چگونگی حضور متغیرهای محیطی طبیعی و تأثیر بر روان فرد مورد نظر این پژوهش می باشد. بنابراین بررسی ارتباط انسان با محیط طبیعی و رویکردهای روان شناسانه ادراک طبیعت تأثیر بسزایی در تبیین معیارهای مکانی و محیطی روان بخش طبیعت خواهد داشت.

۲- پیشینه تحقیق

در دهه های اخیر در پی دلزدگی از افراطی گری مدرنیسم در تنزل انتظارات انسان از مکان، درک معانی عمیق محیط و تفحص پیرامون مسائلی ورای عملکرد همچون ارتباط متقابل انسان و متغیرهای محیطی مطلوب و آرامش بخش مصنوع و طبیعی مورد توجه بسیار قرار گرفته است. اما در رابطه با بررسی مؤلفه های محیطی روان بخش طبیعی و مصنوع در ارتباط و تعامل با یکدیگر تا کنون مطالعات معدودی انجام گرفته است. که در اینجا به بخشی از این مطالعات در زمینه های مختلف معماری پرداخته می شود:

وانونی (۲۰۰۷) مهمترین ارکان ایجاد محیط های روان بخش طبیعی را توجه به مؤلفه هایی همچون: خوانایی، راه یابی، تناسب و مقیاس، سلسله مراتب و ابعاد و اندازه فضاها، تداوم و حس مکان، عبور و آستانه، شلوغی و طبیعت، توجه به عوامل فیزیکی همچون حذف آلودگی های صوتی، استفاده از نور روز در فضاهای داخلی، شکل و طراحی بخش های داخلی، رنگ دیوارها، شکل و جانمایی و... میداند. هیلد براند (۲۰۰۸) توجه به وابستگی های ذاتی و نهادین انسان به طبیعت را امری ضروری می داند و بر ضرورت امکان تجربه طبیعت در محیط تأکید می نماید. همچنین به فراهم آوردن تجربه طبیعت (غیر مستقیم) در معماری اشاره می کند. مؤلفه های دلالت کننده در برقراری رابطه معماری و محیط طبیعی را در پناه چشم انداز، جذابیت و ابهام و پیچیدگی در محیط می داند.

نظریه پردازانی چون «چرمایف» و «الکساندر»، به خلأ ناشی از دوری از طبیعت در زندگی انسان معاصر پرداختند. اینان تماس های صمیمانه آدمی با طبیعت را شادی های بی نظیر توصیف می کنند. (الکساندر، ۱۳۸۷: ۴۸) "از آنجا که ما بخشی از طبیعتیم برای آنکه به انسان هایی کامل تبدیل شویم باید با آن تماس داشته باشیم". (آندرو برنان به نقل از بل، ۱۳۸۲: ۱۱۹)

نظریه پردازانی چون بل و اسپیرن به تحلیل ابعاد پنهانی و نشانه های غیرمستقیم طبیعت مانند تنوع، پیچیدگی ها و رمز و راز پرداخته و تلاش کردند با الهام از فرآیندهای طبیعی، الگوهایی برای هویت دهی فضاهای انسان ساخت ارائه کنند. سایمون بل براساس مطالعاتش به این نتیجه می رسد که پیوند با طبیعت براساس تجربه و عمل با آن می تواند احساس بیگانگی را در مجتمع های زیستی تقلیل دهد. (بل، ۱۳۸۲: ۱۲۴) در این میان پدیدارشناسانی چون «شولتز» و «پالاسما» بر مبنای نظریات اندیشمندانی چون هایدگر، مونتگمری و هوسرل، با هدف ارتقاء بخشی به مفهوم سکونت و خانه، حضور طبیعت را در این امر مؤثر می دانند. شولتز با تأکید بر نقش عناصر طبیعی در کسب تعلق مکانی، عینیت بخشی به معناها را وظیفه معمار می داند که در این راستا مکان طبیعی، نقش سرمشق برای مکان انسان ساخت را خواهد داشت. او درک طبیعت را مترادف رشد ذهنی و رشد را با تحصیل کیفیات فیزیکی اجزای طبیعی از یکسو و از سوی دیگر با درک معنایی روابط متقابل بین اجزا (نظم و قانونمندی ها، پیام ها و ...) معنی می کند. (شولتز، ۱۳۸۴: ۴۴)

۳- روش پژوهش

در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده گردیده است. جمع آوری اطلاعات بر اساس مطالعات کتابخانه ای و تحلیل محتوایی پیرامون مبانی نظری پژوهش موردنظر می باشد در این روند علاوه بر کتب، جزوات، مقالات و سایت های معتبر اینترنتی مورد استفاده قرار گرفته اند.

۴- نظریه ها در حوزه تعامل انسان و طبیعت

- در این مقوله بر آنیم تا به چگونگی و نحوه ارتباط بین انسان با طبیعت و عالم طبیعت اشاره ای کنیم تا به تأثیر و عملکرد رویارویی انسان با آنها در طی مدارج و درک از جهان هستی آشنا شویمو در ادامه به تعدادی از نظریه ها در خصوص نقش و اهمیت طبیعت در طراحی محیط پرداخته می شود، که اهم نظریات به شرح ذیل است :
- نظریه هویت محیطی: (Clayton, 2003) براساس ارتباط محیط ساخته شده با طبیعت یکی از نظریات پایه می باشد. محور این نظریه این است که چگونگی تجربه و ادراک افراد و کاربران در محیط جزئی پیوسته از هویت آن ها را تشکیل می دهد. (Raymon et al, 2010)
 - نظریه طراحی طبیعت گرا: (Kellert, 2008) که توسط کلرت منتشر شده است. وی در این مطالعه بنای چارچوب نظری را بر وابستگی مردم به محیط طبیعی برای احساس بهزیستی و کیفیت زندگی پی ریزی می نماید و مؤلفه هایی ارزشی را برای رابطه ی محیط انسان ساخت و محیط طبیعی بر اساس خواست های انسان بر می شمرد.
 - راجرز اولریچ (Ulrich, 1984, 2000): متأثر شدن از محیط طبیعی در محیط انسان ساخت مبتنی بر رویکرد رفتاری پیشاشناختی، حضور عناصر طبیعی، معماری به مثابه محیطی شفافبخش
 - هیلد براند (Hildebrand, 2008): توجه به وابستگی های ذاتی و نهادین انسان به طبیعت، تأکید بر ضرورت امکان تجربه ی طبیعت در محیط، فراهم آوردن تجربه ی طبیعت (غیر مستقیم) در معماری، تأکید بر مؤلفه هایی دلالت کننده در برقراری رابطه معماری و محیط طبیعی: "پناه/ ماوراء نمود/ چشم انداز"، "جذابیت و ابهام" و "پیچیدگی در محیط"
 - استفان و راشل کاپلان (Kaplan, 1996): مورد ملاحظه قرار دادن ابعاد انسان، مادی و روانی و روحی ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت

۴-۱- رویکرد روانشناسانه ادراک طبیعت

ارزیابی و ادراک انسان از طبیعت با رویکردی روان شناسانه به طور عامل در حوزه های متفاوتی قابل بازشناسی و بررسی می باشد که در ادامه به تعدادی از رویکردهای مهم در مبحث روان شناسی محیط طبیعی می پردازیم:

در رویکرد نخست ادراک از طبیعت را در سه وجه تاریخی، کارکردی و اکولوژیکی طبقه بندی می نماید: (An introduction to environmental psychology, 54)



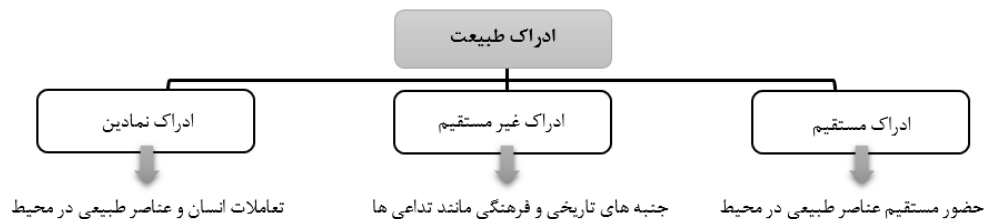
نمودار ۱: رویکرد نخست ادراک طبیعت (براساس پژوهشی از قره بگلو، ۱۳۹۳: ۱۵۰)

در ادبیات موضوع با محوریت نحوه ی ادراک طبیعت در محیط بر دو رویکرد کلی دیگر دلالت دارد که موضوعی یکسان با نحوه بیانی متفاوت می باشند. در رویکرد نخست ادراک طبیعت را مشتمل بر ادراک حسی و ذهنی می داند. (Kellert, 2008)



نمودار ۲: رویکرد حسی و ذهنی ادراک (براساس پژوهشی از قره بگلو، ۱۳۹۳: ۱۵۱)

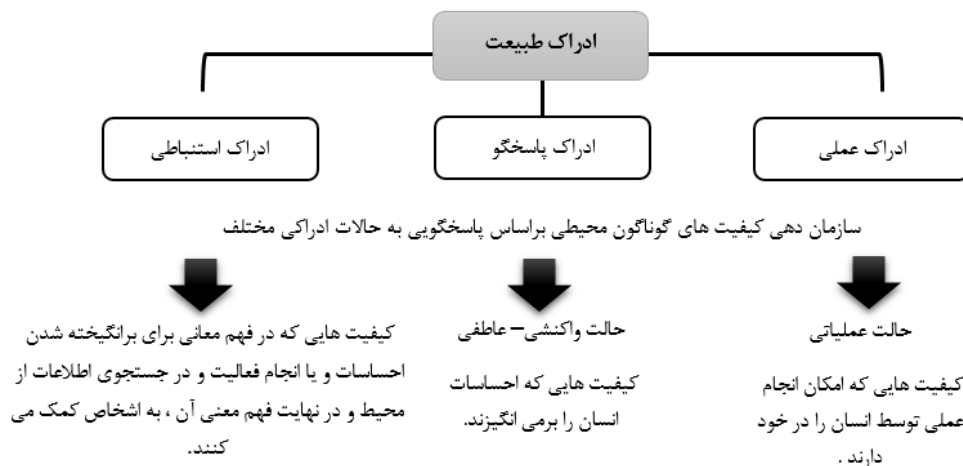
رویکرد دوم ادراک طبیعت در محیط را شامل سه وجه ادراک مستقیم، ادراک غیر مستقیم و ادراک نمادین می داند. (همان)



نمودار ۳: رویکرد دوم ادراک طبیعت (براساس پژوهشی از قره بگلو، ۱۳۹۳: ۱۵۲)

دونالد اپیلیارد، طرفدار رویکرد کنش متقابل ادراک بود. نظریه کنش متقابل به نقش تجربی ادراک تأکید دارد و رابطه ای پویا میان فرد و محیط را مبنای تحلیل قرار می دهد. در این نظریه ادراک، بخشی متقابل به حساب آمده است که در آن محیط، مشاهده گر و ادراک وابستگی متقابل دارند. اپیلیارد در این اساس، ادراک را به سه دسته ادراک عملی، ادراک استنباطی، ادراک پاسخگو تقسیم کرده است. (لنگ، ۱۳۸۶: ۷۸)

وابستگی انسان به طبیعت با چگونگی دستیابی وی به ایمنی، معاش و آسایش وی در رابطه ی مستقیم قرار می گیرد. این وابستگی علاوه بر این بر پایه ی دریافت و ادراکات انسان از محیط به ویژه ادراک زیبایی شناسانه ی طبیعت و عناصر طبیعی در محیط زندگی نسج یافته است. زیبایی طبیعت تبیین کننده مقولاتی چون تعادل، تقارن، هارمونی، ظرافت، نظم و وحدت بوده و در رابطه ی مستقیم با خواست های انسانی قرار می گیرد. (قره بگلو، ۱۳۹۴: ۱۴۶)



نمودار ۴: رویکرد اپلیکارد نسبت به طبیعت (لنگ، ۱۳۸۶: ۷۸)

۴-۲- اثرات احساسی (حواس) محیط بر انسان

محیط طبیعی از طریق تحریک حواس پنج گانه تأثیر بسزایی بر روی روان فرد می گذارد. لذت بردن انسان از فضا و چشم انداز تأثیر مثبتی بر روان وی دارد. ارتباط انسان با محیط خویش توسط پنج حس شنوایی، بویایی، بینایی، چشایی و بساوازی برقرار می گردد. علاوه بر اینها احساساتی چون گرمی، سردی، حرکت، امنیت، آرامش، دلتنگی، افسردگی و ... نیز وجود دارند که غالباً عکس العمل و نتیجه درک و احساسات فوق می باشد. بنابراین به بررسی تأثیرات احساسی محیط زیست بر انسان می پردازیم. (داریوش، ۱۳۸۹: ۱۵۱)

حواس انسان در دو گروه قرار می گیرد که به طور اجمال می توان بصورت زیر آنرا طبقه بندی نمود

- گیرنده های فاصله: که در ارتباط با درک اشیاء دور می باشند. چشمها، گوشها، بینی.
- گیرنده های بلافاصله: که در ارتباط درک جهان های نزدیک-جهان لامسه- به کار می رود، تأییراتی که ما از طریق پوست، غشای خارجی اعضا و ماهیچه ها دریافت می کنیم.

مشخصه ی بارز روند تکاملی انسان، توسعه و نمو "گیرنده های فاصله" یعنی بینایی و شنوایی بوده است. بدین ترتیب بشر توانایی آنرا یافته است تا در هنرهایی که این دو حس را به کار می گیرند، به قدری ترقی بکند که باعث تحریم واقعی سایر فنون و هنرها شود. (همان)

جدول ۱: چگونگی تأثیر محیط طبیعی بر حواس پنج گانه ی انسان (مأخذ: نگارنده)

حواس	کیفیات محیط طبیعی
بینایی	نور (نورهای سفید و رنگی)، توالی بصری (ریتم، تناسب، مقیاس، تعادل)، زیبایی شناسی بصری
شنوایی	صوت مناسب و آرام بخش (شنیدن صداهای آرام و تکرار شونده طبیعت مثل صدای آب، پرندگان، حرکت باد و...)
بویایی	بوییدن عناصر معطر (بوهای معطر و آرام بخش گیاهان، بوی چوب و خاک و آب)، راهنمای افراد در شناسایی محیط
لامسه	لمس اشیاء محیطی (ارتباط مستقیم)، القای احساس گرمی و سردی و نرمی و زبری و... بوسیله بافت و مصالح

۴-۳- جنبه های روان شناختی مناظر طبیعی

الگوی روان شناختی که توسط استفن و راشل کاپلان ارائه شده است یک الگوی بسیار مؤثر از اولویت بندی در منظره ی طبیعی چارچوب مرجع مورد نظر می باشد. (ار. کاپلان، ۱۹۷۷؛ اس. کاپلان، ۱۹۷۵؛ کاپلان، ۱۹۸۲) کار آن ها ریشه در پژوهش های نخستین به ویژه پژوهش های برلین (۱۹۶۰، ۱۹۷۴) در مورد فضاها با تأکید بر جنبه های زیبایی شناختی در مورد

طبیعت است، برلین عنوان داشت که ما به هنگام ارزیابی زیبایی چیزی به ویژگی های تطبیقی مثل پیچیدگی، تازگی، عدم تجانس و شگفتی توجه ویژه ای می کنیم. بر طبق نظر برلین ما وقتی چیزی را خوشایند می یابیم که آن باعث تحریکمان شود، کنجکاویمان را برانگیزد و ما را وادار کند تا از طریق کند و کاو و حل نا هماهنگی ایجاد شده به یک حس رضایت مندی دست یابیم. (به نقل از قره بگلو، ۱۳۹۳ : ۱۵۱) کاپلان ها اندیشه های برلین را بسط داده و الگویی ارائه دادند که منحصرأ به پاسخ های زیبایی شناختی محیط می پردازد. در الگوی کاپلان ها چهار عامل واکنش ما را به محیط تعیین می کنند: انسجام، خوانایی، پیچیدگی و رازگونی. در اصل الگوی کاپلان ها جنبه های محیطی را به بخش هایی تقسیم می کند که برخی در زمان حال تجربه می شوند و برخی دیگر برای تجربه در زمان آینده حفظ می گردند. انسجام و پیچیدگی ویژگی هستند که حکایت از جنبه های قابلیت رویت فوری دارند. انسجام میزان سازمان یافتگی و نظم یک منظره به صورت یک کل یکپارچه است. انسجام بیشتر به توجه بیشتر می انجامد. پیچیدگی نشان دهنده ی تعداد و گوناگونی عناصر است که در یک منظره وجود دارند، تا وقتی پیچیدگی به حد غیر قابل درکی بالا نرود، جذابیت خواهند داشت. خوانایی و راز گونی ویژگی هایی هستند که باعث می شوند بیننده درباره ی امکان تجارب آتی در محیط به فکر فرو رود. خوانایی یعنی این که محیط تا چه میزان به راحتی قابل تفسیر است یا این که تا چه حد یک فرد می تواند بدون مشکل به کند و کاو در آن بپردازد. همچنین محیط های خواناتر بیشتر مورد توجه قرار می گیرند. رازگونی اشاره به آن دارد که منظره بیش از آن چه که می توان در آن دید، دارای اطلاعات و جزئیات است و می توان با قدم زدن و کاوش در آن چیزهای بیشتری در مورد محیط بیاموزد. استفن کاپلان (۱۹۸۷) بر اهمیت استنباط در تعریف رازگونی تأکید می کند. بسیاری از مطالعات تأیید نموده اند که مردم رازگونی را یک کیفیت مجزای مناظر طبیعی می دانند و پر رمز و رازی یک چشم انداز جذابیت محیط های طبیعی را بالا می برد. (کاپلان، ۱۹۸۹) انسجام و خوانایی جذابیت محیط ها را افزایش می دهند زیرا افراد را قادر می سازند به سرعت محیط را درک کنند، به خاطر بسپارند و به آن معنی دهند یعنی مهارت هایی که برای بقا ضروری هستند. تنها استثنای رازگونی و پیچیدگی در مواقعی است که حس بالای راز گونی با حس خطر همراه شده باشد، مثل آنچه که در تنگه ها و کوچه های باریک می توان دید. (همان)

از دیدگاه کاپلان ها حضور در مکان های مطلوب و طبیعی با چهار ویژگی ادراکی از محیط همراه است:

- احساس رهایی با بیرون بودن از محیط معمولی (being away)
 - همگونی یک تجربه خاص در زمان و مکان (extent, coherence)
 - شگفتی، شیفتگی، جالب و جذاب بودن (fascination)
 - سازگاری و توانایی محیط در حمایت از آنچه مایل به انجام آن هستید. (compatibility)
- همچنین تحقیقات متعدد نشان داده است فضای دلخواه و مطلوب محیطی، فضاهایی مملو از عناصر طبیعی چون گیاهان، حیوانات، آب، خاک و... است. دلیل این امر سه کیفیت محیط طبیعی است که شامل این موارد می باشد: "تنوع تمام ناپذیر"، "انسان ساخت نبودن آن ها" و "حس جاودانگی و پایان ناپذیری" (White & Stoecklin, 1998)
- از این رو روان شناسان محیط واژه Biophilia را برای این "حس طبیعت دوستی" به کار می برند. بدین معنا که انسان بطور وراثتی و از لحاظ بیولوژیکی وابسته به طبیعت است و توجه و یا عدم توجه به این حس طبیعی احساسات مثبت و منفی در انسان ها ایجاد می کند. (Stoecklin, 2000)

۴-۴- آثار روانی فضای سبز طبیعی بر انسان (روان بخشی طبیعت)

ایده روان بخشی طبیعت و اعتقاد به تاثیر دیدن گیاه، آب و سایر عناصر طبیعی در کاهش فشارهای فکری و روانی و تاثیر آن در سلامت روحی و آرامش روانی افراد، از نظر تاریخی ریشه در فرهنگ های باستانی ایرانیان، چینی ها و یونانیان دارد. ایده باغ های شفا بخش که بین منظر و سلامت ارتباطی قوی می یافت برای اولین بار توسط نظریه پرداز آلمانی هرشفیلد در اواخر قرن هجدهم مطرح شد. او خصوصیات کامل باغ و حیاط ها را که بتواند موجب کاهش نگرانی و افزایش امید در فرد شود را

توصیف می کند و وجود آبشارهای کوچک، گل های رنگارنگ، درختچه های سایه دار، گیاهان معطر، مکان هایی برای نشستن و مسیرهای پیاده برای قدم زدن افراد را توصیه می نماید.

تاثیر منظر و فضای سبز بر سلامت روحی و روانی در دهه های اخیر بسط یافته و نظریه های متفاوتی درمورد آن مطرح شده است؛ ازجمله نظریه بهبود استرس اولریک، که معتقد است مناظر طبیعی، بالقوه تمایل به کاستن میزان استرس دارند در حالی که مناظر ساخته شده موجود (بالفعل) نه تنها از بهبود استرس ممانعت نمی کنند، بلکه خود میتوانند سبب استرس شوند (Ulrich;2002) اصولاً فضای سبز مناسب در شهرها، افزون بر سلامت جسمانی موجب آرامش روان، بازده کاری بیشتر و کیفیت زندگی برتر می گردد.

درخصوص نقش مهم فضاهای سبز در ارتقای سلامت جسمی و به ویژه روحی - روانی فرد می توان به نتایج مطالعات صورت گرفته زیر اشاره کرد:

- مطالعات واندن برگ بیان می دارد که مشاهده مناظر طبیعی پارک مانند سبب کاهش تنش ، لذت از منظر طبیعی، کاهش عصبانیت و استرس و افزایش تمرکز می شود. (van den berg;2003:135-146)
- براساس بررسی های ناکامورا و فوجی وجود پرچین و جداکننده های طبیعی در تمدد اعصاب و افراد تاثیرات شگرفی دارد. (مرزهای طبیعی و سبز) (Nakamura and fuji;1992:139-144)
- مطالعات لومان نشان می دهد که مناطق طبیعی با گونه های گیاهی گوناگون تاثیرات ترمیمی مستقیمی داشته و باعث تجدید قوا در شهروندان می گردد. (Lumann;2001:31-44)
- تاثیرات دید به درختان و منابع طبیعی ، همانند تقلیل استرس، کاهش فشارخون، افزایش تاثیرات مثبت و کاهش عصبانیت و پرخاشگری از نتایجی می باشد که هارتینگ به آن دست یافت. (Hartig;2003:109-123)
- بطور کلی می توان تاثیرات روان شناختی فردی و اجتماعی فضای سبز را بر افراد بصورت زیر طبقه بندی کرد:
- آثار فیزیکی و جسمی: محیط های طبیعی مشوق شرکت در فعالیت های ورزشی و تحرک جمعی
- آثار روانی و عاطفی (ادراکی): فضای سبز سبب کاهش حالت یاس و نومیدی و تقویت شور و امید و آرامش بخشی
- آثار اجتماعی: حضور در این فضاها سبب افزایش انگیزه زندگی کردن و کارایی و راندمان عملکردی افراد (افزایش بهره وری) (گروه توسعه ۱۱: ۱۳۸۲)

جدول ۲: جمع بندی آثار روان شناختی فضای طبیعی بر افراد (مأخذ نگارنده بر اساس پژوهش Mitten.2009)

آثار فیزیکی و جسمی	آثار روانی عاطفی	آثار اجتماعی
-افزایش جذب ویتامین D (کاهش فشار خون، کاهش احتمال ابتلا به سرطان روده، پانکراس و پروستات)	-کاهش افسردگی، هیجان و خشم	-کاهش جرم و جنایت
-افزایش دریافت کلسیم	-افزایش تصویر ذهنی (مخصوصاً زنان)	-تقویت روابط خانوادگی
-رژیم غذایی با استفاده از سبزیجات	-افزایش احساس قدرت	-کاهش خشونت های خانگی
-تقویت سیستم ایمنی (حضور در فضای سبز باعث قوی تر شدن سیستم ایمنی)	-افزایش حس آرامش	-تقویت پیوندهای همسایگی
-افزایش فرصت ورزش	-افزایش خلاقیت و تصورات	-بهبود روابط عمومی بین افراد
-بهبود شرایط جسمی	-افزایش حس لذت بصری	-افزایش فعالیت های محیطی
-کاهش خطر سرطان و پوکی استخوان	-افزایش نشاط و شادابی و حس شادی	-افزایش برنامه ریزی پارک
-آسایش دمایی	-تأثیر بر رفتار و پویایی ذهنی	-افزایش حس شگفتی
-کاهش عصبانیت و پرخاشگری	-ارتقای کارایی، راندمان عملکردی و تمرکز	-تشویق تفکر و تأمل
-کاهش خستگی و آسیب دیدگی	-تاثیرات ترمیمی مستقیم و تجدید قوا	-آرامش ذهن
-روح بخشی بصری (جلای چشم)	-کاهش عصبانیت و استرس	-تبادل افکار
-درمان بیماری های جسمی با آب سرد	-فرح بخشی و آرامش توسط ترشح فیتونسید در درختان (علیزاده، ۱۳۸۱: ۹-۱۰)	-افزایش خلاقیت جمعی
	-تقدس بخشی	-شناخت محیط زندگی
	-کاهش افسردگی زمستانی	

۵- چگونگی حضور طبیعت در محیط انسان ساخت (معماری)

معماری، از تعامل بین انسان معمار و عالم طبیعت به منصف ظهور و هستی می رسد که در اینجا معمار از یک ساحت و عالم طبیعت از ساحتی دیگر در بوجود آمدن کالبد بناها نقش مهمی را ایفا می کنند ، حال اینکه معمار در روند تولید معماری چگونه هم نشینی طبیعت و معماری را باعث می شود و این هم نشینی را در راستای چه هدفی دنبال می کند ، نکته حائز اهمیتی است که تا کنون به آن کمتر پرداخته شده است. وجه عمده تألیفاتی که درباره معماری به رشته تحریر درآمده بیشتر معطوف به جذابیت های ظاهری معماری است ، حال آنکه در دوران معاصر به تحقیقاتی نیاز است که به لایه های درونی تر معماری بپردازد تا هرچه بیشتر معنی نهفته در صورت معماری معرفی گردد ، تا بتوان با شناخت منظرهای معمار به نظرگاه معماری نزدیک شد .معمار، بناها را با استفاده از ماده که در عالم طبیعت ظهور عینی دارد، به منصف ظهور می رساند و از آنجایی که معماری بر روی کره خاکی قرار می گیرد و سر به آسمان دارد، هر بستری و مکانی از عالم طبیعت می تواند قرارگاه ایجاد بنایی باشد به عبارتی هر زمینی، بستری برای ایجاد معماری است. (کبیری، ۱۳۹۲ : ۳۲)

متوجه شدیم که بین طبیعت و انسان و در نهایت معماری و طبیعت رابطه ی دو سویه وجود دارد و طبیعت به عنوان ذات هر چیز در عالم اصل بوده و همه ی موجودات در گرو رابطه با طبیعت و پیکره بنا بالفعل شده ی استعداد های بالقوه محیط برای به کمال رسانیدن اجزاء طبیعی در ارتباط با کالبد معماری می باشند و عمل معمار بازآفرینی طبیعت است. در ادامه به بررسی چگونگی حضور در طبیعت از بعد فیزیکی و متافیزیکی می پردازیم:

۵-۱- ادراک طبیعت در فضاهای سبز مسکونی

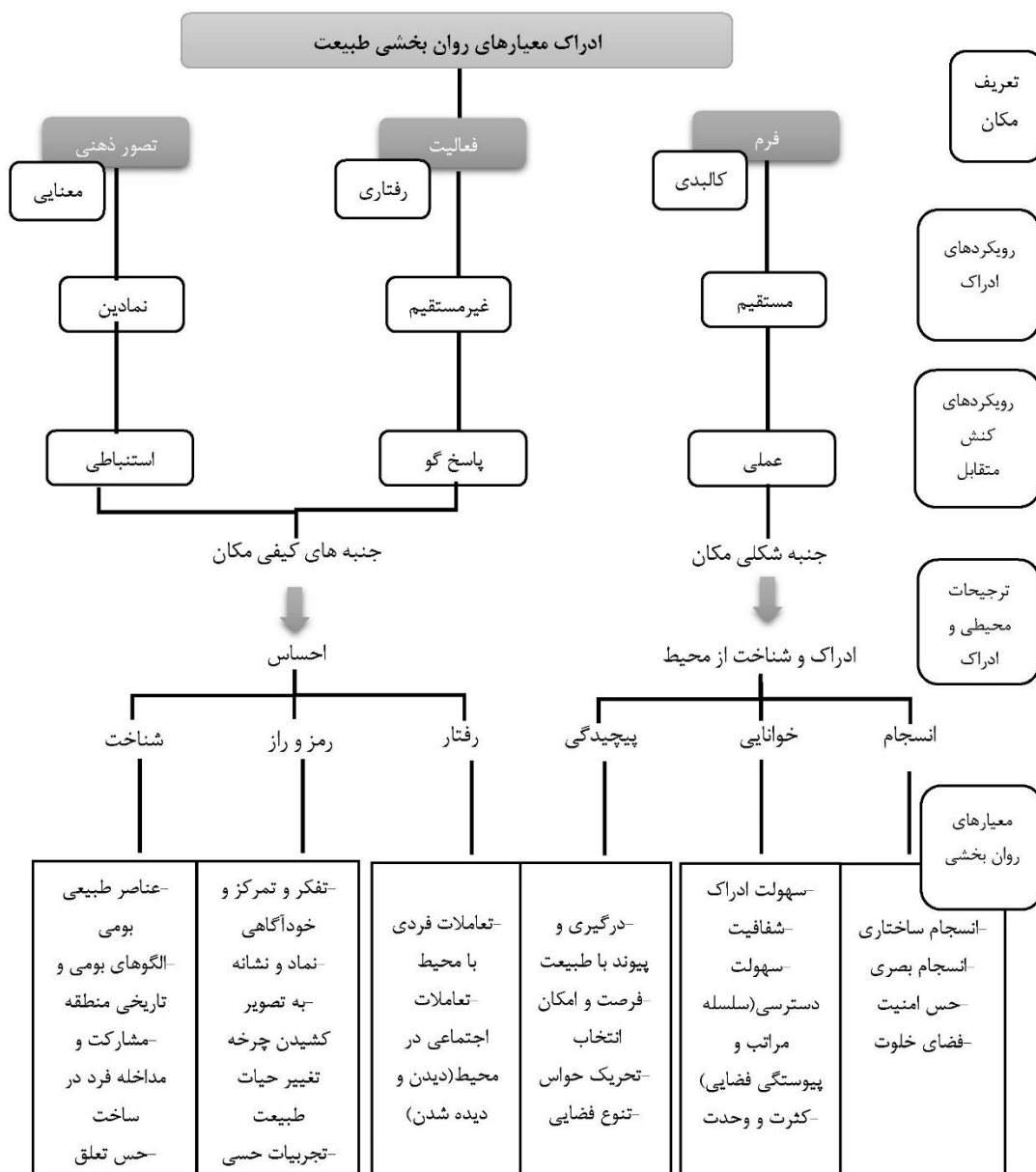
حضور طبیعت برای ایجاد رضایت در ساکنان نه تنها لازم بلکه ضروری است. نتایج تحقیقات سالیوان؛ همکارانش (2004) در خصوص تأثیر مجاورت با طبیعت بر سرزندگی فضای همسایگی شهری حاکی از آن است که متوسط ۹۰٪ از افراد در رضایت از فضای سبز در مقابل با فضای بایر دارند. این نسبت در زنان بیش از مردان است. تفاوت معنا داری بین سطح سبز و استفاده از فضای باز بیرونی برای استفاده از آن برای جوانان وجود ندارد. نتایج رساله دکتری خانم نیلت (۲۰۰۷) در دانشگاه واشنگتن در خصوص فضای سبز همسایگی حاکی از آن است که فضای سبز همسایگی شامل مسیرهای سرپوشیده با گیاهان در تعداد و زمان پیاده روی همسایگان تأثیر مثبت دارد. هم چینی درختان بالغ به دلیل ایجاد جذابیت های بصری باعث افزایش پیاده روی ساکنان می گردد. وابستگی انسان به طبیعت با چگونگی دستیابی وی به ایمنی، معاش و آسایش وی در رابطه مستقیم قرار می گیرد. این وابستگی علاوه بر این بر پایه دریافت و ادراکات انسان از محیط بویژه ادراک زیبایی شناسانه طبیعت و عناصر طبیعی در محیط زندگی نسج یافته است. زیبایی طبیعت تبیین کننده مقولاتی چون تعادل، تقارن، هارمونی، ظرافت، نظم و وحدت بوده و در رابطه مستقیم با خواست های انسانی قرار می گیرد. (دانشگرمقدم، ۱۳۹۰ : ۳۰)

اولریش معتقد است: «ارتباط با طبیعت، با کاهش استرس، به بدن کمک می کند که در وضعیت تعادل قرار گیرد.» و دلایل این کاهش استرس را اینگونه عنوان می کند: تفاوت مقیاس داخلی ساختمان و فضای سبز در خارج از ساختمان، تجربه اشکال طبیعی در مقابل خطوط مستقیم داخل ساختمان، مکانی برای تنهایی و خلوت گزیدن در مقابل فضای غیرخصوصی داخل ساختمان، هوای تازه طبیعت در مقابل هوای کنترل شده. (اولریش: ۱۹۹۹)

۶- معیارهای معمارانه روان بخش طبیعت در ایجاد آرامش

متغیرهای طبیعی محیطی را می توان به عنوان معیارهای مکانی روان بخش در فضا بیان کرد. با استفاده از رویکرد دوم ادراک که شامل ادراک مستقیم ، غیر مستقیم و نمادین است و همچنین رویکرد ادراک اِپلبارد(رویکرد کنش متقابل ادراک) که رابطه ای پویا میان فرد و محیط را مبنای تحلیل قرار می دهد که به سه دسته ی ادراک عملی، استنباطی و پاسخگو تقسیم می شود، معیارهای محیطی روانبخشی طبیعت را بر اساس تلفیق با تعریف مکان و مؤلفه های آرامش بخشی محیطی می توان در یکی از این سه روش قرار داد، در نهایت طبق نمودار چگونگی تأثیر و کارکرد معیارهای روان بخشی طبیعی در ادراک محیط

اینگونه بیان شده است. در این نمودار به بیان نحوه تأثیرگذاری هر یک از معیارهای روان بخشی طبیعت در ادراک پرداخته شده است.



نمودار ۵: نحوه تأثیرگذاری معیارهای روان بخشی طبیعت در ادراک مکان
(مأخذ: نگارنده براساس پژوهشی از قره بگلو، ۱۳۹۲)

جدول ۳: جمع بندی معیارهای مکانی و اصول محیطی روان بخشی طبیعت (مأخذ: نگارنده)

معیارهای محیطی	اصول محیطی	راهکار
انسجام	آرامش روانی محیط طبیعی	- القای حس آسودگی و دوری افراد از هرج و مرج و ازدحام دنیای شهری و - فضاهای جمعی در فضای داخلی توسط حضور طبیعت اولیه و ثانویه و تجریدی
	خلق حس امنیت در فضا	- لذت بردن افراد از فضا به طور آزادانه و با اطمینان خاطر - اطمینان از شرایط و محیط پیرامون
	انسجام بصری	- نور مناسب روز (عدم نیاز به نور مصنوعی در روز) - نور کافی در فضاها در شب برای استراحت و تعاملات فردی و اجتماعی (نور ملایم) - استفاده از مصالح ارگانیک و اولیه مینی مال (قرارگیری عناصر به سادگی در کنارهم) - تغییر شکل مصالح سخت طبیعی به صورت فرمهای دلپذیر و انسانی - بنا در یک چشم انداز طبیعی و دید از بنا به چشم اندازهای طبیعی اطراف
	فضای خلوت	- ایجاد کنج هایی راحت و صمیمی برای ملاقات و گپ زدن و تنهایی و خلوت گزیدن
	تناسبات و مقیاس عناصر طبیعی	- تعادل و هارمونی در فضا - مقیاس انسانی و فضاهای مسطح و کم ارتفاع (عدم القای حس حقیر بودن) - عدم طراحی طبقات در جهت عمودی
	انسجام ساختاری و فضایی	- معماری غیر خطی، کوژ و انحناءدار (القای حالت بی وزنی و احساس نرمی در فرد) (مهدوی نژاد، دانشجو، ۱۳۹۱: ۸۶) - یکپارچگی و طراحی ارگانیک (تشکیلات فضائی ارگانیک) - گستردگی فرمها در صفحه ای افقی به منظور درک بیشتر فضا و توجه به خط افق (صفحات افقی هم راستا با زمین) (توجه به خط افق)
	تعادل و توازن	- توجه به ناقرینگی در عین رعایت انتظام محوری - تعادل فعال بین فعالیت های طبیعی (هارمونی و هماهنگی)
	سلسله مراتب عبور و آستانه شفافیت	- تفکیک فضای عمومی و خصوصی عبور از فضای فرعی برای رسیدن به فضای خصوصی - پیوستگی فضایی - حرکت از دنیای بیرون به درون و وابستگی کامل به دنیای درونی - امکان ادراک تمام فضاها بدون نیاز به شناخت کامل اولیه فرد تازه وارد
خوانایی	سهولت درک فضا	- قابلیت درک و خوانایی فضا باعث ایجاد حس آرامش - در عین سهولت درک باعث یکنواختی نشود. - قعر و فرورفتگی در یک مسیر نشان دهنده ی اتفاق در آن نقطه (سهولت درک)
	فرصت انتخاب	- حق انتخاب افراد بین خلوت و اجتماع خودشان (فراهم کردن خلوت فرد توسط محیط)
	پیوند فرد با طبیعت	- معماری فضاها با (حیات) و نیمه باز (ایوان) - حضور طبیعت در سه سیمای اولیه، ثانویه، تجریدی در محیط زندگی فرد
	تحریک حواس	- تحریک حواس پنج گانه: توسط عناصر طبیعی مانند حضور آب، گیاهان رنگی و معطر، بوی خاک، لمس (بصری و واقعی) گیاهان، مصالح زیر و نرم و...
پهچیدگی	تنوع فضاها	- تنوع متغیرهای درون محیطی طبیعی باعث تنوع در فضاها - ایجاد فرصت تجربیات مختلف توسط گوناگونی فضاها (ایجاد حس کنجکاوی) - انعطاف پذیری فضا (انتخاب فرد برای خلق کاربری)
	رفتار و تعاملات	- ایجاد محیطی امن و آرام و عمومی برای تعاملات اجتماعی (کاهش تنش و خشونت) - حل چالش ها و تنگناهای افراد از طریق تبادل افکار، مشورت های دوستانه و ... در کانون های مستقر در پارک ها و فضاهای سبز به سبب القای حس آرامش و نشاط
	فرد در محیط	- سلامت جسمی لازمه ی سلامت روحی و آرامش روانی و بالعکس - ایجاد فضایی برای تحرک فیزیکی (پیاده روی)
	ورزش و سلامت جسمی	

معیارهای محیطی	اصول محیطی	راهکار
طبیعی	طبیعت و ازدحام	- کاهش استرس با قرار گیری در طبیعت (عدم حس شلوغی و ازدحام در فضای سبز)
رمز و راز	نظام آوا	- دل انگیزی اصوات صادره از سوی طبیعت - حس آسودگی و تسکین به کمک صداهای آرامش بخش و محافظت افراد
	به حداقل رساندن ابهام	- یک مرتبگی و نظم محیط، ادراک آن را تسریع و در عین حال کشتی به آن می بخشد که افراد را به کشف آن ترغیب می کند.
	شگفتی	- ایجاد فضاهایی راز آلود و غیر قابل پیش بینی
	تنوع فضایی	- تنوع عناصر طبیعی و استفاده از عناصر در حالت های مختلف (اولیه، ثانویه، تجریدی)
شناخت	ایجاد زمینه آشنایی با محیط طبیعی	- شناخت انواع گل و گیاهان و طبیعت (افزایش حس بهتر نسبت به محیط) - استفاده از مکان طبیعی شکل گرفته در زمین یا صخره - بوهای منتشره از محیط طبیعی راهنمای انسان
	ایجاد حس تعلق	- حضور کاربر در طول پروسه طراحی و ساخت، کاشت و نگهداری از گیاهان و حیوانات - استفاده از کهن الگو و المان های با ارزش بومی در خلق محیط
	ایجاد تفکر و تمرکز	- محیط طبیعی به سبب ابهام و رازآلود بودن ترغیب فرد به تفکر و تمرکز: موجب آرامش روانی
	شباهت و استعاره	- القا کننده معنای خاص (استفاده از ایده و کانسپت در طراحی به منظور القای این حس)
	حفاظت تاریخی	- توجه به کهن الگوهای طبیعی (المان، نقش و تزئینات، عناصر، رنگ، بافت و مصالح و...)
	حیات بخشیدن به طبیعت	- کاشت درختانی که نشان دهنده تغییر فصل (درختان خزان پذیر) باعث نمایش بیشتر طبیعت در محیط (تغییر فصول و روند پویایی و حس زندگی)
	حضور و مداخله کاربر در پروسه طراحی و ساخت	- مصاحبه و پرسشنامه و شناخت استفاده کنندگان فضا در مورد عوامل آرامش بخش - شناخت روحیات و نیازهای کاربر و افزایش حس تعلق فرد
	گونه های سبز گیاهی متنوع و بومی منطقه و سایت	- گیاهان دارویی و معطر با خاصیت درمانی (بویایی و خوراکی) - انتخاب گیاه بر مبنای اثر تحریک حواس - گیاه متغیر متعادل کننده (ارتباط میان متغیر با افکار منفی بر کیفیت بهداشت روان) - وجود موجودات در فضای سبز (فرضیه حیات دوستی انسان)

نتیجه گیری

انسان موجودی طبیعی است و با شرایط مشابه (زندگی ماشینی معاصر) نمی تواند به حیات و تکامل خویش ادامه دهد. حضور و ارتباط فضا با طبیعت به صورت اولیه و ثانویه از مباحث اساسی در معماری می باشد. در حالیکه زندگی معاصر و رشد شهرنشینی، سبب حذف بسیاری از عناصر طبیعی و فرآیند تکوینشان از مسیر ادراکات حسی فرد شده و موجبات افزایش تنش را در جوامع فراهم و نیاز به فضاهایی آرامش بخش را دوچندان کرده است. آرامش روحی و روانی فرد تا حد زیادی وابسته به محیط اطراف می باشد. همان گونه که بیان شد فضاهای طبیعی واکنش های مختلفی از حضور، عبور، مکث و... ارائه می دهد که هر کدام به نوعی باعث ایجاد تأثیرهای مختلف در روان و نگاه فرد می شود. آرامش روان فرد که مدنظر این پژوهش است به صورت های مختلف توسط متغیرهای طبیعت خود را بیان می دارد. با توجه به نظریه های ادراک محیط بیان شد که تعریف مکان در جهت ادراک معیارهای روان بخشی طبیعت بر سه بخش فرم، فعالیت، تصور ذهنی (معنا) تقسیم میشود که در دو حالت کیفی و کمی (شکل) مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت مؤلفه های (عینی - ذهنی) معمارانه و مؤلفه های محیطی طبیعی که منجر به آرامش بخشی در فضا می شود و مجموعه داده های مورد نیاز برای تعیین مؤلفه های محیطی طبیعی مطرح بر رویکرد آرامش بخشی محیطی و معیارهای کمی و کیفی آن ها در جهت بهبود کیفیت زندگی و آرامش روان فرد مد نظر است تدوین گشت، که در جدول ۳ مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند.

- در راستای بهبود فضاهای سبز طبیعی خصوصی و عمومی می توان راهکارها و پیشنهاد های زیر را مطرح کرد:
- ۱- مدیران شهری و طراحان علاوه بر توجه به جنبه های کیفی، نسبت به افزایش کمی فضاهای سبز در شهر ها و سرانه های فضاهای مسکونی و عمومی اقدام کنند؛
 - ۲- تأثیر فضاهای سبز طبیعی بر رفتار و تعاملات فرد در جهت افزایش شادابی فردی و ارتباطات و تعاملات جمعی؛ ساخت فضاهای سبز باز عمومی و تمرکززدایی در طراحی پارک و فضاهای سبز، در جهت بهبود عملکرد فضاهای سبز مؤثر باشد؛
 - ۳- ایجاد انسجام بصری، ساختاری و تعادل و توازن توسط گونه های مختلف گیاهی در جهت افزایش خوانایی و امنیت محیط سبز طبیعی؛
 - ۴- ایجاد پیچیدگی و خوانایی همزمان به صورت تضاد هم جوار برای تحریک حواس و ایجاد تنوع فضایی در عین سهولت ادراک و شفافیت فضا؛
 - ۵- ایجاد محیط های سبز طبیعی آشنا بوسیله گیاهان بومی و امان های آشنا و نوستالژیک منطقه ای و فرهنگی و اجازه حضور و مداخله کاربران در طول پروسه طراحی و ساخت توسط مدیران و طراحان

منابع

- ۱- تقی زاده، کتابیون، (۱۳۸۵)، «آموزه هایی از سازه های طبیعی، درس هایی برای معماران»، هنرهای زیبا، شماره ۲۸، ص ۷۵-۸۴
- ۲- حائری، محمدرضا، (۱۳۸۸)، «خانه، فرهنگ، طبیعت»، مرکز مطالعاتی تحقیقاتی شهرسازی و معماری
- ۳- داریوش، بابک، (۱۳۸۹)، «انسان، طبیعت، معماری»، نشریه علم و دانش
- ۴- داعی پور، زینب، (۱۳۹۳)، «رابطه حضور طبیعت و افزایش حس تعلق در خان ههای سنتی ایران»، سال یازدهم، شماره ۳۰، ص ۵۸-۴۹
- ۵- دانشگرمقدم، گلرخ؛ بحرینی، عینی فر، (۱۳۹۰)، «تحلیل اجتماع پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت»، ص ۲۶-۳۰
- ۶- شاهچراغی، آزاده، (۱۳۸۸)، «تحلیل فرآیند ادراک باغ ایرانی براساس نظریه روانشناسی بوم شناختی»، فصلنامه هویت شهر، سال سوم، شماره ۵: ص ۷۱-۸۵، ۷۱-۵۱
- ۷- قره بگلو، مینو، (۱۳۹۳)، «جزوه درس روان شناسی محیطی»، ص ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، انتشارات دانشگاه هنر اسلامی تبریز
- ۸- کبیری سامانی، علی، (۱۳۹۲)، «طبیعت کیمیای معماری (نگاهی نو به انسان، طبیعت و معماری)»، ص ۸۰، انتشارات گلدسته
- ۹- لنگ، جان، ت: عینی فر، علیرضا، (۱۳۸۳)، «آفرینش نظریه معماری»، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۰- مهدی نژاد، جمال الدین؛ سیروس صبری، رضا؛ دماوندی، مجید ابراهیم؛ و عباس پور اسداله، جوانه (۱۳۹۱)، «طراحی معماری با تکیه بر تعامل زیبایی و عملکرد در طبیعت»، فصلنامه هویت شهر، شماره ۱۰، ص ۵۹-۶۶
- ۱۱- مهدی زاده سراج، فاطمه؛ میرمادی، سیده سمیه، (۱۳۸۸)، «بازشناسی نقش طبیعت در فضاهای آموزشی»، فرهنگ مظفر، ص ۳۷-۴۶
- ۱۲- مهدی زاده سراج، فاطمه؛ نیکوگفتار، عاطفه؛ (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی راهکارهای دستیابی به آسایش، آرامش و تفکر در باغ های سنتی ایران و ژاپن»، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، مرکز پژوهشی هنر، معماری و شهرسازی نظر شماره ۱۷، سال هشتم، ص ۱۷-۳۱

- ۱۳- نصر، سیدحسین، ت : گواهی، عبدالکریم، (۱۳۷۹) ، « انسان و طبیعت، بحران معنوی انسان متجدد» ، تهران: انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی
- ۱۴- نیکبخت، علی؛ زجاجی؛ نازیتا؛ کافی ، محسن ، (۱۳۹۵) ، «اصول طراحی محوطه‌های درمانی با تاکید بر مولفه‌های باغ‌های شفابخش، محوطه‌های باغبانی درمانی و باغ ایرانی» ، ویژه نامه طراحی و مدیریت شهری، شماره ۳، دوره ۱۸، ص ۳۰۳-۳۱۷
- ۱۵- بل، سایمون ، ت : امین زاده ، بهناز، (۱۳۸۲) ، «منظر الگو، ادراک و فرآیند» ، تهران : دانشگاه تهران
- ۱۶- شولتز، نورنبرگ کریستیان، ت : قیومی بید هندی، مهرداد، (۱۳۸۴) « معنا در معماری» فرهنگستان هنر، تهران
- ۱۷- الکساندر، کریستوفر، ت : کربلایی نوری، رضا، (۱۳۸۷) «زبان الگو: شهرها» تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ اول
- 18- Appleton, Jay . (1996) . *The experience of landscape*, Wiley.
- 19- Clayton, Susan D. (2003) . *Identity and the natural environment: The psychological significance of nature*, Mit Press.
- 20- Harting, Terry.Gary W Evans, (2003) .*Tracking Restoration in natural and urban field settings*, Journal of environmental psychology 23(2), pp. 109-123.
- 21- Kaplan, Rachel Kaplan, . Stephen. Robert Ryan ,(1998) *With people in mind : Design and management of everyday nature* , Island press.
- 22- Kaplan, Rachel, Stephen. (1989) . *The experience of nature: A psychological perspective* , CUP archive.
- 23- Kaplan, Stephen. (1978) .*Humanscape*,Environments for people
- 24- Kaplan, Stephen. (1996). *The restprative benefits of nature : Toward an integrative framework* , Journal of environmental psychology 15(3), pp.169-182.
- 25- Kaplan, Stephen.(1987).*Mental fatigue and the designed environment*, public environments.pp. 55-60.
- 26- Kaplan Stephen. (1992) .*The restorative environment: Nature and human esperience, Role of Horticulture in Human well-being and social Development : A Natonal Symposium*, Timber Press, Arlington, Virginia, pp. 134-142
- 27- Kellert, Stephen R. (2008). *Dimensions, elements, and attributes of biophilic design: The theory, science and practice of bringing buildings to life* , 3-19
- 28- Laumann, k,et al,(2001) *Rating scale measures of restorative components of environments*. Journal of Enviromental Psychology.
- 29- Mc Harg,(1969). *Design with nature, American Museum on Natural History Press Deoubleday*.
- 30- Mitten, Denise, (2009) *The healingpower of nature, Northtroendelag University Collage, Norwa*
- 31- Nakamuraand, R. and Fuji, E. (1992) . *A comparative study of the characteristics of the electroencephalogram when observing a hedge and a concrete block fence*, Journal of Japanese Institute of Landscape Architects
- 32- Stoecklin, Vicki. Randy ,White. (1998). *children's outdoor play & learning environments: Returnin tp nature*, Early childhood News 10(2), 24-30
- 33- Ulrich, R. S., (2002) , *Health benefits of gardens in hospital, in : p;ants for people*, International exhibition Floriade.
- 34- Ulrich, Roger S, Borgen, Lennart, Lundin , Stefan, (2012) . *Toward a design theory for reducing aggression in psychiatriz facilities*, Arch 12 Architecture/ research/ care/ health
- 35- Ulrich, Roger S, et al, (1991), *Stress recovery during ecposure to natural and urban environments*, Journal of environmental Psychology, 11
- 36- Van den Berg, A. E ., et al. (2003), *environmental preference and restoration how are they related?* Journal of environmental Psychology, 23, pp. 135-146

فرا تحلیل مطالعات رابطه بین سرمایه فرهنگی و شادی

اسدالله بابایی فرد^{۱*}، محدثه محرابی زاده^۲، محمد شمسی^۳

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان، گرایش زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب قم

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان

چکیده

تحقیق‌هایی درباره رابطه بین سرمایه فرهنگی با شادی بر اساس روش‌های مختلف انجام شده است؛ از این رو، هدف از پژوهش حاضر، به کارگیری روش فرا تحلیل به منظور تحلیل و ترکیب نتایج مطالعات صورت گرفته پیرامون ارتباط سرمایه فرهنگی با شادی است. به منظور انجام فرا تحلیل حاضر، ۸ پژوهش که در سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۵ و با هدف ارزیابی ارتباط بین سرمایه فرهنگی و شادی انجام و در فصلنامه‌های معتبر داخلی به چاپ رسیده بودند، انتخاب شدند. در گام نخست ارزیابی پژوهش‌های منتخب، مفروضات همگنی و خطای انتشار، مورد بررسی داشت. در مرحله دوم، ضریب اندازه اثر با به کارگیری نسخه دوم نرم افزار CMA مورد ارزیابی قرار گرفت. نتیجه فرا تحلیل نشان داد که اندازه اثر یا ضریب تأثیر سرمایه فرهنگی بر شادی معادل ۰/۳۲۲ است که برحسب نظام تفسیری کوهن، این میزان، تأثیری در حد متوسط ارزیابی می‌شود. به دلیل همگن بودن مطالعات، نیازی به سوء گیری خطای انتشار و متغیر تعدیل گر نبود. همچنین از مجموع ۸ مقاله بررسی شده، ۵ مقاله به بررسی ابعاد سرمایه فرهنگی با شادی پرداخته شده است. از میان ابعاد سرمایه فرهنگی، بعد تجسم یافته با اندازه اثر ۰/۲۹۹ دارای بیشترین اندازه اثر در رابطه با احساس شادی است. بعد نهادینه شده یا ضابطه‌ای با اندازه اثر ۰/۲۳۱ دارای کمترین اندازه اثر در رابطه با احساس شادی است.

واژه‌های کلیدی: سرمایه فرهنگی، شادی، فرا تحلیل، اندازه اثر.

مقدمه

احساس شادی و نشاط برای تمام نسل‌ها و از مهم‌ترین نیازهای بشری است. سرمایه فرهنگی، یکی از سرمایه‌های مهم است که افراد با داشتن این سرمایه احساس شادی و موفقیت بیشتری در زندگی خواهند داشت. «شادی موهبتی است که ارزش آن برای کسی که دچار گرفتاری‌ها و افسردگی‌ها شده است، بیشتر است. شادی موضوعی کاملاً فردی نیست و تا حدودی یکی از خواص جامعه است. شادی جامعه تابعی از عواملی است که بیشتر در آن‌ها تجلی می‌یابند» (سلامتی و ابراهیم پور، ۱۳۹۵: ۷۴). نشاط موجب نگرش مثبت به زندگی، خودپنداری مثبت، نگرش مطلوب و رضایت‌آمیز به خود و دیگران، روابط اجتماعی متعادل، دوری از کینه و نفرت انتخاب آگاهانه اهداف زندگی، افزایش موفقیت‌های زندگی، تمایل بیشتر برای کمک به دیگران، عملکرد بهتر شغلی، تحصیلی و تصمیم‌گیری بهتر می‌گردد (شریفی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۳). هم‌چنین احساس شادی موجب حفظ سلامتی می‌شود و طول عمر را افزایش می‌دهد. در این راستا می‌توان گفت نشاط جنبه‌ای از عواطف انسانی است که دارای جنبه‌های مختلف فردی، اجتماعی، روانی، جسمانی شناختی - عاطفی است. می‌توان گفت شخصی که به آ روزهایش دست یابد یا زندگی او در مسیری خوب و صحیح جریان داشته باشد، احساس نشاط واقعی را به دست آورده است. اهمیت این موضوع تا آنجاست که از سال ۲۰۰۰ سازمان ملل برای تعیین توسعه‌یافتگی کشورها متغیرهای نشاط، امید به آینده، خشنودی و رضایتمندی افراد جامعه نیز به عنوان یک متغیر کلیدی وارد محاسبات کرده است. به این صورت که اگر مردم یک جامعه

احساس نشاط، خشنودی و رضایتمندی نکنند نمی‌توان آن جامعه را توسعه‌یافته قلمداد کرد. (زارعی متین و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۶).

«یکی از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی که می‌تواند در ایجاد شادکامی نقشی اساسی ایفا نماید، سپهر فرهنگی است که از درجه سرمایه فرهنگی در فرد تبلور و حضور می‌یابد» (افشانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۶). مفهوم سرمایه فرهنگی به مجموعه‌ای از نمادها، عادت‌ها، منش‌ها، شیوه‌های زبانی، مدارک آموزشی و تحصیلی، ذوق و سلیقه‌ها گفته می‌شود. سرمایه فرهنگی واجد ابعاد عینی، درونی و نهادی یا ضابطه‌ای است. همچنین شامل تمایلات پایدار فرد است، یعنی شامل گرایش‌ها و عاداتی است که در طی فرایند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و شامل کالاهای فرهنگی، مهارت‌ها و انواع دانش مشروعه است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳). تمرکز اصلی تئوری سرمایه فرهنگی بر این است که فرهنگ از طریق سیستم آموزشی که بازتاب فرهنگ طبقه حاکم است، انتقال یافته و تشویق می‌شود و نهایتاً موجب بازتولید همان فرهنگ خواهد شد. به نظر بورديو سرمایه فرهنگی در درون یک فضای اجتماعی، پخش شده است و سپس به وسیله میراث، انتقال یافته و در نهایت به صورت فرهنگ سرمایه‌گذاری می‌شود (خوش فر و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۱). به طور کلی سرمایه فرهنگی یکی از عوامل توسعه تحقق فرهنگی است و توسعه فرهنگی زمینه‌ساز و مبنای توسعه ابعاد دیگر جامعه است.

سرمایه فرهنگی نیز که خود به تعبیر بورديو حاکمی از شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه‌های عمل مناسب و حاصل تحصیلات، مدارک، مهارت‌ها و تجربه‌های فرهنگی است، در توسعه‌ی یک جامعه شاد مؤثر است، چندان‌که آرگایل بر این باور است که افراد دارای سرمایه فرهنگی بیشتر، موفق‌تر بوده و این موفقیت نیز باعث سرور و شادمانی آن‌ها می‌شود (سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۰) می‌توان گفت افرادی که دارای سرمایه فرهنگی بیشتری برخوردارند در مسیر زندگی خود بیشتر احساس موفقیت و شادمانی می‌کنند و لازمه پیشرفت سازمان یا جامعه داشتن افراد بانشاط و باانگیزه است. بدین ترتیب به دلیل اهمیت مقوله شادی و تأثیر سرمایه فرهنگی بر آن، لذا انجام فرا تحلیلی منسجم برای نیل به تصویری جامع‌تر از وضع موجود موضوع و ارائه تصویر و چشم‌اندازی یکپارچه از یافته‌های علمی در این حوزه را ایجاب کرده است. با توجه به مباحث فوق، هدف کلی انجام فرا تحلیل پژوهش‌های رابطه بین سرمایه فرهنگی (متغیر مستقل) و شادی (متغیر وابسته)، اهداف فرعی تأثیر ابعاد سرمایه فرهنگی بر شادی در ایران در مهوروموم‌های اخیر است.

پیشینه تحقیق

اقلیما و ابراهیم نجف آبادی (۱۳۹۰) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که سرمایه فرهنگی تأثیر مستقیمی بر شادی دارد همچنین این ارتباط به ترتیب در ابعاد شناختی، احساسی و اجتماعی شادی قوی‌تر است. در حیطه ابعاد سرمایه فرهنگی بیشترین تأثیر بعد عینیت یافته، سپس بعد تجسم یافته و در نهایت بعد نهادی یا ضابطه‌ای است. در پژوهش اکبر زاده و همکاران (۱۳۹۲) میزان شادی در حد متوسط ارزیابی شده و به ترتیب اهمیت متغیرهای سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های شادی هستند. سهراب زاده و همکاران (۱۳۹۵) یافته‌ها نشان می‌دهند میزان شادی در بعد عاطفی در سطح بالاتری نسبت به ابعاد شناختی و اجتماعی قرار دارد. با افزایش میزان سرمایه اجتماعی و فرهنگی، بر احساس شادی شهروندان افزوده می‌شود. همچنین سرمایه فرهنگی به طور غیر مستقیم و با تأثیرگذاری بر سرمایه اجتماعی، به افزایش احساس شادی منجر می‌شود. هالر و هادلر (۲۰۰۶) موفقیت‌های شغلی، روابط اجتماعی خوب، مشارکت‌های اجتماعی و فرهنگی و شرایط اقتصادی برابر و عادلانه و وضعیت مناسب رفاه و دموکراسی سیاسی بر شادی افراد مؤثر است.

مبانی نظری

در این بخش، ابتدا مفاهیم سرمایه فرهنگی و شادی به عنوان متغیرهای مستقل و وابسته مورد بررسی قرار گرفته است. سپس رابطه بین دو مفهوم تشریح شده است.

شادی

در نیمه قرن بیستم، مقوله شادی و نشاط به عنوان یکی از موضوعات مهم، مورد توجه جامعه شناسان، روانشناسان و اقتصاددانان قرار گرفت. در ادبیات شادی تعاریف متعدد و مختلفی از شادی یافت می شود از آنجاکه شادی یکی از هیجانات اساسی بشر است، لذا هرکسی به فراخور خود آن را تجربه می نماید؛ اما تعریف شادی به سادگی تجربه آن نیست (انصاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۰). در فرهنگ عمید، لغت شاد در لغت، به معنای خشنود، خوش حال، خوش وقت، بی غم، خوش و خرم زیستن، زندگی کردن و زندگانی کردن و شادی به معنای شادمانی، خوش حالی و خوش دلی آمده است (عمید، ۱۳۸۹: ۶۱۰). می توان دو معنا از شادکامی تفکیک قائل شویم: یکی به لحظه ای که در آن به سر می بریم مربوط می شود و دیگری به زندگی در کلیت آن اشاره دارد (امیرکافی و زارع، ۱۳۹۱: ۴۴). «شادی یک هیجان یا طبع مثبت است که باعث برانگیختگی فرد می شود و نوعی احساس آرامش و گرمی خاص برای فرد به ارمغان می آورد. در تعریفی دیگر، شادی حالتی روانی است که موجب سازگاری، همسازی و هماهنگی فرد با محیط می شود و نیز تعادلی بین جسم و روح است و یا توانایی ایجاد تعادل مابین ایده آل های فردی و واقعیات اجتماعی، روان شناختی و جسمی» (اقلیما و نجف آبادی، ۱۳۹۰: ۴)؛ بنابراین انسان شادبود، پیشرفت شغلی و تحصیلی، سلامتی جسمی و روحی، در نتیجه توسعه و پیشرفت جامعه را به همراه خواهد داشت.

نشاط یک مفهوم چندبعدی است و از اجزای عاطفی، شناختی و ترکیبی (اجتماعی) تشکیل شده است.

عاطفی: جان لاک و جرمی بنتام^۱ در زمینه عاطفی معتقدند شادکامی مبتنی بر وقایع لذت بخش است. آیزنک^۲ شادکامی را مجموع لذت ها، منهای دردها و ترکیبی از حداکثر عاطفه مثبت به اضافه حداقل عاطفه منفی معرفی می کند (خسروی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۰). مؤلفه های زمینه عاطفی عبارت اند از: احساس امیدواری به آینده، لذت بردن از وضع موجود، احساس افتخار به خود، احساس راحتی و آرامش ذهنی، احساس خوش بین بودن به وقایع اطراف. می توان گفت شادی از منظر عاطفی، احساس لذت و خشنودی در ذهن و فکر یک فرد، یا همان احساس درونی است.

شناختی: در این زمینه، جامع ترین تعریف شادی را وینهوون^۳ (۱۹۸۸) ارائه می دهد. به نظر او، شادمانی به قضاوت فرد از درجه یا میزان مطلوبیت کیفیت کل زندگی اش اطلاق می گردد؛ به عبارت دیگر شادمانی به این معناست که فرد چقدر زندگی خود را دوست دارد (میرشاه جعفری و همکاران، ۱۳۸۱: ۵۱). مؤلفه های جزء شناختی می توان به رضایت از شغل، رضایت از همسر، رضایت از مسکن و وضعیت خوراک و پوشاک، رضایت از کلیت زندگی به شمار آورد؛ بنابراین شادی در این جزء، عقیده و ارزیابی فرد و رضایت از بخش های مختلف زندگی تعریف می شود.

ترکیبی (اجتماعی): در این جزء، تعاریف شادی یک وضعیت روانی پیچیده هم در بخش شناختی و هم در بخش عاطفی فرض می شود. در این زمینه آرگایل و کروسلند^۴ معتقدند: شادی یک وضعیت روحی – روانی است که از سه عنصر تشکیل شده است: وجود خلق و خو یا عواطف مثبت، فقدان خلق و خو و احساسات منفی و رضایت (خشنودی) از تمام زندگی یا بخش های خاص آن (فرانسیس، ۲۰۰۳ به نقل از ربانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۷) در این زمینه طبقه گفته پوتنام^۵، نشاط برحسب گستردگی و عمق روابط اجتماعی به بهترین شکل پیش بینی می شود (تمیزی فر، ۱۳۹۲: ۳۴). در این جزء از شادی گرایش ها و تمایلات فرد نسبت به اجتماع مانند شوخ طبعی و شوخی با دیگران، شرکت در مجالس جمعی، در برخورد با دیگران خندان بودن، تأثیرگذاری به وقایع و انسان های اطراف را شامل می شود. به طور کلی شادی را می توان در رضایت از کلیت زندگی یا بخش های مختلف از آن تعریف کرد. دیدگاه های نظری متعددی در باب شادی و نشاط اجتماعی وجود دارد. از قبیل نظریه های فلسفی،

1. John Locke & Jeremy Bentham

2. Izink

3. Veenhoven

4. Argyle & Crosland

5. Putnam

اقتصادی، روانشناسی و جامعه‌شناسی. بنابراین، با تنوع وسیعی از نظریه‌های مطرح در این زمینه روبرو هستیم اما گستردگی و تنوع نظریه‌های روان‌شناسی در خصوص شادی بیشتر از نظریه‌های جامعه‌شناسی است. لذا از نظریه‌های هر دو حیطه استفاده خواهیم کرد.

سیلگمن^۱ در نظریه نشاط و خوشبختی، سه نوع منبع را بیان می‌کند که عبارت‌اند از: ۱- لذایذ زندگی ۲- دلبستگی‌های زندگی ۳- کارهای مفید و هدفمند. منبع اول و دوم سلیقه‌ای هستند و به برداشت شخصی فرد از وقایع و رویدادهای زندگی بستگی دارند، اما منبع سوم به‌منظور دستیابی به ارزش‌ها صورت می‌گیرد و هدفی بالاتر از ارضای تمایلات فردی را دنبال می‌کند. به نظر سیلگمن، خوشبختی تلفیقی از سه منبع یادشده به حساب می‌آید (سیلگمن و دینر، ۲۰۰۲؛ به نقل از تمیزی فر، ۱۳۹۱: ۴۰). نظریه امید که توسط شو^۲ ارائه شده است یکی از زمینه‌های اصلی و مهم در به وجود آوردن شادی را، وجود امید نسبت به خود، زندگی و آینده می‌داند و نظریه خوش‌بینی که توسط پلی آنا^۳ معرفی شد افرادی که به جنبه مثبت قضا یا نگاه می‌کنند، امور خوب را به یاد می‌آورند، شادی بیشتری را تجربه می‌کنند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۲).

زیمل^۴ از اولین جامعه‌شناسانی است که به مسئله شادی توجه داشته است. «از نظر زیمل، شادی یک حالت کلی ذهن است که به توصیف شخصیت عاطفی انسان می‌پردازد. زیمل شادی را انعکاس حرکت مستمر زندگی توصیف می‌کند که در ورطه زندگی می‌افتد» (هزارجریبی و مردای، ۱۳۹۳: ۱۱). ریتزر^۵ با یک الگوی تلفیقی و ترکیبی، پدیده‌های اجتماعی را از نظر اندازه در طیف خرد و کلان قرار می‌دهد یعنی معتقد است آن‌ها از سطح فرد (شادی در افراد سازمان) شروع می‌شوند و به گروه، جامعه و جهان ختم می‌گردند و از ذهنیت به عینیت می‌رسند، یعنی اگر ذهن افراد شاد باشد عینیت که همان رفتار افراد هست هم شاد بودن را نشان می‌دهد (انصاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۴).

سرمایه فرهنگی

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در دهه‌های اخیر وارد حوزه جامعه‌شناسی شده است سرمایه فرهنگی است. مفهوم سرمایه فرهنگی اولین بار توسط پیربوردیو مطرح گردید. کارهای بوردیو، یکی از بهترین الگوهای فرهنگی در حال حاضر برای تحقیق در زمینه علوم اجتماعی به‌خصوص در جامعه‌شناسی فرهنگی است.

بوردیو^۶ سرمایه را کار انباشته تعریف می‌کند و از این نظر تا حدودی به تعریف مارکسیستی وفادار است. باین‌حال درک بوردیو از سرمایه، وسیع‌تر از معنای پولی سرمایه در اقتصاد است، سرمایه یک منبع عام است که می‌تواند شکل پولی و غیر پولی و همچنین ملموس و غیرملموس به خود گیرد (روحانی، ۱۳۸۸: ۱۲). به عقیده بوردیو در هر میدانی بازیگران یا گروه‌های اجتماعی چهار نوع سرمایه ردوبدل می‌شوند که عبارت‌اند از: سرمایه اقتصادی، یعنی ثروت و پولی که هر بازیگر اجتماعی در دست دارد؛ سرمایه فرهنگی، یعنی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد؛ سرمایه اجتماعی، یعنی شبکه‌ای از روابط فردی و گروهی که هر فردی در اختیار دارد؛ سرمایه نمادین، یعنی مجموعه ابزارهای نمادین، پرستیژ، حیثیت، احترام و قابلیت‌های فردی در رفتارها (فکوهی، ۱۳۹۲: ۳۰۰) جوهر نظریه بوردیو درباره انواع سرمایه در این امر نهفته است که سرمایه‌های غیراقتصادی یا غیرمادی نیز قابل انباشت، مبادله و تبدیل به سایر انواع سرمایه‌اند (کروبی، ۱۳۸۷: ۳۱۳).

بوردیو در تعریف سرمایه فرهنگی، آن را خصلت‌ها و عادات دیرپایی می‌داند که طی فرایند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و اهداف فرهنگی ارزشمندی مثل صلاحیت‌های تحصیلی و فرهیختگی را دربرمی‌گیرد (آن هایر و همکاران، ۱۹۹۵؛ به نقل از

1 Seligman

2 Show

3 Pelly Ana

4 Simmel

5 Ritzer

6 Bourdieu

گنجی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۱). سرمایه فرهنگی در حقیقت از مجموعه دست آورده‌های مادی و معنوی هر جامعه تشکیل می‌شود که توانایی تولید هرچه بیشتر عناصر فرهنگی و امکان هرچه گسترده‌تر آن را برای افراد جامعه فراهم می‌سازد (نصرآبادی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۳). بورديو درباره داشتن سرمایه فرهنگی کارکردهای را بیان می‌کند: ۱- کسب مشروعیت از طریق بقیه سرمایه‌ها منوط به تبدیل شدن آن‌ها به سرمایه فرهنگی است، یعنی کسی که به واسطه سرمایه فرهنگی منزلت دارد، می‌تواند روایت و برداشت خود را از دنیای اجتماعی بر دیگران تحمیل کند ۲- داشتن سرمایه فرهنگی بدان معناست که فرد می‌تواند خود را از الزامات زندگی روزمره جدا کند و نوعی گزینش دلخواه در عرصه فرهنگ انجام دهد به بیان خود بورديو، زیبایی‌شناسی محض، از اخلاق یا همان خلق و خوی فاصله گرفتن گزینشی از الزامات دنیای طبیعی و اجتماعی منشأ می‌گیرد (روحانی، ۱۳۸۸: ۳۲؛ گنجی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۲). به‌طور کلی سرمایه فرهنگی را می‌توان به‌عنوان یک دارایی تعریف کرد که مجسم کننده، ذخیره کننده یا تأمین کننده ارزش فرهنگی است (بابایی فرد و حیدریان، ۱۳۹۳: ۱۱۸). بورديو معتقد است که انواع سرمایه فرهنگی به سه صورت تجلی می‌یابد:

سرمایه فرهنگی تجسم یافته: این سرمایه نوعی ثروت بیرونی است که به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از فرد درآمده است این همان بخشی است که بورديو آن را بعد سرمایه‌ی فرهنگی همراه با تولد می‌نامد که نمی‌توان آن را از راه هدیه، خرید و یا مبادله به دیگری منتقل کرد (بابایی فرد و حیدریان، ۱۳۹۳: ۱۲۴). همچنین، گرایش به فعالیت‌ها و مصرف فرهنگی بخشی از توانایی‌ها و علائق فرد را نشان می‌دهند که مختص اوست و به ذهن و برداشت‌ها، توانایی‌ها و فهم آثار فرهنگی بستگی دارد. درواقع، افراد از طریق فعالیت‌های فرهنگی بخشی از نیازهای فرهنگی خود را تأمین می‌کنند و از این طریق به زندگی خود تنوع می‌بخشند و برای بالا بردن منزلت و جایگاه اجتماعی خود تلاش می‌کنند برای انجام دادن فعالیت فرهنگی ابتدا باید نوعی تمایل در شخص ایجاد شود که این مرحله بخشی از سرمایه فرهنگی تلقی می‌شود (تمنا و صمدی، ۱۳۹۵: ۱۱۰).

سرمایه فرهنگی عینیت یافته: در خصوص این سرمایه باید گفت که سرمایه فرهنگی تجسم یافته لازمه سرمایه فرهنگی عینیت یافته است. این سرمایه در کالاها و اشیای مادی تجسم می‌یابد و از ویژگی‌های بارز آن قابل انتقال بودن است (ربانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۵). برای مثال، آثار هنری مانند مجموعه‌ای از تابلوهای نقاشی را می‌توان درست همانند سرمایه اقتصادی (اگر نگوئیم بهتر از آن، زیرا انتقال سرمایه در اینجا نهانی‌تر است) منتقل کرد. درواقع کالاها و فرهنگی را می‌توان هم به‌طور مادی به تملک درآورد که مستلزم سرمایه اقتصادی است و هم به‌طور نمادین که مستلزم سرمایه فرهنگی است (روحانی، ۱۳۸۸: ۲۵).

سرمایه فرهنگی نهادینه شده (ضابطه‌ای): این نوع سرمایه اغلب به‌صورت اعتبارها یا کیفیات علمی یک فرد شناخته می‌شود. بورديو از دامنه سرمایه فرهنگی نهادینه شده مثال می‌زند و می‌گوید وجود این سرمایه، باعث می‌شود که تبدیل سرمایه فرهنگی به سرمایه اقتصادی (به‌واسطه خدمت اکتشافی که به فروشندگان می‌دهد تا سرمایه خود را به‌خوبی توصیف کنند و به خریداران می‌دهد تا نیاز سرمایه‌ای خود را به‌خوبی تبیین نمایند) با سهولت بیشتری صورت پذیرد (افشانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۱). این بعد از سرمایه فرهنگی شامل مدارک تحصیلی و علمی فرهنگی مانند مدارک مهارت فنی و حرفه‌ای، زبان و ورزشی است که نهادهای قانونی و مرتبط به آن رسمیت می‌بخشند؛ بنابراین این سرمایه قابل واگذاری نیست.

رابطه بین سرمایه فرهنگی و شادی

از نظر بورديو، سرمایه فرهنگی می‌تواند حاصل مهارت‌ها و تجربه‌هایی باشد که مجوز ورود به عرصه‌هایی را برای شخص و گروه‌ها فراهم سازد. رضایت و شادی نیز تا حدودی به استفاده از این مهارت‌ها و موفقیت‌ها بستگی دارد و این صرفاً به خاطر دریافت پاداش نیست، بلکه از انجام کار ماهرانه رضایت درونی حاصل می‌شود. عملکرد ماهرانه در فعالیت‌های تفریحی می‌تواند از طریق افزایش عزت‌نفس موجب رضایت شود (اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۳). می‌توان گفت سرمایه فرهنگی به‌طور غیرمستقیم تأثیر زیادی بر شادی دارد؛ افزایش عزت‌نفس یکی از این نمونه‌ها هست.

آرگایل (۱۳۸۳) معتقد است کسانی که سرمایه فرهنگی بیشتری دارند، موفق‌تر بوده و این موفقیت باعث سرور و شادمانی آن‌ها می‌شود. از طرفی سرمایه فرهنگی در قالب‌های متفاوتی چون تحصیلات و مدارج آموزشی و مهارت‌ها و تجارب نمود

می‌یابد. بسیاری از مطالعات بر همبستگی میان تحصیلات و خوشبختی تأکید می‌کنند؛ اما تحصیلات، خود به انتظاراتی منجر می‌شود که اگر نتوان آن‌ها را برآورده ساخت، تأثیرات سوء بر شادی می‌گذارند. از سوی دیگر، تحصیلات با میانجیگری دیگر متغیرها به شکل غیرمستقیم نیز بر شادی تأثیر می‌گذارند؛ این امر از طریق به دست آوردن شغل رضایت‌بخش، افزایش کنترل و دستیابی بهتر به ازدواج و دیگر حمایت‌های اجتماعی عمل می‌کند (سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۹). به‌طور کلی، سرمایه فرهنگی افراد، زمینه‌های ارزیابی و تفسیر متفاوت رویدادها و به عبارتی دانش‌های متفاوتی را برای آنان فراهم می‌کند که این مقوله بر اساس رویکردهای شناختی که بروز و ظهور هیجانات را تولید تفکر انسان، نوع تفسیر او از رویدادها و به‌طور کلی بازتاب نوع ادراک او از وقایع می‌دانند هیجانات متفاوتی در افراد و گروه‌های متعدد ایجاد می‌کند. لذا میزان دسترسی افراد به سرمایه‌های فرهنگی موجب احراز نوع خاصی از سبک زندگی توسط آن‌ها می‌شود. آن‌چنان‌که سبک زندگی افراد مجموعه تفکرات، تفاسیر و ادراکات آن‌ها را تشکیل می‌دهند و آن بر بروز هیجانات خاص (شادی، غم و...) مؤثر واقع می‌شود (ربانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۶).

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع فرا تحلیل است. در پژوهش فرا تحلیل، محقق با ثبت ویژگی‌ها و یافته‌های توده‌ای از تحقیقات در قالب مفاهیم کمی، آن‌ها را آماده استفاده از روش‌های نیرومند آماری می‌کند و نتایج جدید و منسجم را با استفاده از روش‌های نیرومند آماری استخراج می‌کند. روش مذکور خود مرکب از چند مرحله است: ۱- تعریف موضوع پژوهش: موضوع پژوهش حاضر بررسی ارتباط میان سرمایه فرهنگی (متغیر مستقل) با شادی (متغیر وابسته) است. ۲- جمع‌آوری نظام‌مند مطالعات انجام‌شده در زمینه موضوع مدنظر: جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه پژوهش‌های انجام‌شده در ایران در سال‌های ۱۳۹۵ - ۱۳۸۶ با موضوع مشابه تحقیق حاضر است که در یکی از پایگاه‌های اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۱، بانک اطلاعات نشریات کشور^۲، مجلات تخصصی نورمگز^۳، مرکز اسناد و مدارک علمی ایران^۴، نمایه شده باشند. ۳- غربال مطالعات و گزینش مطالعات مناسب: ۸ سند پژوهشی که حائز شرایط و ملاک‌های اولیه همچون داشتن ضریب همبستگی، سطح معناداری و مشخص بودن حجم نمونه بودند، برای ترکیب کمی نتایج و به دست آوردن نتیجه احصاء شدند. تعداد ۵ پژوهش از ۸ تحقیق، دارای اندازه اثر ابعاد سرمایه فرهنگی بر شادی بودند. ۴- گردآوری اطلاعات لازم از هر یک از مطالعات: فهرست اطلاعاتی که از مطالعات مذکور استخراج شده است شامل موارد زیر است: اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش (ضریب همبستگی و سطح معناداری) و حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری. در این مرحله علاوه بر گردآوری داده‌ها، هر یک از مطالعات کدبندی شده و برای مرحله‌ی بعدی در نرم‌افزار CMA وارد شد. ۵- محاسبه اندازه اثر^۵: روش اصلی فرا تحلیل مبتنی بر ترکیب نتایج است که معمولاً پس از تبدیل آماره‌ها به شاخص (I) و برآورد اندازه اثر مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای تحلیل استنباطی داده‌ها نیز ابتدا به بررسی مفروضات فرا تحلیل پرداخته شده است، به‌نجوی که به کمک نمودار قیفی^۶ ایمن از خطابه بررسی انتشار و با آزمون Q به بررسی همگنی مطالعات پرداخته شد، سپس با توجه به همگنی بین مطالعات مورد بررسی مدل اثرات ثابت برای ترکیب نتایج و رسیدن به اندازه اثر به کار گرفته شد. در جدول زیر خلاصه اطلاعات مربوط به مطالعات مختلف پیرامون رابطه بین سرمایه فرهنگی با شادی نمایش داده شده است.

1 SID

2 Magiran

3 Noormags

4 Irandoc

5 Effect size

6 Funnel plot

جدول شماره (۱): خلاصه اطلاعات جمع آوری شده

ردیف	محقق و سال	حجم نمونه	محل پژوهش	ضریب همبستگی کل و ابعاد به ترتیب (عینیت یافته، تجسم یافته، نهادینه شده)	نمونه گیری
۱	ربانی و همکاران (۱۳۸۶)	۳۸۴	شهر اصفهان	۰/۳۳۳ ۰/۳۰۵ ۰/۲۷۶ ۰/۲۴۲	-
۲	سهراب زاده و همکاران (۱۳۹۵)	۳۸۴	شهرستان آران و بیدگل	۰/۴۰۲ ۰/۳۳۱ ۰/۴۱۱ ۰/۳۸۲	-
۳	اقلیما و نجف آبادی (۱۳۹۰)	۲۰۰	شهر اصفهان	۰/۳۳۷ ۰/۳۱۰ ۰/۲۷۵ ۰/۲۴۸	متناسب با منطقه
۴	خوش فر و همکاران (۱۳۹۳)	۳۸۰	شهر بابلسر	۰/۳۰۱ ۰/۲۸۹ ۰/۲۳۸ ۰/۱۱۱	تصادفی
۵	افشانی و همکاران (۱۳۹۳)	۳۶۸	شهر یزد	۰/۲۴۸ ۰/۱۴۲ ۰/۲۸۲ ۰/۱۶۱	طبقه ای
۶	عباس زاده و همکاران (۱۳۹۱)	۳۷۸	شهر تبریز	۰/۳۶۰ -	تصادفی طبقه ای
۷	سلامتی و ابراهیم پور (۱۳۹۵)	۳۳۳	شهر تبریز	۰/۲۹۰ -	تصادفی طبقه ای
۸	اکبر زاده و همکاران (۱۳۹۱)	۳۷۶	شهر بابلسر	۰/۳۰۱ -	-

جدول شماره (۲): خلاصه اطلاعات مربوط به فراتحلیل بر روی پژوهش های نمونه

$\hat{q}_i^2$	نویسندگان	اندازه اثر کل و ابعاد به ترتیب (عینیت یافته، تجسم یافته، نهادینه شده)	حد پایین	حد بالا	z-value	p-value
۱	ربانی و همکاران	۰/۳۳۳ ۰/۳۰۵ ۰/۲۷۶ ۰/۲۴۲	۰/۲۴۱ ۰/۲۱۱ ۰/۱۸۱ ۰/۱۴۵	۰/۴۱۹ ۰/۳۹۳ ۰/۳۶۶ ۰/۳۳۴	۶/۷۵۸ ۶/۱۴۹ ۵/۵۳۱ ۴/۸۱۹	۰/۰۰۱
۲	سهراب زاده و همکاران	۰/۴۰۲ ۰/۳۳۱ ۰/۴۱۱ ۰/۳۸۲	۰/۳۱۵ ۰/۲۳۹ ۰/۳۲۴ ۰/۲۹۳	۰/۴۸۳ ۰/۴۱۷ ۰/۴۹۱ ۰/۴۶۴	۸/۳۱۶ ۶/۷۱۴ ۸/۵۲۶ ۷/۸۵۵	۰/۰۰۱
۳	اقلیما و نجف آبادی	۰/۳۳۷ ۰/۳۱۰ ۰/۲۷۵ ۰/۲۴۸	۰/۲۰۸ ۰/۱۷۹ ۰/۱۴۲ ۰/۱۱۳	۰/۴۵۴ ۰/۴۳۰ ۰/۳۹۹ ۰/۳۷۴	۴/۹۲۲ ۴/۴۹۹ ۳/۹۶۲ ۳/۵۵۵	۰/۰۰۱
۴	خوش فر و همکاران	۰/۳۰۱ ۰/۲۸۹ ۰/۲۳۸ ۰/۱۱۱	۰/۲۰۷ ۰/۱۹۴ ۰/۱۴۱ ۰/۰۱۱	۰/۳۹۰ ۰/۳۷۹ ۰/۳۳۱ ۰/۲۰۹	۶/۰۳۱ ۵/۷۷۶ ۴/۷۱۱ ۲/۱۶۴	۰/۰۰۱
۵	افشانی و همکاران	۰/۲۴۸ ۰/۱۴۲ ۰/۲۸۲ ۰/۱۶۱	۰/۱۵۰ ۰/۰۴۰ ۰/۱۸۵ ۰/۰۶۰	۰/۳۴۲ ۰/۲۴۱ ۰/۳۷۳ ۰/۲۵۹	۴/۸۳۹ ۲/۷۳۱ ۵/۵۳۸ ۳/۱۰۳	۰/۰۰۱
۶	عباسی زاده و همکاران	۰/۳۶۰	۰/۲۶۹	۰/۴۴۵	۷/۲۹۸	۰/۰۰۱
۷	سلامتی و ابراهیم پور	۰/۲۹۰	۰/۱۸۸	۰/۳۸۵	۵/۴۲۴	۰/۰۰۱
۸	اکبرزاده و همکاران	۰/۳۰۱	۰/۲۰۶	۰/۳۹۰	۵/۹۹۹	۰/۰۰۱

ادامه جدول شماره ۲	اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	z-value	p-value
اثرات ترکیبی ثابت کل	۰/۳۲۲	۰/۲۸۹	۰/۳۵۵	۱۷/۶۱۵	۰/۰۰۱
اثرات ترکیبی تصادفی کل	۰/۳۲۲	۰/۲۸۸	۰/۳۵۶	۱۷/۳۲۱	۰/۰۰۱
اثرات ترکیبی عینیت یافته	۰/۲۷۵	۰/۲۰۶	۰/۳۴۱	۷/۵۵۶	۰/۰۰۱
اثرات ترکیبی تجسم یافته	۰/۲۹۹	۰/۲۳۵	۰/۳۶۱	۸/۶۹۶	۰/۰۰۱
اثرات ترکیبی نهادینه	۰/۲۳۱	۰/۱۳۱	۰/۳۲۶	۴/۴۶۵	۰/۰۰۱

بر طبق جدول شماره دو در تمامی ۸ مطالعه موردبررسی، ارتباط بین سرمایه فرهنگی و شادی با اطمینان ۹۹ درصد معنادار بوده و بزرگترین مقدار اندازه اثر مربوط به مطالعه (سهراب زاده و همکاران) و کوچکترین مقدار اندازه اثر مربوط به مطالعه (افشانی و همکاران) است. همچنین هر دو اثرات ثابت و اثرات تصادفی در سطح ۱ درصد معنادار هستند. از مجموع ۸ مقاله بررسی شده، ۵ مقاله به بررسی ابعاد سرمایه فرهنگی با شادی پرداخته شده است. از میان ابعاد سرمایه فرهنگی، بعد تجسم یافته با اندازه اثر ۰/۲۹۹ دارای بیشترین اندازه اثر در رابطه با احساس شادی است. بعد نهادینه شده یا ضابطه ای با اندازه اثر ۰/۲۳۱ دارای کمترین اندازه اثر در رابطه با احساس شادی است.

یافته‌ها

در این قسمت ابتدا به بررسی مهم‌ترین پیش‌فرض‌های فرا تحلیل (همگن بودن مطالعات انجام‌شده و بررسی خطای انتشار در میان مطالعات) پرداخته خواهد شد.

- بررسی مفروضه همگنی مطالعات انجام‌شده

یک بخش از هر فرا تحلیل، آزمون همگنی مطالعات است که به منظور بررسی این مفروضه آزمون Q به کاررفته می‌شود. نتایج حاصل از بررسی این آزمون در جدول ذیل ارائه شده است.

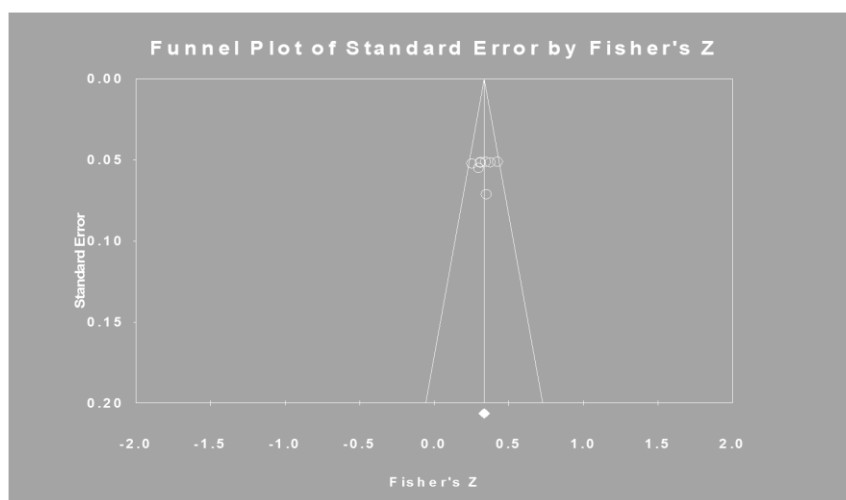
جدول شماره (۳): نتایج حاصل از آزمون

شاخص آماری	مقدار (Q) آزمون	df) درجه آزادی	(P-Value)	(I)I-Squared
نتایج	۷/۲۳۱	۷	۰/۴۰۵	۳/۱۹۳

با توجه به نتایج حاصل از آزمون (Q), $P > 0.05$ مبنی بر همگن بودن مطالعات انجام‌شده فرض همگنی میان پژوهش‌ها تأیید می‌شود. به بیانی دیگر معنادار بودن شاخص Q نشان‌دهنده وجود ناهمگنی در اندازه اثر پژوهش‌های اولیه است؛ اما از آنجاکه این شاخص به افزایش تعداد اندازه اثر حساس بوده و با افزایش تعداد اندازه اثر توان این آزمون برای رد همگنی بالا می‌رود، ضریب مجذور I شاخص دیگری است که به همین منظور مورداستفاده قرار می‌گیرد. هر چه مقدار این ضریب به ۱۰۰ درصد نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده ناهمگنی بیشتر اندازه اثر پژوهش‌های اولیه است. لذا همگنی مطالعات تأیید می‌شود.

- بررسی مفروضه خطای انتشار

نداشتن سوگیری انتشار یکی از پیش‌فرض‌های مهم فرا تحلیل محسوب می‌شود. در این فرا تحلیل برای بررسی تورش انتشار از نمودار قیفی استفاده شده است. در نمودار قیفی محور افقی نشان‌دهنده مقادیر اندازه اثر و محور عمودی خطای معیار آن‌ها است.



نمودار (۱): نمودار قیفی تورش انتشار پژوهش‌های اولیه

در نمودار قیفی، مطالعاتی که دارای خطای استاندارد پایین بوده و بالای قیف جمع می‌شود، دارای سوگیری انتشار نیستند و هرچه به سمت پایین کشیده شوند، دارای خطای استاندارد بیشتر و در نتیجه سوگیری انتشار بیشتری هستند. در این پژوهش با توجه به نمودار شماره ۱، مطالعات مورد استفاده شده در این فرا تحلیل دارای سوگیری انتشار کم است.

ضریب اثر

با توجه به اینکه پس از بررسی مفروضات فرا تحلیل این نتیجه حاصل شده که باید از مدل اثر ثابت به منظور ترکیب نتایج برای گزارش اندازه اثر استفاده شود، بنابراین در جدول چهار گزارش اندازه اثر مطالعات انجام شده در مدل ثابت ارائه شده است.

جدول شماره (۴): اندازه اثر مطالعات رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدیریت دانش

رابطه متغیرها	تعداد مطالعات	اندازه اثر (r)	حد پائین	حد بالا	Z-Value	P-Value
سرمایه فرهنگی و شادی	۸	۰/۳۲۲	۰/۲۸۹	۰/۳۵۵	۱۷/۶۱۵	۰/۰۰۱

محاسبات آماری بیان گر این مطلب هستند که میانگین اندازه سرمایه فرهنگی (اثرات ترکیبی ثابت) بر شادی در نمونه مورد پژوهش معادل ۰/۳۲۲ است. از آنجایی که اندازه برآورد شده در محدوده اطمینان است، بنابراین باید اذعان داشت که تأثیر سرمایه فرهنگی بر شادی تأیید می‌شود. لازم به ذکر است برآورد نقطه‌ای به دست آمده (۰/۳۲۲) بر مبنای معیار کوهن جدول شماره پنج حاکی از اثر در حد متوسط است؛ بنابراین سرمایه فرهنگی در سطح متوسط می‌تواند بر شادی مؤثر باشد.

جدول شماره (۵): نظام تفسیر اندازه اثر کوهن

اندازه اثر	R	D
کم	۰/۱	۰/۲
متوسط	۰/۳	۰/۵
زیاد	۰/۵	۰/۸

با توجه به نتایج حاصل از همگنی مطالعات و تصدیق مفروضات فرا تحلیل دیگر نیازی به متغیر تعدیل گر نیست.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شادی به عنوان یکی از هیجانات اساسی اولیه و نیاز طبیعی انسان است و در همه افراد وجود دارد و باید به درستی به آن پاسخ داده شود. نشاط جنبه‌ای از عواطف انسانی است که دارای جنبه‌های مختلف فردی، اجتماعی، روانی، جسمانی شناختی – عاطفی است. می‌توان گفت شخصی که به آ روزهایش دست یابد یا زندگی او در مسیری خوب و صحیح جریان داشته باشد، احساس نشاط واقعی را به دست آورده است؛ بنابراین انسان شاد، پیشرفت شغلی و تحصیلی، سلامتی جسمی و روحی، ایجاد روابط صمیمی بهتر و پایدارتر و در نتیجه توسعه و پیشرفت جامعه را به همراه خواهد داشت. عوامل متعددی در ایجاد احساس شادی دخیل هستند. یکی از مهم‌ترین آن‌ها سرمایه فرهنگی است. می‌توان گفت افراد با داشتن سرمایه فرهنگی در مسیر زندگی خود احساس شادی و موفقیت بیشتری را کسب خواهند کرد. به طور کلی لازمه توسعه پیشرفت جامعه و زندگی توسعه فرهنگی است. با توجه به این اهمیت، پژوهش حاضر از نوع فرا تحلیل است. فرا تحلیل با یکپارچه کردن نتایج حاصل از پژوهش‌های مختلف که روی نمونه‌های متعددی اجرا شده‌اند، برای نیل به تصویری جامع تر از وضع موجود موضوع و ارائه تصویر و چشم‌اندازی یکپارچه از یافته‌های علمی در این حوزه را ایجاد کرده است. با توجه به نتایج بده دست آمده، میان سرمایه فرهنگی با شادی رابطه معناداری مثبت وجود دارد. در گام نخست و در بررسی مفروضات همگنی ۸ پژوهش مورد نظر، آزمون

Q، فرضیه صفر مبنی بر همگن بودن مطالعات انجام شده و فرض همگنی اندازه اثر پژوهش‌ها را مورد تأیید قرارداد. ارزیابی مفروضه خطای انتشار نیز نشان داد که فرضیه صفر مبنی بر متقارن بودن نمودار کیفی و عدم سوء گیری انتشار، تأیید شده است. در بعد تحلیلی یافته‌ها نشان دادند که میانگین اندازه اثر یا تأثیر سرمایه فرهنگی بر شادی، معادل ۰/۳۲۲ است که بر مبنای نظام تفسیر ارائه شده از سوی کوهن، حاکی از اثر در حد متوسط است؛ بنابراین سرمایه فرهنگی در سطح متوسطی می‌تواند بر شادی و نشاط مؤثر باشد. همچنین در مقایسه با میانگین اندازه اثر حاصله، ۴ مطالعه از ۸ پژوهش مورد بررسی، اندازه اثری بالاتر از ضریب حاصله و ۴ پژوهش نیز اندازه اثری پایین‌تر از آن کسب کرده‌اند... می‌توان گفت بالاترین اندازه اثر (۰/۴۰۲) مربوط به پژوهش سهراب زاده و همکاران (۱۳۹۵) و پایین‌ترین اندازه اثر (۰/۲۴۸) مربوط به مطالعه افشانی و همکاران (۱۳۹۳) است. همچنین، بررسی مقالات صورت گرفته در زمینه سرمایه فرهنگی با شادی نشان می‌دهد که از مجموع ۸ مقاله موجود، تنها ۵ مقاله به صورت مجزا ارتباط ابعاد سرمایه فرهنگی (عینیت یافته، تجسم یافته، نهادینه شده) با شادی را سنجیده است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که از میان ابعاد سرمایه فرهنگی به ترتیب ابعاد عینیت یافته با اندازه اثر (۰/۲۷۵) و بعد تجسم یافته با اندازه اثر (۰/۲۹۹) بیشترین تأثیر و بعد نهادینه شده با اندازه اثر (۰/۲۳۱) کمترین تأثیرگذاری در رابطه با شادی و نشاط دارد.

همه ساختارها، مقررات، آداب و رسوم اجزای فرهنگ را تشکیل می‌دهند که در قالب سرمایه‌های فرهنگی افراد و گروه‌ها تجسم می‌یابند. قالب متجسد مانند (مهارت در رشته‌های ورزشی، رشته‌های هنری، رشته‌های علمی و...) و عینیت یافته مانند مصرف کالاهای فرهنگی؛ بعد نهادی مانند (مدارک تحصیلی و آموزشی و گواهی‌های رانندگی و زبان) در افراد رضایت درونی یا افزایش عزت نفس و حس موفقیت را به همراه دارد. در نتیجه میزان احساس شادی و نشاط افزایش می‌یابد. به طور کلی برای افزایش احساس شادی در سطوح فردی و جمعی داشتن سرمایه فرهنگی تأثیرگذار است. بر اساس یافته‌های به دست آمده، در اینجا به چند پیشنهاد که می‌تواند در افزایش شادی نقش داشته باشد، اشاره می‌شود: تولید برنامه‌های شاد در صداوسیما افزایش یابد؛ ضرورت برنامه و محیط شاد در دانشگاه‌ها و مدارس مانند برگزاری کلاس‌ها هنری و مسابقات؛ افزایش مکان‌هایی برای گسترش مهارت‌های فرهنگی؛ ایجاد کتابخانه‌های بیشتر و سیار به ویژه عموم مردم؛ برگزاری جشنواره‌های مهارتی مانند هنرهای دستی و آشپزی؛ برگزاری جشنواره‌های فرهنگی مانند زوج خوشبخت و مسابقه بین خانواده‌ها با همکاری اداره دولتی و خصوصی؛ فرهنگ سازی و آگاهی رسانی درباره مفهوم شادی و زندگی شاد؛ فرهنگ سازی برای افزایش بازی‌های خانوادگی مانند اسم و فامیل؛ اصلاح باورهای فرهنگی در مورد شادی به ویژه جوانان؛ دولت باید با برنامه ریزی فرهنگی و مدیریت فرهنگی متناسب در ایجاد حس شادی و زندگی بهتر گام های بیشتر و منظم تری بردارد.

منابع

- ۱- انصاری، ابراهیم؛ غضنفری، احمد؛ فرهنگیان، مینا؛ مکوندی، آذیتا (۱۳۹۲)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شادی در محیط کار شرکت ملی حفاری ایران، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر، سال هفتم، شماره ۲۰.
- ۲- اکبرزاده، فاطمه؛ دهقانی، حمید؛ خوشفر، غلامرضا؛ جانعلی زاده چوب بستی، حیدر (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر شادی جوانان. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و چهارم، شماره پیاپی ۵۰، شماره دوم.
- ۳- اقلیما، مصطفی؛ ابراهیم نجف آبادی، اعظم (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر میزان سرمایه فرهنگی در میزان احساس شادی زنان
- ۴- جوان (۲۴-۱۵ ساله) در شهر اصفهان، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول.

- ۷- افشانی، سید علیرضا؛ خرم پور، یاسین؛ ممبینی، سجاد (۱۳۹۳)، بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و شادکامی مطالعه موردی:
- ۸- دانشجویان دانشگاه یزد، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال دهم، شماره ۳۶.
- ۹- امیرکافی، مهدی؛ زارع، بهنام (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر شادکامی (مطالعه موردی: شهر کرمان). فصلنامه
- ۱۰- راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال دوم، شماره پنجم.
- ۱۱- آرگایل، مایکل (۱۳۸۳). روانشناسی شادی، ترجمه: مسعود گوهری انارکی، حمید طاهر نشاط دوست، حسن پالاهنگ
- ۱۲- و فاطمه بهرامی، اصفهان: جهاد دانشگاهی، چاپ دوم.
- ۱۳- باقی نصرآبادی، علی؛ شادالویی، نوری؛ امین پور، فاطمه؛ طاهری، هادی (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی فرهنگی، قم، نشر:
- ۱۴- یاقوت، چاپ اول.
- ۱۵- بابایی فرد، اسدالله؛ حیدریان، امین (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان، مجله علوم
- ۱۶- اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، سال دوازدهم، شماره اول.
- ۱۷- تمنا، سعید؛ صمدی، سمیه (۱۳۹۵)، رابطه سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی با میزان آگاهی دانشجویان از فرهنگ دانشگاهی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۲، شماره ۱.
- ۱۸- تمیزی فر، ریحانه (۱۳۹۲)، تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی شهر اصفهان، نشر: دفتر تبلیغات اسلامی
- ۱۹- حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- ۲۰- خسروی، صدراله؛ قمرانی، امیر؛ بردیده، محمدرضا (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر بر شادکامی دانشجویان دانشگاه آزاد
- ۲۱- واحد فیروزآباد، فصلنامه رشد (مشاور مدرسه)، دوره ششم، شماره ۱.
- ۲۲- خوش فر، غلامرضا؛ جانعلی زاده، حیدر؛ اکبرزاده، فاطمه؛ دهقانی، حمید (۱۳۹۴)، سرمایه فرهنگی و شادی جوانان،
- ۲۳- فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال یازدهم، شماره ۳۸.
- ۲۴- روحانی، حسن (۱۳۸۸)، درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳.
- ۲۵- ربانی، رسول؛ ربانی، علی؛ عابدی، علی؛ گنجی، محمدرضا (۱۳۸۶)، فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در
- ۲۶- زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۸.
- ۲۷- زارعی متین، حسن؛ جندقی، غلامرضا؛ حق‌گویان، زلفا (۱۳۸۸)، شناسایی مؤلفه‌های نشاط در محیط کار و سنجش
- ۲۸- وضعیت این مؤلفه‌ها در سازمان‌های اجرایی استان قم، مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۲.
- ۲۹- سهراب زاده، مهران؛ حسینی زاده، سید سعید؛ امامعلی زاده، حسین؛ سخایی، ایوب (۱۳۹۵)، سرمایه و شادی؛ پژوهشی
- ۳۰- در باب ارتباط میان سرمایه اجتماعی و فرهنگی با احساس شادی (مورد مطالعه: شهروندان شهرستان آران و بیدگل)، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸.
- ۳۱- سلامتی، رقیه؛ ابراهیم پور، داوود (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و فرهنگی با میزان نشاط اجتماعی در بین
- ۳۲- کودکان و نوجوانان ۱۲-۱۸ سال مقیم مراکز تحت حضانت بهزیستی و کودکان و نوجوانان تحت حضانت اقوام، مطالعات جامعه‌شناسی، سال هشتم، شماره ۳۲.
- ۳۳- شریفی، خدیجه؛ سوکی، زهرا؛ تقربی، زهرا؛ اکبری، حسین (۱۳۸۹)، وضعیت نشاط و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان

- ۳۴- دانشگاه علوم پزشکی کاشان طی سال تحصیلی ۸۶-۱۳۹۵، فصلنامه فیض، دوره ۱۴، شماره ۱.
- ۳۵- عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، نشر: رهیاب نوین هور.
- ۳۶- عباس زاده، محمد؛ علیزاده اقدم، محمد باقر؛ کوهی، کمال؛ علی پور، پروین (۱۳۹۱)، انواع سرمایه‌ها، حلقه مفقوده در
- ۳۷- تبیین شادکامی دانشجویان (دانشجویان دانشگاه تبریز)، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
- ۳۸- فکوهی، ناصر (۱۳۹۲)، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران، نشر: نی، چاپ هشتم.
- ۳۹- کروی، مهدی (۱۳۸۷)، فرهنگ قومی، سرمایه فرهنگی و صنعت گردشگری، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ۷، شماره ۲۸.
- ۴۰- گنجی، محمد؛ حسین بر، محمد عثمان؛ کریمیان، مینا (۱۳۹۴)، بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سبک زندگی در بین
- ۴۱- مردان شهر زاهدان، فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال اول، شماره دوم.
- ۴۲- محمدی، جمال؛ ودادهیر، ابوعلی؛ محمدی، فردین (۱۳۹۱)، مناسبات سرمایه فرهنگی و سبک زندگی (پیمایشی در
- ۴۳- میان شهروندان طبقه متوسط شهر سمنان)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۴.
- ۴۴- میرشاه جعفری، ابراهیم؛ عابدی، محمدرضا؛ دریکوندی، هدایت الله (۱۳۸۱)، شادمانی و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه
- ۴۵- تازه‌های علوم شناختی، سال ۴، شماره ۳.
- ۴۶- موسوی، میرطاهر؛ رفیعی، حسن؛ قاسم‌زاده، داود (۱۳۹۴)، بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و شادی
- ۴۷- در بین شهروندان، فصلنامه آموزش و ارزشیابی، سال هشتم، شماره ۳۰.
- ۴۸- هزارجریبی، جعفر؛ مرادی، سجاد (۱۳۹۳)، نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن (مطالعه‌ای در بین دانشجویان دانشگاه
- ۴۹- علامه طباطبایی)، فصلنامه مطالعات ملی، سال پانزدهم، شماره ۴.
- 50- Anheier, H. Gerhards, J. & Romo, F. (1995). "Forms of capital and Social
- 51- Structure in Cultural Fields: examining Bourdieu's social topography. American Journal of Sociology 100, 859-903.
- 52- Francis, L. (2003), *the Relationship between Religion and Happiness among*
- 53- *German Students*, Pastoral Psychology, vol. 51, no. 4.
- 54- Haller, M.; Hadler, M. (2006). "How social relations and structures can Produce happiness and unhappiness: An international comparative analysis", *Social Indicators Research*, vol. 75, pp 169-216.
- 55- Seligman and Dainer, E.M. (2002) "Very happy people" psychological Science, 13, 4-81.
- 56- Veenhoven, R. (1988). *The utility of happiness*. Social Indicators Research, 20, 254-333.

امکان سنجی استقرار مدیریت جانشین‌پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی

فاطمه بخشایشی

دانشجوی دکترای مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد تبریز

چکیده

مقاله حاضر با هدف امکان سنجی استقرار مدیریت جانشین‌پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۶ انجام شد. روش تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی و جامعه آماری شامل کلیه مدیران و کارکنان بهزیستی شهرهای مختلف استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۶ به تعداد ۸۸۴ نفر بود که با استفاده از فرمول کوکران ۲۶۸ نفر بصورت تصادفی طبقه ای نسبتی انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار اندازه گیری پرسشنامه محقق ساخته با استفاده از مراحل ششگانه فالمر و کانگر (۲۰۰۴) و مدل جانشین‌پروری کیم (۲۰۰۶) به شرح زیر طراحی و با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی شاخصهای شناسایی شده در شش عامل: ۱- تعیین خط مشی در تعهد مدیران ارشد به سیستم مدیریت جانشین‌پروری ۲- تعیین خط مشی در شناسایی پست های کلیدی ۳- ارزیابی کاندیدها در تعیین شایستگی های مورد نیاز پست های کلیدی ۴- ارزیابی کاندیدها در شناسایی استعدادهای کاندیدها ۵- توسعه کاندیدها در روشهای خارج از محیط کار/ ضمن خدمت و ۶- ارزیابی سیستم مدیریت جانشین‌پروری در فرایند/ نتیجه، طبقه بندی و مراحل ششگانه استقرار مدیریت جانشین‌پروری در بهزیستی شناسایی شدند. جهت سنجش روایی پرسشنامه از اعتبار محتوایی و سازه ای و جهت سنجش پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شد که مورد تایید قرار گرفتند. نتایج آزمون t تک نمونه ای نتایج نشان داد در مجموع امکان استقرار مدیریت جانشین‌پروری وجود ندارد و از بین شاخصهای ششگانه آن نیز؛ فقط شاخصهای تعیین خط مشی در تعهد مدیران در سیستم مدیریت جانشین‌پروری و ارزیابی سیستم مدیریت جانشین‌پروری در فرایند و نتیجه در سطح ضعیف استقرار یافته اند. ولی امکان استقرار سایر شاخصها در سازمان مربوطه وجود ندارد.

کلید واژه‌ها: مدیریت جانشین‌پروری، تعیین خط مشی، ارزیابی کاندیدها، توسعه کاندیدها، ارزیابی سیستم مدیریت جانشین‌پروری

مقدمه

سازمان‌ها بدون وجود نیروی انسانی نه تنها مفهومی ندارند، بلکه اداره آنها نیز میسر نخواهد بود. حتی با وجود فناورشدن سازمان‌ها و تبدیل آنها به توده‌ای از سخت‌افزار، همچنان نقش انسان به عنوان عاملی حیاتی و راهبردی در بقای سازمان، کاملاً مشهود است. هر کدام از این سازمان‌ها نیازمند یک رهبری خاص است و بی‌شک همه مدیران می‌دانند که موفقیت آنان به نیروی انسانی موجود در سازمان‌ها بستگی دارد و این اندیشه در آنان موجب شده است تا به دنبال سبک مناسب در اداره امور سازمان‌ها باشند.

هیچ سازمانی را نمی‌توان یافت که رشدی مستمر و موفقیتی پایدار را تجربه کرده باشد مگر آنکه توسط مدیر یا تیمی از مدیران و رهبران شایسته و کارآمد اداره و هدایت شده باشد. دنیای سازمانی آینده همچنین به تعداد بیشتری از مدیران و

رهبران نیازمند است (لمبرتیدز، ۲۰۰۹). گسترش سریع و تهاجمی بازار جهانی، سازمان‌ها را برای شناسایی افراد با مهارت مناسب و توانایی‌های بالقوه هدایت سازمان‌ها در آینده‌ای چالش‌انگیز با مشکلی جدی روبرو کرده است. رشد اقتصاد رقابتی و تغییر جمعیتی نیروی کار، رقابت شدیدی برای کارکنان با مهارت بالا ایجاد کرده است که وجود نظام مدیریت جانشین‌پروری را برای جذب و توسعه و نگاه‌داشت نیروی انسانی با استعداد برای پست‌های کلیدی سازمان ضروری ساخته است (گروز، ۲۰۰۷). برخی صاحب‌نظران موضوع «جانشین‌پروری» را دومین چالش اساسی پیش‌آوری سازمان‌های امروز قلمداد می‌کنند و بر این باورند که اگر سازمان‌ها برنامه‌های مدون استراتژیک برای جانشین‌پروری به ویژه در مشاغل کلیدی مثل مدیران ارشد و نقش‌هایی نظیر رهبری نداشته باشند؛ با مشکلات بسیاری روبرو خواهند بود (لمبرتیدز، ۲۰۰۹). برنامه‌های جانشین‌پروری به سازمان این اجازه را می‌دهد که کارکردها و استانداردهای عملکرد مدیریتی را مشخص کنند؛ از استمرار فعالیت‌های مدیریتی مطمئن شوند؛ نامزدهای برجسته برای تصدی گری مشاغل مدیریتی را شناسایی کنند و به نیاز کارمندان به پیشرفت در مسیر شغلی پاسخ دهند. به طور کلی مزایای اصلی برای برنامه ریزی جانشین‌پروری در این است که برنامه ریزی اثربخش منابع انسانی را آسان کند و با استفاده از آنها، افراد مناسب از داخل سازمان در مشاغل مناسب برای رسیدن به اهداف کسب و کار قرار می‌گیرند. جوهره هر برنامه جانشین‌پروری شناسایی و آموزش و توسعه افرادی است که بتوانند با داشتن دانش و مهارت‌های لازم، مشاغل کلیدی را تصاحب کنند (منصوری جلیلیان و صوفی، ۱۳۹۲). سام بروک ۳ جانشین‌پروری را تلاشی برای برنامه‌ریزی در زمینه تعداد مناسب و با کیفیت مدیران و کارکنان در جهت پوشش بازنشستگی، مرگ، بیماری و ارتقا و یا هر موقعیت جدید تعریف می‌کند که می‌تواند در برنامه آینده سازمان ایجاد شود (سام بروک، ۲۰۰۵). در واقع برنامه جانشین‌پروری فرایند تصمیم‌گیری در مورد چگونگی پر کردن خلأهای مشاغل کلیدی سازمان است (بردبار، کریمی، زارع و کنجکاو منفرد، ۱۳۹۱).

به طور کلی مدل‌های موجود توسعه مدیران دارای نقاط ضعف زیادی هستند، به طوری که هر کدام تنها برخی ابعاد را مورد توجه قرار داده‌اند و دارای نگرش جامع نیستند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ۵۱٪ از متخصصان منابع انسانی فعالیت‌های جانشین‌پروری و استعدادیابی را به خوبی نمی‌شناسند و فقط ۲۱٪ از آنها این برنامه را به طور رسمی اجرا می‌کنند. ادبیات این مفهوم در کشور ما نیز بسیار محدود و ناشناخته است؛ به طوری که پژوهش‌های انجام شده در زمینه استعدادیابی و برنامه جانشین‌پروری در سازمان‌های تجاری و صنعتی انگشت‌شمار است. بیشتر مدیران صرفاً به نیازهای سازمان برای پرورش جانشین در دراز مدت چندان اهمیت نمی‌دهند و زیردستان نیز برای نیازهای آینده سازمان به خوبی پرورش داده نمی‌شوند (زین الدینی بیدمشکی، عدلی و وزیری، ۱۳۹۳). بی‌شک در حال حاضر عمده‌ترین نهاد دولتی در جهت سامان‌دهی طیف آسیب‌پذیر جامعه، سازمان بهزیستی است. بهزیستی از چندین جهت وظایف و مسؤولیت‌های سنگینی را عهده‌دار است. از سویی مسؤولیت تامین رفاه خیل عظیمی از معلولان جامعه به این سازمان محول شده است و از سویی دیگر وظیفه سر و سامان دادن به وضعیت بسیاری از زنان و کودکان محروم جامعه نیز در حیطه مسؤولیت‌های سازمان بهزیستی جای می‌گیرد. با توجه به مسؤولیت‌های سنگین این سازمان بیش از پیش نیاز به مدیران کارآمد و نیز مسئله جانشین‌پروری در این سازمان احساس می‌شود. در واقع؛ چون سازمان بهزیستی ارتباط کاملاً مستقیم با منابع انسانی، اقشار آسیب‌دیده اجتماعی، ناتوانان جسمی و روحی، کودکان بی-سرپرست، بد سرپرست، کار و زنان سرپرست خانوار دارد لذا باید از بخش‌های مختلفی تشکیل شود که دارای مدیران برجسته و باتجربه سازمانی باشند و طی مطالعات و پژوهش‌ها، تحقیق مؤثری در این سازمان و حیطه مربوطه انجام نشده است، بنابراین سوال تحقیق این است که تا چه حد سیستم مدیریت جانشین‌پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی امکان استقرار داشته است؟

1 - Lambertides

2 - Groves

3 - Sambrook

مبانی نظری

مهمترین عوامل اهمیت برنامه جانشین پروری از نظر علاقه بند (۱۳۹۰) عبارتند از:

- ۱- فراهم ساختن فرصت های بیشتر برای کارکنان با استعداد
 - ۲- شناسایی نیازهای جایگزینی به عنوان ابزار پیش بینی آموزش، تربیت و پرورش ضروری کارمندان
 - ۳- افزایش خزانه استعدادها از میان کارمندان مستعد
 - ۴- مشارکت در اجرای طرح های راهبردی و بلندمدت سازمان (علاقه بند، ۱۳۹۰).
- شش عامل تسهیل کننده طرح های برنامه ریزی جانشین پروری در سازمان ها شامل موارد زیر می باشد: الف- حمایت و مشارکت مدیریت بالا ب- رویکرد نظام یافته ج- برنامه های توسعه معین د- فرهنگ سازی ه- تاکید بر ارتقای کیفیت و- تاکید بر ارشدیت (راسول، ۲۰۰۵).

شش عامل بازدارنده طرح های جانشین پروری در سازمان ها شامل موارد زیر می باشد: الف- فقدان پشتیبانی ب- خط مشی شرکت ج- نگرش سریع - ثابت د- دیربازدهی ه- تغییر سریع سازمانی و- تشریفات زاید اداری: مدیران عالی بیشتر سازمان ها تشریفات زاید اداری را تحمل نمی کنند. ازاینرو برنامه جانشین پروری نباید گرفتار تشریفات زاید اداری شود (ماندی، ۲۰۰۸).

چهار مرحله در فرایند جانشین پروری عبارتند از:

- ۱- تعیین خط مشی: در این مرحله سازمانها الگوهای موجود و روشهای پیشین در نظام مدیریت جانشین پروری را مورد بازنگری قرار میدهند و خط مشیهایی برای اجرای این سامانه تعیین میکنند.
- ۲- تعهد مدیران ارشد: در مرحله تعیین خط مشی، تعهد مدیران ارشد و درگیر شدن آنها در برنامه مدیریت جانشین پروری، یکی از عوامل کلیدی برای اجرای جانشین پروری است. راسول کمبود حمایت مدیران ارشد را به عنوان اولین عامل در فهرست هفت مشکل عمومی بیان کرده است که بر برنامه ریزی جانشین پروری اثرمی گذارد (رامژکو، ۲۰۰۸).
- ۳- شناسایی مناصب کلیدی: ولف (۱۹۹۶) مناصب کلیدی را در سازمان، مناصبی میداند که در تصمیمات عملیاتی و راهبردی سازمان اهمیت زیادی دارد و در موفقیت سازمان تأثیرگذار است. وی پیشنهاد میکند که هر سازمان معیارهای خودش را برای شناسایی مناصب کلیدی داشته باشد؛ اما چندین معیار عمومی مانند مسئولیت حیاتی، مدیریت تخصصی، ساختار سازمانی، پروژه های آینده، اوضاع جغرافیایی و ظرفیت کار را نیز مطرح کرده است. زمانی که مناصب کلیدی شناسایی شد، فرایند شناسایی نامزدهایی برای پرکردن این مناصب شروع خواهد شد (رامژکو، ۲۰۰۸).
- ۴- شناسایی شایستگیهای مورد نیاز: شناسایی شایستگی های مشاغل کلیدی، یک عامل مهم در برنامه مدیریت جانشین پروری موفق است (راسول، ۲۰۱۰).

شرکت سونوکو^۸ که از بزرگ ترین تولید کنندگان محصولات برای صنایع و محصولات مصرفی در جهان می باشد معتقد است شش مرحله کلیدی وجود دارد که یک شرکت باید بر اساس آن ها به طراحی و تدوین یک سیستم برنامه ریزی جانشینی پروری بپردازد.

- ۱- جذب حمایت، مشارکت و همراهی مدیران ارشد

1 - Top Management Support and participation

2 - Rothwell

3 - Company Policy

4 - Quick-Fix Attitudes

5 - Mandi

6 - Romejko

7 - Wolf

8 - Sonoco

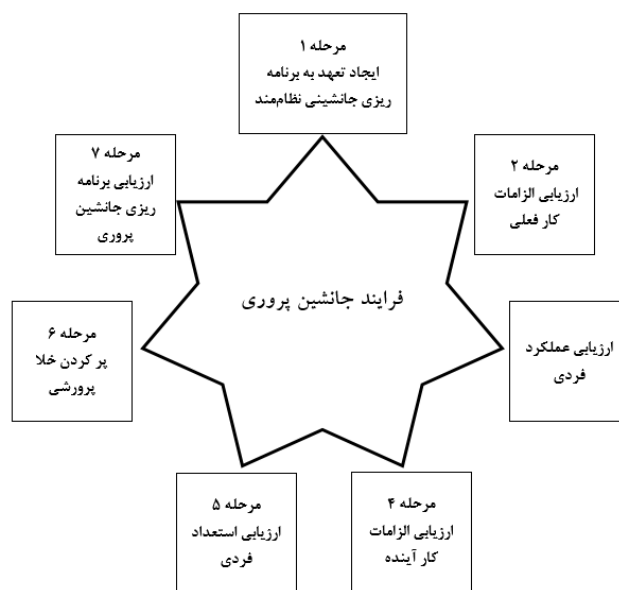
- ۲- تدوین مدل شایستگی و محوری و مدل شایستگی مدیریتی
- ۳- به دست آوردن اطلاعات از کارکنان و مدیران (شناسایی استعدادها)
- ۴- کسب اطلاعات (ورودی) از سطوح مختلف مدیران در خصوص افراد مستقر تحت سرپرستی آن مدیر
- ۵- استفاده از اطلاعات فرایند برنامه ریزی جانشین پروری، برای اتخاذ تصمیمات (تکمیل نمودن یک پست بلا تصدی)
- ۶- مربوط ساختن فرایند جانشین پروری با راهبرد سازمان (این سازمان باید بر پست و کارکنان کلیدی که با موفقیت سازمان رابطه ای تنگاتنگ دارند متمرکز باشد. به بیانی دیگر سامانه یادشده باید بر موقعیت های کلیدی و افراد کلیدی حساس باشد) (دری، ۱۳۷۵).

فالمر و کانگر (۲۰۰۴) گام های یک برنامه ریزی جانشینی موفق را شش مرحله می دانند:

- ۱- ایجاد تعهد مدیریتی ۲- شناسایی موقعیت های کلیدی ۳- تدوین و تبیین مدل شایستگی
 - ۴- شناسایی استعدادها و تشکیل خزانه های استعدادها ۵- اتصال برنامه های پرورش مدیران به سامانه مدیریت و برنامه ریزی جانشینی ۶- ردیابی و پی گیری برنامه های جانشینی.
- به بیانی دقیق تر مدیریت و برنامه ریزی جانشین پروری، به مفهوم اطمینان از تداوم رهبری در مشاغل کلیدی و محافظت از سرمایه های فکری و علمی در درون سازمان است. این نظام از طریق فرایند مدیریت استعدادها انجام می شود. به طوری که توسط آن می توان با استفاده از مدل شایستگی، استعدادهای انسانی را شناسایی نمود و با ایجاد فضایی مناسب برای اجرای برنامه های متنوع آموزشی و پرورشی، به تدریج زمینه های مساعد را برای بالابردن کارکنان و بر عهده گرفتن موقعیت های کلیدی در سال های آینده توسط آنان فراهم آورد. در واقع، برنامه ریزی جانشین پروری فرایند تصمیم گیری در نحوه پر کردن خلا های مشاغل کلیدی سازمان می باشد. در این کار نیروهای موجود بر اساس معیارهای شایستگی مشاغل، مورد ارزیابی قرار گرفته و نامزدها می توانند با توجه به نیازهای آتی شناسایی شوند (دری، ۱۳۷۵).

در مدل ستاره های هفت نقطه ای رسول؛ اولین مولفه ایجاد تعهد به برنامه ریزی جانشین پروری است. بدین معنا که این برنامه باید اهداف بلند مدت و راهبردی سازمان مرتبط باشد، برای ارتقای توانمندی کارکنان و جانشین ساختن آنها در پست های بالاتر برنامه مدونی در سازمان وجود داشته باشد و این برنامه مورد پذیرش مدیران باشد. دومین مولفه ارزیابی الزامات کارفعلی است؛ مسئولان باید الزامات کار فعلی را در سمتهای اصلی ارزیابی و این مساله را روشن کنند که سمتهای اصلی مدیریتی در کجای سازمان موجود است. مرحله سوم ارزیابی عملکرد فردی است؛ به طور کلی ارزیابی عملکرد فرایند سنجش و اندازه گیری عملکرد افراد است. این ارزیابی مشخص می کند که افراد با چه دقتی در حال انجام دادن مشاغل فعلی خود هستند.

در مرحله چهارم یعنی ارزیابی الزامات کار آینده مدیران باید سمتهای اصلی آینده را شناسایی کنند و الزامات کار آینده را نیز در صورتی که در آماده سازی افراد برای بر عهده گرفتن سمتهای اصلی ثمر بخش است تعیین کنند. مرحله پنجم یعنی ارزیابی استعداد فردی، بخش اصلی بیشتر برنامه های مدیریت و برنامه ریزی جانشینی است و منظور از آن روشهایی است که با استفاده از آنها استعداد افراد ارزیابی می شود. در مرحله ششم؛ پر کردن خلا پرورشی به مقایسه نظام مند بین تواناییهای فعال افراد و تواناییهای آینده آنان نیاز است. مرحله آخر نیز ارزیابی برنامه ریزی جانشین پروری است. این برنامه به منظور بهبود هر چه بیشتر باید به طور مستمر ارزیابی و نتایج ارزیابی نیز باید به طور منظم برای حفظ تعهد و بهبود برنامه نظام مند جانشین پروری استفاده شود (آرمسترانگ، ۲۰۰۶).



شکل (۱): مدل ستاره ای برنامه ریزی جانشین پروری (راسول، ۲۰۰۶: ۱۳۲).

مدل نظری جانشین پروری کیم (۲۰۰۶) شامل چهار مرحله می باشد:

مرحله اول: تعیین خط‌مشی: در این مرحله، سازمان‌ها مدل‌های موجود و رویه‌های پیشین در نظام مدیریت جانشین‌پروری را مورد بازنگری قرار داده و خط‌مشی‌هایی را برای پیاده‌سازی سامانه معین می‌کنند. خط‌مشی، مشخص‌کننده‌ی محدوده‌ای است که تصمیم‌های آتی، باید در داخل آن گرفته شوند. خط‌مشی، یک برنامه‌ی عمومی است که به منزله‌ی راهنمای عمل، مد نظر مدیران قرار می‌گیرد و نحوه‌ی اجرای برنامه را برای مسئولان اجرایی سازمان معین می‌کند؛ ضمن آنکه وسیله‌ی مؤثری برای کنترل به شمار می‌آید (رضاییان، ۱۳۸۰).

تعیین خط‌مشی در نظام مدیریت جانشین‌پروری، بر دو بعد "تعهد مدیران ارشد به پیاده‌سازی جانشین‌پروری و شناسایی پست‌های کلیدی استوار است. در مرحله‌ی تعیین خط‌مشی، تعهد مدیران ارشد و درگیر شدن آنها در برنامه‌ی مدیریت جانشین‌پروری، یکی از عوامل کلیدی برای پیاده‌سازی مدیریت جانشین‌پروری مؤثر می‌باشد. یکی از نقش‌های حیاتی مدیریت جانشین‌پروری، کمک به سازمان در شناسایی پست‌های کلیدی است. به بیان دیگر، پاسخ به این پرسش است که: برای چه شغل‌های ضروری ما نیاز به توسعه‌ی استعدادها داریم؟ (کانگر و فالمر، ۲۰۰۳).

مرحله دوم: ارزیابی کاندیداها: برنامه‌ریزی جانشین‌پروری، ابزار اثربخشی برای انتخاب و آماده کردن رهبران آینده است، به گونه‌ای که بتواند راهبرد سازمان را طراحی و آن را اجرا نماید و این رویکرد اثربخش درباره‌ی فرایند جانشین‌پروری باید اول به این سوال پاسخ دهد که در آینده سازمان به چه نوع رهبری نیاز خواهد داشت؟ برای رسیدن به این منظور، بایستی با شناسایی شایستگی‌های مورد نیاز پست‌های کلیدی و گزینش و کاندیداهایی مطابق با این شایستگی‌ها صورت گیرد (هانتی کوکس^۱، ۲۰۰۴).

مرحله سوم: توسعه کاندیداها: مدیریت جانشین‌پروری و توسعه‌ی رهبری دو روی یک سکه‌اند که باید به صورت یک-پارچه به آنها توجه کرد و آنها نیز باید به نیازهای سازمان و مهارت‌های مورد نیاز و روش‌های توسعه‌ی آنها توجه کنند. آنتونی،

پروهه و کاکمار^۱ (۱۹۹۹) توسعه‌ی رهبری را شامل توسعه‌ی دانش فعلی- یا گاهی اوقات دانش مورد نیاز در آینده- دانسته‌اند که رهبران بر اساس نیازهای بلند مدت کلی سازمان توسعه داده می‌شوند.

مرحله چهارم: ارزیابی برنامه‌ریزی و مدیریت جانشین‌پروری: با وجود گزینه‌های زیادی که بر اهمیت برنامه‌ریزی و مدیریت جانشین‌پروری آن تاکید می‌کند، دلیلی که برای کاهش برنامه‌ریزی جانشین‌پروری در سازمان‌ها وجود دارد، آن است که مدیران در نشان دادن ارزش برنامه‌ریزی و مدیریت جانشین‌پروری آن به سازمان شکست می‌خورند. ارزیابی، ابزاری است که این ارزش را تعیین می‌کند. به طور کلی، شاخص‌های ارزیابی در نظام مدیریت جانشین‌پروری به دو دسته: ارزیابی برنامه مدیریت جانشین‌پروری در فرایند و ارزیابی برنامه‌ی مدیریت جانشین‌پروری در نتیجه تقسیم شده‌اند (کیم، ۲۰۰۶).

پیشینه‌های تجربی

بوربور جعفری و احمدوند (۱۳۹۵) در پژوهش‌های خویش دریافته‌اند؛ جانشین‌پروری هر روز اهمیت بیشتری در سازمان‌های آینده نگر و آینده ساز برخوردار می‌شود و مدیر موفق و آینده نگر باید استعداد‌های انسانی سازمان خود را شناسایی کرده و از طریق برنامه ریزی و مدیریت جانشین‌پروری مناسب، آنان را برای تصدی این مشاغل آماده کند. همچنین نتایج مطالعه مهرجو و عظیم خدایاری (۱۳۹۵) نشان داد که بین نظام مدیریت جانشین‌پروری و مؤلفه‌های آن (تعیین خط مشی سازمانی، ارزیابی کاندیدها، توسعه کاندیدها و ارزیابی سیستم مدیریت جانشین‌پروری) با تعهد سازمانی کارکنان شرکت‌های بیمه مذکور رابطه معنی داری وجود داشته است. در همین زمینه؛ بهرنگ و همکاران (۱۳۹۵) دریافته‌اند؛ وضع موجود سازمان در محورهای شش گانه برنامه ریزی، فرهنگ سازمانی، رویکرد سیستمی، الگوی شایستگی، مسیر ارتقا شغلی و نقش مدیران ارشد، در محیط پژوهش از امتیاز قابل قبول بالای ۵۰ درصد برخوردار است. در عین حال شکاف بین وضع موجود و مطلوب در تمامی ابعاد، معنی دار بود. میانگین امتیاز وضع موجود در تمامی ابعاد ۹۰/۲ از پنج با انحراف معیار ۱/۰۶ و وضع مطلوب ۳/۸۲ با انحراف معیار ۰/۸۹ به دست آمد. همچنین رحیمی و شجاعی باغینی (۱۳۹۴) نشان داده‌اند که مؤلفه‌های چهارگانه مدیریت جانشین‌پروری (تعیین خط مشی سازمانی، ارزیابی کاندیدها، توسعه کاندیدها و ارزیابی سیستم مدیریت جانشین‌پروری) از نظر پاسخگویان دارای اولویت‌ها و رتبه‌های متفاوتی بوده‌اند. اما تمام پاسخگویان بر اهمیت تمامی این مؤلفه‌ها تأکید داشته‌اند. نتایج تحقیقات ذاکری، فقیهی و دانشفرد (۱۳۹۴) نشان داد؛ از دیدگاه متون تفسیری شایسته‌شناسی، تعریف شایستگیها، شایسته‌پروری، آماده‌سازی فردی و اجتماعی و ارزیابی مبتنی بر اهداف و کارکردها، مهمترین ابعاد و عناصر شاکله فرایند جانشین‌پروری الهی است که با بهره‌گیری از روش‌ها و عوامل مؤثر در هریک از این مراحل می‌توان الگوی جانشین‌پروری مدیران را غنی‌سازی و تقویت کرد.

یافته‌های زین الدین بیدمشکی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد که میان وضعیت موجود و مطلوب برنامه جانشین‌پروری در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، در همه ابعاد تفاوت معنادار وجود دارد و بعد تعهد نسبت به جانشینی نظام مند در هر دو وضعیت موجود و مطلوب به عنوان مهم‌ترین مولفه شناخته شد. در تحقیقات خارج از کشور نیز؛ نتایج تحقیقات گروز^۲ (۲۰۱۷) نشان می‌دهد که شیوه‌های مدیریت جانشین‌پروری به شدت با ضوابط عملکرد چندین بیمارستان از جمله رضایت بیمار و هزینه‌های مدیر برای هر قسمت، قدرت رهبری و میزان حضور داخلی/ خارجی برای موقعیت‌های اجرایی ارتباط معنی داری داشته‌اند. همچنین سیبالد، واتن و کوتاری^۳ (۲۰۱۷) نشان داده‌اند که سازمان‌های مورد نظر باید با تکیه بر تجارب و تجربیات شخصی خود باید کاندیدهای مورد نظر را در پست‌های سازمانی مناسب شان قرار دهند تا بتوانند هم کاندیدهای خود را به درستی ارزیابی نموده، امکان پیشرفت و توسعه را برایشان به وجود آورند و در نهایت برنامه جانشین‌پروری خود را به

1 - Anthony, Perrewe & Kacmar

2 - Groves

3 - Sibbald, Wathen & Kothari

صورت دقیق و واضح برای استخدام و پیشرفت کاندیداهای آینده تنظیم نمایند. در همین زمینه؛ نتایج تحقیقات ماگوتا^۱ (۲۰۱۶) حاکی از آن بود که مدیریت جانشین پروری در سازمان های غیر دولتی همواره موضوع مهم و مورد نگرانی مدیران و سهامدان بوده است. در نتیجه با بررسی های مداوم برنامه و تعیین شکاف های موجود، تعیین خط مشی های مناسب جانشین پروری و نیز ارزیابی و توسعه کاندیدها، توانایی های مدیریتی و در کل بازده سازمانی را می توان به طور چشمگیری افزایش داد. نتایج مطالعات لی، سودیارتی و پاردامن^۲ (۲۰۱۶) حاکی از آن بود که سیستم اطلاعاتی مدل جانشین پروری در بعد برنامه ریزی صحیح و تعیین خط مشی های مناسب و مسیر شغلی کاندیدها مکمل یکدیگر می باشند. مصطفی کمیل، هاشم و عبدالحمید^۳ (۲۰۱۶) نیز نشان داده اند که نظام مدیریت برنامه جانشین پروری در کشور مالزی به طور معنی داری اثربخش بوده است. بدین صورت که پیاده سازی برنامه جانشین پروری مناسب، برنامه ریزی ها و تعیین خط مشی های مناسب را در پی خواهد داشت. سانتورا و بوزر^۴ (۲۰۱۵) نیز نشان می دهد که در شناسایی و انتصاب فرد مناسب برای جانشینی، حتماً باید به ارزیابی مهارت های مدیران و توسعه و گسترش استعدادهای آنان پرداخته و خط مشی های مناسب سازمان را تعیین و وضع نمود.

سوال و فرضیه تحقیق

س. مراحل استقرار مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجانشرقی چگونه است و چه الگویی برای آن می توان ترسیم نمود؟
ف. وضعیت مدیریت جانشین پروری و هر یک از شاخصهای شناسایی شده آن؛ در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی امکان استقرار داشته است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و شیوه جمع آوری اطلاعات از نوع تحلیلی- توصیفی است. جامعه آماری شامل کلیه مدیران؛ مسئولین و کارکنان شاغل در سازمان بهزیستی در شهرهای مختلف استان آذربایجانشرقی و همچنین ستاد بهزیستی مستقر در شهر تبریز به تعداد کارکنان ۸۸۴ در سال ۱۳۹۶ می باشد که با استفاده از فرمول کوکران و روش تصادفی نسبتی از ۲۶۸ نفر انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری به صورت محقق ساخته طراحی شد. این پرسشنامه شامل ۵۷ گویه در مقیاس ۵ گزینه ای طیف لیکرت برای شاخص های شناسایی شده مدیریت جانشین پروری با استفاده از مدل کیم (۲۰۰۶) و مراحل ششگانه فالمر و کانگر (۲۰۰۴) می باشد که گویه ها و شاخصهای هر متغیر طبق اطلاعات جدول (۱) طراحی شد.

جدول (۱): تعریف عملیاتی مراحل فرایند مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجانشرقی

ابعاد پرسشنامه	شاخص ها	تعداد گویه ها
تعیین خط مشی	۱- تعهد مدیران ارشد به سیستم مدیریت جانشین پروری	۹
	۲- شناسایی پست های کلیدی	۶
ارزیابی کاندیدها	۱- تعیین شایستگی های مورد نیاز پست های کلیدی	۸
	۲- شناسایی کاندیدها	۷
توسعه کاندیدها	۱- روش های خارج از محیط کار	۴
	۲- روش های ضمن خدمت	۷

1 - Maguta

2 - Bills, Lei Lisic & Seidel

3 - Mustafa Kamil, Hashim & Abdul Hamid

4 - Santora & Bozer

۱۶	۱۱	۱- فرایند	ارزیابی سیستم مدیریت
	۵	۲- نتیجه	جانشین پروری

روایی سؤالات مربوط به متغیرها در این پژوهش، ابتدا از طریق روش تعیین اعتبار محتوایی و با راهنمایی ها و نظرات صاحب‌نظران این رشته انجام گرفت. سپس با استفاده از اعتبار سازه ای با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی گویه های ۱۰-۱۶-۱۷-۲۶-۴۲ به علت همبستگی پایین با سایر گویه ها از ادامه تحقیق کنار گذاشته شدند. در ادامه برای تعیین پایایی پرسشنامه تحقیق حاضر، از شاخص آلفای کرونباخ استفاده شد. ابتدا پرسشنامه ها در بین ۳۰ نفر از نمونه آماری به طور تصادفی توزیع گردید، سپس اطلاعات جمع‌آوری شده مورد آزمون قرار گرفته و با استفاده از نرم افزار SPSS ورژن ۲۱ ضریب آلفای کرونباخ برای تک تک متغیرها و شاخصهای آنها بالای ۰/۷ بدست آمد. در نتیجه پرسشنامه دارای روایی و پایایی قابل قبولی می باشد. در این تحقیق تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش میدانی با استفاده از نرم‌افزار آماری spss نسخه ۲۱ انجام شده است به گونه ای که برای شناسایی فرایند مراحل مدیریت جانشین پروری از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد و پس از تایید مدل در تحلیل عاملی انجام شده؛ الگوی مورد نظر ترسیم گردید و در ادامه با توجه به الگوی ترسیم شده وضعیت استقرار مدیریت جانشین پروری و هر یک از مراحل ششگانه آن در سازمان بهزیستی استان آذربایجانشرقی با استفاده از آزمون t تک نمونه ای مورد سنجش قرار گرفت.

یافته ها:

سوال تحقیق: مراحل استقرار مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجانشرقی چگونه است و چه الگویی برای آن می توان ترسیم نمود؟

به منظور تفکیک و دسته‌بندی گویه های ۵۷گانه فرایند چهارگانه جانشین پروری در قالب هشت شاخص از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی بر اساس تجزیه به مؤلفه‌های اصلی استفاده شد که طبق اطلاعات مندرج در جدول شماره (۲) ملاحظه می‌شود مقدار $KMO = 0/97$ بدست آمد و چون این مقدار از ۰/۵ بزرگتر است، بنابراین نتیجه می‌شود تعداد نمونه‌ها برای اجرای تحلیل عاملی بسیار مناسب است زیرا مقدار KMO بین صفر تا ۱ است و هر چقدر به یک نزدیکتر باشد به همان مقدار روایی نمونه‌ای بالاتر است. مطابق با جدول شماره فوق مقدار کرویت بارتلت^۲ نیز برابر ۱۴۴۷۱/۳ با سطح معنی‌داری $p = 0/000$ بدست آمده است و چون این مقدار معنی‌دار است نتیجه می‌شود تفکیک عاملها به درستی انجام شده و گویه‌های مندرج در هر عامل همبستگی ریشه‌ای^۳ بالایی با همدیگر دارند.

جدول (۲): آزمون کایزرمایر و کرویت بارتلت برای شاخصهای مراحل امکان استقرار جانشین پروری

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		۰/۹۷
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	۱۴۴۷۱/۳
	Df	۱۵۹۶
	Sig.	۰/۰۰۰

براساس اطلاعات جدول شماره (۳) در مجموع تا حدود ۶۹/۶۱ درصد از واریانس کل عامل‌بندی و تقلیل گویه های ۵۷گانه با شش عامل اصلی انجام شده است که معیار مطلوبی می‌باشد زیرا در تحلیل عاملی حداقل لازم است ۵۰ درصد از واریانس

^۱ - Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling

^۲ - Bartlett's Test of Sphericity

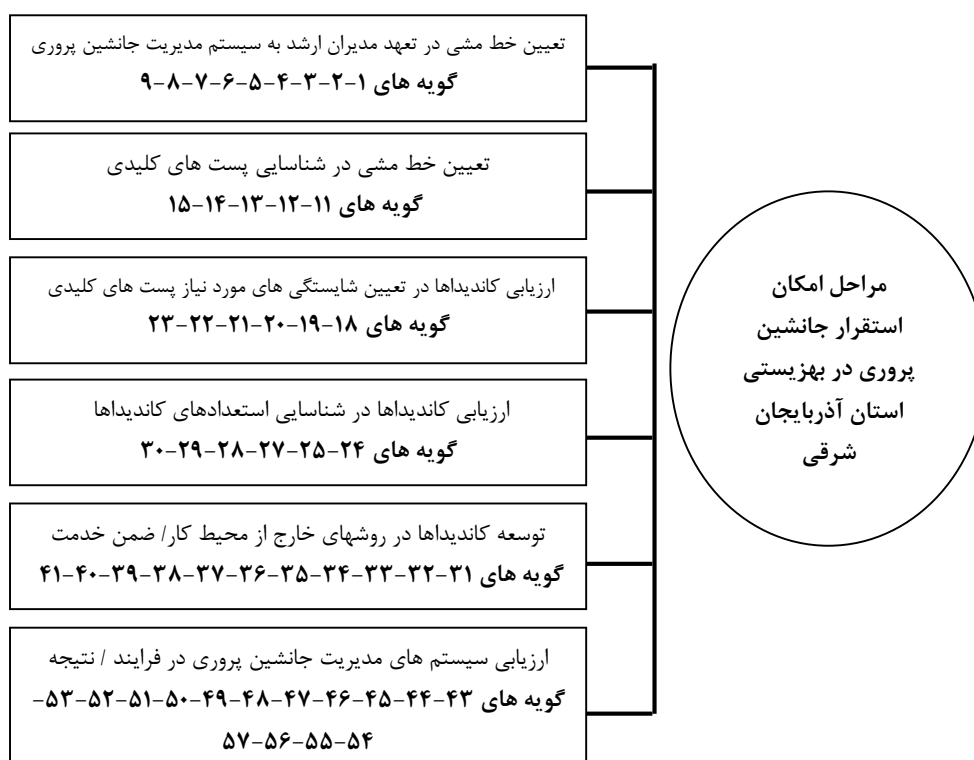
^۳ - Congeneric

تبیین گردد. قابل ذکر است در عامل بندی تحلیل عاملی اکتشافی انجام شده؛ شاخصهای پنجم و ششم در یک عامل تحت عنوان شاخص پنجم و شاخصهای هفتم و هشتم در یک عامل تحت عنوان شاخص ششم طبقه بندی شدند.

جدول شماره (۳) واریانس ها و عامل های مربوط به شاخصهای امکان استقرار مدیریت جانشین پروری

عامل ها	مقادیر ویژه	درصد از واریانس هر عامل	درصد از واریانس کل
۱	۹/۴۱	۱۶/۵۱	۱۶/۵۱
۲	۸/۲۴	۱۴/۴۶	۳۰/۹۸
۳	۷/۱۹	۱۲/۶۱	۴۳/۵۹
۴	۵/۲۲	۹/۱۶	۵۲/۷۶
۵	۵/۰۸	۸/۹۲	۶۱/۶۹
۶	۴/۵۱	۷/۹۲	۶۹/۶۱

براساس بارهای عاملی چرخش داده شده به روش واریماکس؛ ۵۷ گویه مربوط به شاخصهای ششگانه شناسایی شد قابل ذکر است گویه های ۱۰-۱۶-۱۷-۲۶-۴۲ به علت دارا بودن مقدار زیر ۰/۵ در عاملهای شناسایی شده از کار کنار گذاشته شدند و تحلیل عاملی انجام شده با ۵۲ گویه شش شاخص عامل بندی شد که شامل: عامل اول مربوط به تعیین خط مشی در تعهد مدیران ارشد به سیستم مدیریت جانشین پروری؛ عامل دوم مربوط به تعیین خط مشی در شناسایی پست های کلیدی و عامل سوم مربوط به ارزیابی کاندیدها در تعیین شایستگی های مورد نیاز پست های کلیدی و عامل چهارم مربوط به ارزیابی کاندیدها در شناسایی استعدادهای کاندیدها و عامل پنجم مربوط به توسعه کاندیدها در روشهای خارج از محیط کار/ ضمن خدمت و عامل ششم مربوط به ارزیابی سیستم های مدیریت جانشین پروری در فرایند / نتیجه می باشد. بنابراین در نتیجه تحلیل عاملی؛ الگو و مدل مربوط به تعیین شاخصها و مراحل مختلف امکان استقرار جانشین پروری به شرح زیر می باشد:



الگو (۱): مدل ارائه شده شاخصهای امکان استقرار جانشین پروری در بهزیستی استان آذربایجان شرقی (برگرفته از نتایج محقق)

فرضیه های تحقیق: وضعیت مدیریت جانشین پروری و هر یک از شاخصهای شناسایی شده آن؛ در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی امکان استقرار داشته است.

طبق اطلاعات جدول (۴) و بر اساس آزمون t تک نمونه ای ملاحظه می گردد که میانگین شاخص محاسبه شده برای وضعیت امکان استقرار تعیین خط مشی در تعهد مدیران ارشد به سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی $25/54$ ، در سطح $\alpha = 0/05$ و $p < 0/05$ و $t = 2/95$ با درجه آزادی 267 و با اطمینان 95% می باشد در نتیجه خط مشی در تعهد مدیران ارشد به سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی امکان استقرار داشته است اما چون میانگین بدست آمده پائین تر از میانگین سطح متوسط (27) است؛ در نتیجه در سطح پایینی (کمتر از حد متوسط) امکان استقرار داشته است.

میانگین شاخص محاسبه شده برای وضعیت امکان استقرار تعیین خط مشی در شناسایی پست های کلیدی در سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی $14/97$ در سطح $\alpha = 0/05$ و $p > 0/05$ و $t = 0/08$ با درجه آزادی 267 و با اطمینان 95% پائین تر از میانگین سطح متوسط (15) و مقدار t بحرانی است. در نتیجه تعیین خط مشی در شناسایی پست های کلیدی در سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی امکان استقرار نداشته اند.

همچنین میانگین شاخص محاسبه شده برای وضعیت امکان استقرار ارزیابی کاندیدها در تعیین شایستگی های مورد نیاز پست های کلیدی در سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی $16/83$ ، در سطح $\alpha = 0/05$ و $p < 0/05$ و $t = 3/48$ با درجه آزادی 267 و با اطمینان 95% پائین تر از میانگین سطح متوسط (18) و مقدار t بحرانی است؛ در نتیجه ارزیابی کاندیدها در تعیین شایستگی های مورد نیاز پست های کلیدی در سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی امکان استقرار داشته است. اما چون میانگین بدست آمده پائین تر از میانگین فرضی سطح متوسط (3) است؛ در نتیجه در سطح پایینی (کمتر از حد متوسط) امکان استقرار داشته است.

میانگین شاخص محاسبه شده برای وضعیت امکان استقرار ارزیابی کاندیدها در شناسایی استعدادهای آنان در سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی $17/64$ ، در سطح $\alpha = 0/05$ و $p > 0/05$ و $t = 1/05$ با درجه آزادی 267 و با اطمینان 95% پائین تر از میانگین سطح متوسط (18) و مقدار t بحرانی است؛ در نتیجه امکان استقرار ارزیابی کاندیدها در شناسایی استعدادهای آنان در سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی امکان استقرار نداشته است.

همینطور میانگین شاخص محاسبه شده برای وضعیت امکان استقرار توسعه کاندیدها در روش های خارج از محیط کار / ضمن خدمت در سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی $33/59$ ، در سطح $\alpha = 0/05$ و $p > 0/05$ و $t = 0/87$ با درجه آزادی 267 و با اطمینان 95% بزرگتر از میانگین سطح متوسط (33) و مقدار t بحرانی است؛ در نتیجه توسعه کاندیدها در روش های خارج از محیط کار / ضمن خدمت در سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی امکان استقرار نداشته است.

میانگین شاخص محاسبه شده برای وضعیت امکان استقرار ارزیابی سیستم مدیریت جانشین پروری در فرآیند / نتیجه در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی $41/7$ ، در سطح $\alpha = 0/05$ و $p < 0/05$ و $t = 3/97$ با درجه آزادی 267 و با اطمینان

۹۵٪ پائین تر از میانگین سطح متوسط (۴۵) و مقدار t بحرانی است؛ در نتیجه ارزیابی سیستم مدیریت جانشین پروری در فرآیند/ نتیجه در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی در سطح ضعیفی امکان استقرار داشته است.

در مجموع؛ میانگین شاخص محاسبه شده برای وضعیت امکان استقرار مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی ۱۵۰/۹۲، در سطح $\alpha = ۰/۰۵$ و $p > ۰/۰۵$ و $t = ۱/۹۳$ با درجه آزادی ۲۶۷ و با اطمینان ۹۵٪ پائین تر از میانگین سطح متوسط (۱۵۶) و مقدار t بحرانی است؛ در نتیجه ملاحظه می گردد مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی به طور مطلوبی امکان استقرار نداشته است.

جدول (۴-۵) نتایج آزمون برای متغیر وضعیت امکان استقرار مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان

متغیر	تعداد	درجه آزادی	میانگین	انحراف استاندارد	p	t آمار
وضعیت امکان استقرار خط مشی در تعهد مدیران ارشد به سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان	۲۶۸	۲۶۷	۲۵/۵۴	۸/۰۸	۰/۰۰۳	۲/۹۵
وضعیت امکان استقرار تعیین خط مشی در شناسایی پستهای کلیدی در سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان	۲۶۸	۲۶۷	۱۴/۹۷	۴/۵۳	۰/۹۳	۰/۰۸
وضعیت امکان استقرار ارزیابی کاندیداها در تعیین شایستگی های مورد نیاز پست های کلیدی در سازمان بهزیستی استان	۲۶۸	۲۶۷	۱۶/۸۳	۵/۴۸	۰/۰۰۱	۳/۴۸
وضعیت امکان استقرار ارزیابی کاندیداها در شناسایی استعداد های آنان در سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان	۲۶۸	۲۶۷	۱۷/۶۴	۵/۵۱	۰/۲۹	۱/۰۵
وضعیت امکان استقرار توسعه کاندیداها در روش های خارج از محیط کار/ضمن خدمت در سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان	۲۶۸	۲۶۷	۳۳/۵۹	۱۱/۱۶	۰/۳۸	۰/۸۷
وضعیت امکان استقرار ارزیابی سیستم مدیریت جانشین پروری در فرآیند/ نتیجه در سازمان بهزیستی استان	۲۶۸	۲۶۷	۴۱/۷	۱۳/۵۶	۰/۰۰۰	۳/۹۷
وضعیت امکان استقرار مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان	۲۶۸	۲۶۷	۱۵۰/۹۲	۴۲/۸۷	۰/۰۵۴	۱/۹۳

بحث و نتیجه گیری

مقاله حاضر با هدف بررسی امکان سنجی استقرار مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۶ انجام پذیرفت. جهت شناسایی شاخص های امکان استقرار سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی تحلیل عاملی اکتشافی انجام شد و شش شاخص بدست آمد که مجموع شاخص های ششگانه گام های امکان استقرار سیستم جانشین پروری می باشد. نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه ای در آزمون فرضیه ها به تفکیک نشان میدهد مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی به طور مطلوبی امکان استقرار نداشته است. در واقع سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی در سطح مورد نیاز مورد توجه و پیاده سازی قرار نگرفته است. همچنین از بین شاخص های شناسایی شده مدیریت جانشین پروری با بهره گیری از مراحل ششگانه فالمر و کانگر (۲۰۰۴) و همچنین مدل چهارگانه کیم (۲۰۰۶)؛ تعیین خط مشی در تعهد مدیران ارشد به سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی در سطح پایینی امکان استقرار داشته است. همچنین تعیین خط مشی در شناسایی پست های کلیدی در سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی امکان استقرار نداشته است. همچنین ارزیابی کاندیداها در تعیین شایستگی های مورد نیاز پست های کلیدی در سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی در سطح پایینی امکان استقرار داشته است. همچنین ارزیابی کاندیداها در

شناسایی استعدادهای آنان در سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی امکان استقرار نداشته است. توسعه کاندیدها در روش های خارج از محیط کار/ ضمن خدمت در سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی نیز امکان استقرار نداشته است.

ارزیابی سیستم مدیریت جانشین پروری در فرآیند/ نتیجه در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی نیز در سطح ضعیفی امکان استقرار داشته است. در مجموع نتایج نشان میدهد که سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی امکان استقرار نداشته است و هنوز برای امکان استقرار باید به نکات مهم مدیریتی و روشهای صحیح شناسایی نیازهای سازمان بر اساس توانایی های مدیران و کارکنان و همچنین کشف استعدادهای آنها با بهره گیری از شایسته سالاری صورت گیرد.

در همین زمینه؛ مصطفی مکمل و همکاران (۲۰۱۶) نشان داده اند که نظام مدیریت برنامه جانشین پروری در کشور مالزی به طور معنی داری اثربخش بوده است. بدین صورت که پیاده سازی برنامه جانشین پروری مناسب، برنامه ریزی ها و تعیین خط مشی های مناسب را در پی خواهد داشت. بهرنگ و همکارانش (۱۳۹۵) وضع موجود وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی در محورهای شش گانه برنامه ریزی، فرهنگ سازمانی، رویکرد سیستمی، الگوی شایستگی، مسیر ارتقا شغلی و نقش مدیران ارشد، در محیط پژوهش دارای شکاف بین وضع موجود و مطلوب معنی دار بود. همینطور یافته های زین الدین بیدمشکی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد که میان وضعیت موجود و مطلوب برنامه جانشین پروری در دانشگاه های دولتی شهر تهران، در همه ابعاد تفاوت معنادار وجود دارد و بعد تعهد نسبت به جانشینی نظام مند در هر دو وضعیت موجود و مطلوب به عنوان مهم ترین مولفه شناخته شد. نتایج مطالعه مهرجو و عظیم خدایاری (۱۳۹۵) نشان میدهد که بین نظام مدیریت جانشین پروری و مؤلفه های آن (تعیین خط مشی سازمانی، ارزیابی کاندیدها، توسعه کاندیدها و ارزیابی سیستم مدیریت جانشین پروری) با تعهد سازمانی کارکنان شرکت های بیمه ای رابطه معنی داری وجود داشته است. گروز (۲۰۱۷) نیز دریافت؛ شیوه های جانشین پروری برای استفاده از ارزیابی مدیریت جانشین پروری جهت تشخیص فرصت های توسعه و پیشرفت سازمانی، برنامه ریزی و اجرای سیاست گذاری ها، پیگیری توسعه کاندیدها و اقدامات گسترش استعدادهای مد نظر سازمان های مذکور قرار گرفته است. همچنین سیبالد، واتن و کوتاری (۲۰۱۷) نشان داده اند که سازمان ها با تکیه بر تجارب و تجربیات شخصی خود باید کاندیدهای مورد نظر را در پست های سازمانی مناسب شان قرار دهند تا بتوانند هم کاندیدهای خود را به درستی ارزیابی نموده، امکان پیشرفت و توسعه را برایشان به وجود آورند و در نهایت برنامه جانشین پروری خود را به صورت دقیق و واضح برای استخدام و پیشرفت کاندیدهای آینده تنظیم نمایند.

نتایج تحقیق ماگوتا (۲۰۱۶) حاکی از آن بود که مدیریت جانشین پروری در سازمان های غیر دولتی همواره موضوع مهم و مورد نگرانی مدیران و سهامدان بوده است. در نتیجه با بررسی های مداوم برنامه و تعیین شکاف های موجود، تعیین خط مشی های مناسب جانشین پروری و نیز ارزیابی و توسعه کاندیدها، توانایی های مدیریتی و در کل بازده سازمانی را می توان به طور چشمگیری افزایش داد. در همین زمینه؛ سانتورا و بوزر (۲۰۱۵) دریافتند؛ در شناسایی و انتصاب فرد مناسب برای جانشینی، حتماً باید به ارزیابی مهارت های مدیران و توسعه و گسترش استعدادهای آنان پرداخته و خط مشی های مناسب سازمان را تعیین و وضع نمود. براساس نتایج حاصل از تحقیق مبنی بر عدم امکان استقرار سیستم مدیریت جانشین پروری در سازمان بهزیستی استان آذربایجان شرقی و همچنین با توجه به نتایج حاصل از سایر تحقیقات داخلی و خارجی مطرح شده در ارتباط با پیاده سازی مدیریت جانشین پروری در سازمانهای مورد مطالعه خود؛ می توان چنین برداشت نمود که علی رغم نام آشنا بودن واژه جانشین پروری در مدیریت و سازمانها؛ متأسفانه به مولفه ها و شاخص های آن به درستی توجه نشده و بدون در نظر گرفتن ویژگیهای سازمانی و مدیران و کارکنان؛ تقسیم وظایف به کارکنان اعمال شده و بدون مطالعات کارشناسی سالانه و تخمین وضعیت هر یک از شاخصهای آن به ارائه خدمات می پردازند. یکی از شاخصهای مهم در جانشین پروری تعیین خط مشی مشخص در سازمان جهت تعهد مدیران به اجرای شاخصهای مدیریت جانشین پروری می باشد. اگر مدیران که اصلی ترین مهره یک سازمان هستند؛ نتوانند در سمت مدیریتی خود تعهد سازمانی را رعایت کنند؛ در نتیجه با اغماض و سوگیری به

کارهای ارائه شده در سازمان توسط کارکنان می پردازند و در نتیجه در انتخاب کارکنان در شغل‌های تخصصی و مهم با ملاحظات و پارتی بازی بدون توجه به توانمندی و مهارت های مورد نیاز و شایستگی کارکنان بپردازند؛ شاهد افول بازدهی سازمان بوده و با این کار از ایجاد انگیزه در بین کارکنان مستعد و تلاش به متبلور نمودن استعدادها و خلاقیت آنها ممانعت به عمل آورده و شاهد در جا زدن کارکنان در سمت های انتصابی خواهند شد. بنابراین برای اینکه در یک سازمان بتوان شاهد موفقیت سازمانی از طریق امکان استقرار جانشین پروری بود؛ لازم است مدیران ابتدا تعهد لازم در شغل مدیریت خویش دارا باشند. همچنین با شناسایی کارکنان مستعد با مهارت های ویژه و اختصاص شغل‌های متناسب با توانایی آنها به بدرستی پستهای کلیدی را با شایسته سالاری به افراد متخصص تحویل دهند.

در این میان با برنامه ریزی های کوتاه مدت و مداوم از طریق اجرای کارگاههای آموزشی؛ همایشها و سخنرانیها سطح علمی و تخصصی خود و کارکنان را افزایش داده و با شناسایی نیاز های شغلی سازمان در آینده؛ تدابیر لازم را اندیشیده و با بهره گیری از تکنولوژی های مناسب در تبادل اطلاعات علمی بین کارکنان و مدیران و ایجاد رقابت سالم بین کارکنان به افزایش توانمندی افراد بپردازند. در نتیجه؛ ابتدا برای مدیران توجه به تعهد سازمانی آموزش داده شده و جهت توانایی پیاده سازی سیستم جانشین پروری ابتدا باید مدیران بدون اغماض برای تغییر در پستهای سازمانی برای خود و کارکنان آمادگی لازم داشته باشند. همچنین با برگزاری کارگاههای آموزشی در خصوص مزایای جانشین پروری در سازمان؛ کارکنان و مدیران را به همکاری و تعامل سوق داده و اعتماد بین کارکنان و مسئولین را تقویت کنند. همچنین با توجه به نیاز سازمان؛ سالانه تعداد پست های مورد نیاز و کارکنان شاغل در سازمان را متناسب نموده و با در اختیار قرار دادن پستهای کلیدی به کارکنان برجسته به اهداف جانشین پروری به درستی دست یابند. در نهایت نیز با ارزیابی و سنجش کارایی و عملکرد کارکنان منتخب در فرایند جانشین پروری در سمتهای شغلی مهم؛ به سنجش عملکرد سازمان در طول یکسال کاری پرداخته و با شناسایی نقاط قوت و ضعف و خروجی سازمان در آمار و ارقام سالانه به تغییرات لازم در جهت رفع مشکلات و موانع بپردازند در کنار آن با سنجش عملکرد فردی و جمعی کارکنان در طول یکسال کاری؛ نمره سالانه به کارکنان با توجه به نحوه فعالیت سالانه اختصاص دهند و در صورت عملکرد منفی یا ضعیف کارکنان و مدیران؛ با تنزل سمت شغلی آنها عکس العمل نشان دهند. در نهایت؛ پس از اعمال مراحل ششگانه جانشین پروری در سازمان مربوطه توسط مدیران ارشد؛ روند صعودی خدمات دهی سازمان را نسبت به سال گذشته مورد مطالعه و نقاط قوت و ضعف را شناسایی و در صدد رفع آنها برآیند.

منابع

- ۱- بردبار، غلامرضا، کریمی، اوژن، زارع، ناصر و کنجکاو منفرد، امیر رضا. (۱۳۹۱). شناسایی مؤلفه‌ها و الگوهای شایسته‌گزینی برای بهینه‌سازی مدل جانشین پروری کارکنان، مجله پژوهشهای مدیریت منابع انسانی، ش ۱۱، صص: ۸۷-۱۴۴.
- ۲- بوربور جعفری، مریم و سهراب، احمدوند. (۱۳۹۵). جانشین پروری مقدمه جانشین سازی، کنفرانس جهانی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و منابع انسانی در آغاز هزاره سوم، قابل دسترس در سایت: www.elmnet.ir.
- ۳- بهرنگ، محمد، حبیب زاده، شهرام، وطن خواه، سودابه، جعفری عوری، مهدی، دلگشایی، بهرام و آرزو، آذری. (۱۳۹۵). تحلیل شکاف بین وضعیت موجود و مطلوب جانشین پروری: مطالعه موردی در وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، مجله مدیریت سلامت، شماره ۱۹.
- ۴- دری، بهروز. (۱۳۷۵). طراحی و تعیین نظام جانشینی مدیران، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵- ذاکری، محمد، فقیهی، ابوالحسن و کرم الله، دانشفرد. (۱۳۹۴). تبیین الگوی جانشین پروری مدیران با بهره گیری از داستان خلیفه الهی آدم (ع) (بر اساس اندیشه تفسیری آیت الله جوادی آملی، فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۳، شماره ۱، صص: ۶۴-۴۱، بهار ۹۴).

- ۶- رحیمی، احمد و شجاعی باغینی، گلنار. (۱۳۹۴). رویکردی تحلیل بر وضعیت جانشین پروری مطالعه موردی: آموزش و پرورش شهرستان شاهرود، کنفرانس بین المللی چالش های نوین در مدیریت، قابل دسترس در سایت www.civilica.com.
- ۷- رضائیان، علی. (۱۳۸۰). تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاهها، میانی سازمان و مدیریت.
- ۸- زین الدینی بیدمشکی، زهره، عدلی، فریبا و مژده، وزیری. (۱۳۹۳). مقایسه وضعیت موجود جانشین پروری و مدیریت استعداد با وضعیت مطلوب آن در نظام آموزش عالی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ش ۷۲. صص: ۵۱-۷۲.
- ۹- علاقه بند، علی. (۱۳۹۰). مقدمه ای بر مدیریت دانش، تهران: انتشارات روان.
- ۱۰- منصوری جلیلیان، امیر و علیرضا، صوفی. (۱۳۹۲). جانشین پروری مدیران وفرماندهان ناجا، ابعاد و اعتبارسنجی براساس تحلیل عاملی اکتشافی وتاییدی. فصلنامه نظارت و بازرسی. سال ۷. شماره ۲۳. صص ۳۶-۳۷.
- ۱۱- مهرجو، فرانک و عظیم خدایاری، محمد. (۱۳۹۵). وضعیت مدیریت جانشین پروری در شرکت های بیمه نوین، ایران و آرمان، سومین کنفرانس جهانی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و منابع انسانی در آغاز هزاره سوم، قابل دسترس در سایت: www.civilica.com.
- 12- Anthony, W.P, Perrewe, P.L.,& Kacmar, K.M. (1999). Human Rersource managment. A Strategic Approach (3ed). The Dryden Press.
- 13- Armstrong, M. (2006). Operation management: Key strategies and action learning. Tehran: Tehran's University Publication.
- 14- Conger, J.,& Fulmer, R(2003). Developing your Leadership Pipeline. Harvard Business Review, 16-85.
- 15- Fulmer, R. M. & Conger, J. A. (2004). Growing your company's leader: How great organizations Use succession management to sustain Competitive advantage, I ed, New York: AMACOM Books.
- 16- Groves , K.S.(2007). Integraing Leadership Development and succession Planning Best Practices. Journal of management Development, 239-260.
- 17- Groves, K. S. (2017). Examining the impact of succession management practices on organizational performance: A national study of U.S. hospitals., Article in Health care management review, August 2017. DOI: 10.1097/HMR.0000000000000176.
- 18- Hunte-Cox, D. E. (2004). Executive succession planning and the organizational learning capacity. (Doctoral dissertation). The George Washington University, Washington D. C., United States. Abstract Retrieved from [http://prequest.umi.com/pqwebdid=765088291 & Fmt=7&clientId=65345&RQT=309&VName=PQD](http://prequest.umi.com/pqwebdid=765088291&Fmt=7&clientId=65345&RQT=309&VName=PQD).
- 19- Kim, Y. (2006). Measuring the value of succession planning and management: A qualitative study of U.S. Affiliates of foreign multinational companies, For Ph.D Degree, The Pennsylvania State University.
- 20- Lambertides, neophytos. (2009). Sudden CEO vacancy and the long-run economic consequences, managerial finance, Vol. 35, No. 7.
- 21- Lie, Y., Sudyarti, S. & Pardamean, B. (2016). Information System Model of Succession Planning and Career Path., International Conference on Information Management and Technology (ICIMTech), Noes, 16-18, November 2016. pp: 241-246. 978-1-5090-3352-2/16/\$31.00 ©2016 IEEE.
- 22- Mandi, A. R. (2008). A case study exploring succession planning: Supported by a quantitative analysis of governmental organizations in the Kingdom of Bahrain. (Doctoral dissertation). The George Washington University, United States. Retrieved from Dissertation Theses: A & I database. (Publication No. AAT 297443).
- 23- Maguta, H. M. (2016). Effects of succession planning on the performance of non-governmental organizations in Kenya., International Journal of Scientific and Research Publications, Vol. 6, Issue. 4, April 2016. Pp: 593-601.

- 24- Musfata Kamil, B. A., Hashim, J. & Abdul Hamid, Z. (2016). Managing talents in higher education institutions: How effective the implementation of succession planning?., Sains Humanika, 8(4-2). Pp: 67-72.
- 25- Romejko, M.A. (2008). Key characteristics of succession planning program at a government research center, A dissertation for the degree of doctor of education in organizational leadership, United State, Pepperdine University
- 26- Rothwell, W. J. (2010). Effective succession planning: Ensuring leadership continuity and Building Talent from Within , 4th edition, New York, American Management Association.
- 27- Rothwell, W.J. (2006). Effective succession planning: Insuring leadership continuity and building talent from within. Translated by Harraf, A., Tehran: N.P.C Publication.
- 28- Rothwell, William J. (2005). Effective Succession Planning: Ensuring Leadership Continuity and Building Talent from Within. American Management Association (AMACOM). New York: 3 rd Edition
- 29- Sambrook, S. (2005). Exploring succession planning in small, growing firms. Journal of small business and enterprise development, 12(4), 579-594.
- 30- Santora, J. C & Bozer, G. (2015). How nonprofit organizations can ensure stability and sustainability through succession planning: make HR a strategic partner in the process., STRATEGIC HR REVIEW, Vol. 14, No. 6. Pp: 245-246.
- 31- Sibbald, Sh. L., Wathan, C. N., Kothari, A. (2017). Managing Knowledge in Transitions: Experiences of Health Care Leaders in Succession Planning., Article in The health care manager, June 2017. DOI: 10.1097/HCM.000000000000167.

پژوهش در هنر و علوم انسانی

مطالعه‌ی تطبیقی برنامه‌ریزی راهبردی بر اساس
حکمروایی خوب شهری؛ مورد مطالعه: شهرهای تهران و
مشهد

وحید حسنی هنزایی، رضا الهیاری

بررسی اثرات مهارت زبان انگلیسی در بین شهروندان بر
میزان افزایش گردشگری شهری؛ مورد پژوهی: شهر
ساحلی چابهار
مریم ده بالائی، علی ریگی

بررسی ویژگی‌های فرمی و روند محتوای اجتماعی در شعر
سیمین بهبهانی
مریم دهبندی

بررسی فرآیند مشارکت استفاده‌کنندگان (مردم) در روند
طراحی مسکن با رویکرد معماری جمعی
حمیدرضا فرشچی، حامد ترکی باغبادرانی

روان بخشی (ادراک) فضاهای طبیعی در محیط انسان
ساخت؛ آرامش بخشی فضاهای سبز طبیعی
آزیتا بلالی اسکوئی، حدیثه زاده مهدی

فرا تحلیل مطالعات رابطه بین سرمایه فرهنگی و شادی
اسدالله بابایی فرد، محدثه محرابی زاده، محمد شمسی

امکان سنجی استقرار مدیریت جانشین‌پروری در سازمان
بهزیستی استان آذربایجان شرقی
فاطمه بخشایشی